



آیا اقتصاد بدون نفت درمان پن‌بست است؟

وقتی به پیرامون خود می‌نگریم، نگرانی بسیار است. نگرانی از اینکه فردا چه خواهد شد؟ گرانی به کجا خواهد انجامید و اگر از پس هزینه‌ها برنیامدیم چه؟ کجاکاری بیابیم، یا مبادا کار خود را از دست بدهیم. چرا مانند برخی کشور های دیگر، خصوصاً پیرامون خودمان به ساخت و ساز و تولید و توسعه مشغول نیستیم؟ چرا به جای جذب نیروی کار خارجی مغزهایمان می‌گریزند؟ چرا در داخل و خارج با اعتراض و ناآرامی مواجهیم؟ در اینجا به این چرایی‌ها نمی‌پردازیم. به اختصار به این می‌پردازیم که در ایران چه داریم و با آنچه داریم چه می‌توان کرد و اگر به آنچه می‌توان کرد بپردازیم آیا فرصتی باقی می‌ماند که صرف‌فستیز و خشم و خشونت و رورویی با دیگران شود؟ اجازه دهید چند نکته مهم را برای نمونه بررسی کنیم:

به همراه ویژه

نامه روز جهانی زن (۸ مارس)

ویتترین اقتصادی کشور در سال ۱۴۰۲

در حالی که سال ۱۴۰۲ وارد می‌شویم که واحد پول کشور به کمترین ارزش خود در تاریخ رسید و پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این روند کاهش ارزش پول در سال آتی نیز ادامه خواهد داشت. پول ملی هر کشوری در بهترین جای ویتترین اقتصادی هر کشور قرار دارد و ارزشمند بودن آن جلوه ویژه‌ای به قالب اقتصادی آن مملکت می‌دهد. متأسفانه سال هاست که ویتترین اقتصادی کشور دیگر جلوه‌دار در رسم است. در ایام دهه فجر، دولتمردان به سیاق گذشته به سفرهای استانی بروند و مشغول افتتاح طرح‌ها و پروژه‌های متعدد بویژه دستاورد های دولت و کشور باشند. این امر بی‌فایده و بی‌ثمر است، اما کافی نیست. چرا که جنبه‌های تبلیغاتی آن بیشتر از ماهیت آن‌هاست. نیاز است که کارهای بنیادی و اساسی صورت گیرد تا رفاه به معنی واقعی در جامعه گسترش و احساس شود.

زخم‌هایی که نو میشوند

مردم، اولویت بندی‌های نابجا همه‌نیشتری هستند که بر زخم‌های کهنه شده ما زده می‌شود.

قبل تر لااقل چشم‌امیدی داشتیم به کارشناسان زبده‌ای که در اتاقهای هزار توی سازمان برنامه و بودجه می‌نشستند و بانگاهی منصفانه تر دست به تدوین برنامه‌ها می‌زدند. اکنون از این امید هم، تهی شده ایم.

سالهاست که بودجه ریزی تبدیل شده است به روشی که مختصر درآمد کشور صرف منافع گروه‌ها و افراد خاص می‌گردد تا بتوانند جایگاه و پایگاهی برای خود ایجاد نمایند. و سالها می‌گذرد بدون اینکه گشایشی پایدار و محسوس در شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور رخ بنماید.

وقت بودجه نویسی که می‌شود انگار زخم‌های لخته بسته ما را دوباره باز می‌کنند و خون می‌اندازند تا دیگر بار یادممان بیافتد که در کجا زندگی می‌کنیم و چه کسانی را بر سر نوشتمان حاکم کرده ایم.

همیشه اسفند ماه از این جهت سخت است و یادآور نابخردی‌ها و ظلم‌ها. تازه ما عوام هستیم و با آنچه پراکنده خوانده ایم و یاد گرفته ایم اینگونه هستیم. وای به حال آنها که عمیق تر و دقیق تر از اقتصاد سر در می‌آورند و تبعات این تصمیم‌گیری‌ها را نه در کوتاه مدت که در بلندمدت می‌دانند. نحوه تخصیص بودجه‌ها، هزینه‌تراشی‌های بی‌مورد، معافیت‌های مالیاتی رانتهی، تخفیف‌های مصرفی، فروش اموال



به جای مقدمه: واینک در پایان سال ۱۴۰۱
کلام مدیر مسوول: نقد اندیشه ها و نه اندیشمندان، مسئله این است
سخن سردبیری: زخم هایی که نو میشوند
سر مقاله: ویتربین اقتصادی کشور در سال ۱۴۰۲
گفتگوی ویژه: در نبود سیاستمداران و احزاب واقعی باندهای قدرت و گروه های
ذینفوذ چرخه سیاست، قدرت و اقتصاد را در دست می گیرند

۹..... نوشتار

آیا اقتصاد بدون نفت درمان بن بست است؟
منتقد نمی تواند بر انداز باشد!

۱۴..... گزارش

مسمومیت سریالی دختران
ما و بحران زلزله در خوی

۱۸..... اندیشه

ایران شهری زوال اندیش
بررسی اندیشه و کنش سیاسی سلامه موسی در عرصه سوسیالیسم (۲)

۲۴..... گفتگو

نسبت حاکمیت و نظام حزبی در نگاه تحلیلگران

۲۷..... معرفی و پیشنهاد

تلاش برای آخرین فرصت رستگاری
در جهان امروز چه چیزهایی دموکراسی را تهدید می کند؟
نظریه پرداز انحطاط، روی در خاک کشید
آوازه های عامیانه
نفت ملی شد
یاد آر، ز شمع مرده یاد آر!

بی هیچ دستمزدی
برای پیروز و احتمال انقراضش ...

۳۶..... تاریخ احزاب سیاسی ایران (۳): چگونگی ایجاد احزاب در ایران

۴۱..... نگاهی به رویدادهای اخیر جهان

۴۶..... اخبار حزب

۴۹..... صفحه آخر: باز نشستگان و اعتراض هایشان

۵۰..... ویژه نامه روز جهانی زن

گفتگوی دوزن، در زندگی آمیخته با سیاست
۸ مارس روز جهانی زن، حقوق زنان و ممنوعیت خشونت
گزارشی از نشست "جنبش زنان در ایران بانگاهی به اعتراضات کنونی"
اشک هایت

(بعضی از مطالب این نشریه گردآوری میباشد و بسیاری از عکس ها از سایت های مختلف برداشته شده است. از همه تهیه کنندگان اولیه تشکر مینمائیم)



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

۲۴ اسفند ماه سال ۱۴۰۱ / شماره ۵۹



صاحب امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیر مسئول:

رحیم حمزه

زیر نظر شورای سردبیری

همکاران این شماره:

راضیه گمار / زهرا کرد / زهره رحیمی
فاطمه قدم / فائزه صدر / مهتاب قصابی / مهشید قاسمی
افشین فرهانچی / پیام فیض / حامد نامجو / حسن اسدی
حسن غلامی / رحمان سعادت / شمس افزازی زاده
کاظم طیبی فرد / علی خلیلی پور / محمد بنی اسدی
محمد هادی خوشکلام / مرتضی صادقیان /
مهدی تروهدید

نشانی:

خیابان اسکندری جنوبی، نرسیده به خیابان آزادی، بن

بست خلیلی پلاک ۱ واحد ۱

تلفن:

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ / ۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

به جای مقدمه

واینک در پایان سال ۱۴۰۱

توفیق نصیب ما شد و اولین ویژه نامه به مناسب روز جهانی زن به عنوان ضمیمه نشریه منتشر گردید. تلاش میکنیم که از این پس بتوانیم لااقل هر فصل یک ویژه نامه یا پرونده ویژه داشته باشیم.

بازخوردهای شما عزیزان در مورد مطالب مربوط به تاریخ احزاب سیاسی ایران و صفحه آخر ما را امیدوار و شادمان نمود و امیدوار هستیم که بتوانیم همین روال را ادامه دهیم. پاینده و پیروز باشید.

آخرین شماره نشریه اراده ملت در سال جاری را تقدیم شما عزیزان مینمائیم و پیشاپیش سال نو را خدمتتان تبریک میگوئیم. از همه شما عزیزان ممنون هستیم که در این یکسال همراه و مشوق ما بودید و امیدواریم که بتوانیم سال بعد نیز بالنده و پویا در خدمتتان باشیم. در این شماره بالاخره توانستیم اولین ویژه نامه نشریه را تقدیمتان کنیم. در تابستان امسال یکبار برای درآوردن ویژه نامه خیز برداشتیم که موفق نبودیم ولی اینبار ظاهراً



نقد اندیشه ها و نه اندیشمندان، مسئله این است



رحیم حمزه

rahimhamzeh@gmail.com

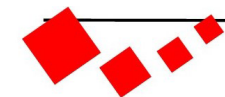
حتی (پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک) را. البته توی اصول و مبانی فلسفه واقعا استاد بودند منهای جریان و زاویه فکری شان بالاخره همین قیدو بند نسبت به پیش فرض هاست که ما را در ورطه شک انداخته و دانش آموز نگهداشته و آنها را تا مقام والای استادی بالا برده. زیادی حرافی کردم. می خواستم همین ، فقط اشاره ای کنم به اینکه ما ... ما که به تعبیر سعدی هریک مسافر موقت این کاروانسرا هستیم.»

و اما نگاهم به این یادداشت:

برادر فرهیخته ام، خوانش متن نوشته هایت فرصت مغتنمی است برای دوباره اندیشیدن. اعتراف می کنم به همان میزان که از پوپر یاد می گیرم از هایدگر هم. به همین سیاق از سروش گرفته تا داوری و فردید و دینانی و طباطبایی و ... حتی مصباح. یادگیری نیاز به گشودگی دارد به حقیقت. در عالم اندیشه برخلاف عالم سیاست، چه کسی می گوید؟ موضوعیت و مدخلیت ندارد؛ بلکه آن چیزی که می گوید اهمیت داشته و می تواند ارزش نقد پیدا کند تا از این رهگذر آجری از آجرهای بنای ساختمان اندیشه بشود یا نشود که از اهمیت ثانوی برخوردار است. در این وادی، هیچ گونه تعصبی به هیچ اندیشمندی معنای محصلی ندارد. من می توانم ایده خام و ناپخته و غیر دقیق ایران شهری مرحوم طباطبایی رو نپذیرم ولی نظریه زوال اندیشه اش را مهم بدانم و قابل تأمل. تصدیق می فرمایید که بار کردن صفت خیانت و امثال آن به یک اندیشمند، فی نفسه در اینجا محلی از اعراب ندارد مگر اینکه شخص اندیشمند بخواده علاوه بر اندیشه ورزی در سپهر سیاست نیز عرض اندام کند. همواره برای همه زایش اندیشه های رهایی بخش آرزو مندم.

به بهانه درگذشت زنده یاد سید جواد طباطبایی متفکر مکتب تبریز توفیق یافتم یادداشتی را از دوست عزیز و فرهیخته ام علیرضا مقدم از هموندان عضو شورای مرکزی حزب اراده ملت به مطالعه بنشینم که در نوع خودش با قلمی توانا اندیشه ای متفاوت را بیان می کند. با توجه به اهمیت این نوع نگرش ها، ابتدا یادداشت عینا و بی کم و کاست نقل و در ادامه نگاه خودم را با مخاطبین عزیز به اشتراک می گذارم. امیدوارم این کلامم در مقام مدیرمسئول علیرغم غیرمتعارف بودن، مفید به فایده واقع شود:

بار کردن صفت خیانت و امثال آن به یک اندیشمند، فی نفسه در اینجا محلی از اعراب ندارد



«آقای حمزه این یکی که دیگه واقعا مصداق اونیه که به دکتر سروش گفته بودم هست؟ یا بازم اشتباه می کنم؟ درسته که اینها معلمان و استادان ما هستند. و از هر کدام از اینها مطالب بیشمار آموخته ایم. چرا که! جوهره ما دانشجو و دانش آموز است و به این امر مفتخریم. جناب حمزه من آثار استاد مصباح را هم کمابیش خوانده ام.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹
۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

زخم‌هایی که نو می شوند

زخم اول

وقت بودجه نویسی که می شود انگار زخم های لخته بسته مارادوباره باز می کنند و خون می اندازند تا دیگر بار یادمان بیافتد که در کجا زندگی می کنیم و چه کسانی را بر سرنوشتان حاکم کرده ایم. همیشه اسفند ماه از این جهت سخت است و یادآور نابرداری ها و ظلم ها، تازه ما عوام هستیم و با آنچه پراکنده خوانده ایم و یاد گرفته ایم اینگونه هستیم. وای به حال آنها که عمیق تر و دقیق تر از اقتصاد سر در می آورند و تبعات این تصمیم گیری ها را نه در کوتاه مدت که در بلندمدت می دانند.

نحوه تخصیص بودجه ها، هزینه تراشی های بی مورد، معافیت های مالیاتی رانتی، تخفیف های مصرفی، فروش اموال مردم، اولویت بندی های نابجا همه نیشتری هستند که بر زخم های کهنه شده ما زده می شود.

قبل تر لااقل چشم امیدی داشتیم به کارشناسان زبده ای که در اتاقهای هزار توی سازمان برنامه و بودجه می نشستند و با نگاهی منصفانه تر دست به تدوین برنامه ها می زدند. اکنون از این امید هم، تهی شده ایم.

بودجه ریزی تبدیل شده است به روشی که مختصر در آمد کشور صرف منافع گروه ها و افراد خاص می گردد تا بتوانند جایگاه و پایگاهی برای خود ایجاد نمایند.

سالاهاست که بودجه ریزی تبدیل شده است به روشی که مختصر در آمد کشور صرف منافع گروه ها و افراد خاص می گردد تا بتوانند جایگاه و پایگاهی برای خود ایجاد نمایند. و سالها میگذرد بدون اینکه گشایشی پایدار و محسوس در شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور رخ بنماید.

زخم دوم

پنج روز مانده به نوروز ۱۳۶۷؛ کشور غرق در التهاب جنگ است. جنگی که تداومش پس از فتح خرمشهر محلی از اعراب دارد. تنها یک اتفاق احسن کننده حال ملت است، که آن هم بانگش مسئولین وقت تحقق نمی یابد و آن، پایان جنگ است. ناگهان حمله شیمیایی ۱۲ ساعته حلبچه، جان ۵۰۰۰ نفر از کردهای عراق را گرفت. اتفاقی که تحت عملیات انفال به قصد هلاکت و زنده به گور کردن بیش از ۱۸۰ هزار کرد به وقوع پیوست. برگ جدیدی از نسل کشی های عصر حاضر که در آن غیر نظامیان مورد حمله قرار گرفتند و به قدری رعد آسا رخ داد که پستان در دهان کودک شیر خوار خشک شد.

اما این روزها؛ کمتر از یک هفته به نوروز ۱۴۰۲ باقی مانده است. علی رغم تمامی شرایط و روزهایی که در سال جاری برگ خونی بر تاریخ این مرزوبوم بود، بهار تمام توانش را به کار گرفته تا رنگ سبزی و نو شدن به تن این کشور و مردمانش ببوشاند. اما عملیاتی گسترده، نه محدود به یک روستا و قوم که در سرتاسر ایران به مدت نامشخصی روان دختران کودک و نوجوان را هدف گرفته است.

نکته مهم این عملیات نامشخص بودن عامل این عملیات است. در مباران حلبچه طرف حساب رژیم صدام حسین بود اما در این اتفاق شوم طرف حساب کیست؟! مادامی که نوع حمله، پایگاه تأمین کننده عملیات و هدف آن نامشخص باشد بی شک مواجهه به موقع و نتیجه بخشی رخ نخواهد داد و ماحصلش تباهی و سیاهی است.

سابقه سوادآموزی زنان در مدارس ناموس و فروغ بر پایه تلاش های صدساله بی بی خانم استرآبادی ها، نمایانگر دستاوردی پرشکوه از مبارزه و تلاش مدنی دگراندیشان تاریخ بوده که این روزها مورد حمله قرار گرفته است. اما حالا زمین این بازی وحشتناک، مدرسه است. مکانی که هزاران نفر برای برپایی آتش جان ها و هزینه ها داده اند.

دخترانی که نسیم آزادی را در لایه لای موهایشان حس کرده بودند و می خواستند "جهان دیگری بسازند از برابری به همدلی و خواهری" اما تفکر واپس گرا و انحصار طلبی که دختر را به واسطه زن شدن ارج می نهد و کارش را فقط تولید نسل می داند، به حکم همین زن بودن، وجود آگاهش را بر نمی تابند و تمام همتش را به کار می گیرند که این جوانه های نورسته را خزان زده کند. خزانی که در قرن ۲۱ با حمله شیمیایی به مدارس و ۱۰۰ سال پیش با سنگ زدن به صدیقه دولت آبادی خود را نشان می داد. اما هدف و انگیزه یکی است. انقیاد و استثمار زنان!



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

ویرترین اقتصادی

کشور در سال ۱۴۰۲



مهران (رحمان) سعادت

saadatrah@yahoo.com

کسب در آمد با آن مواجه است می تواند آن را با استفاده از مولدسازی رفع کند. به نظر می رسد نتایج سیاست های اجرا شده از سوی دولت را باید در اول سال ارزیابی کرد. با ارائه لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ و ارائه گزارش عملکرد اقتصادی دولت از سوی رئیس جمهور، طبیعتاً آن زمان می توان براساس شاخص های عنوان شده از سوی دولت؛ عملکرد یک سالگی دولت را ارزیابی کرد. بی تردید اگر دولت با تامل بیشتری سیاست های درست اقتصادی را اجرا کند در دو سه سال آینده شاهد نتایج مثبتی از اقدامات دولت سیزدهم خواهیم بود. اما آنچه مغفول مانده این است که دولت در کنار سیاست ها و برنامه های مختلف اقتصادی می بایست به ویرترین اقتصاد کشور در داخل و خارج نیز توجه نماید. به هر حال آنچه از ویرترین اقتصادی نمایان است این است که دکور و نمای خوبی پیدا نیست. تورم بالای ۴۰ درصد نرخ ارز ۵۵ هزار تومانی و نرخ رشد اقتصادی پایین و اقلام کالاهای اساسی گران، همه سبب شده است که عموم مردم از فضای اقتصادی راضی نیستند و نیاز هست که برنامه های دولت دقیق تر و درست تر انجام شود. مثلاً جراحی اقتصادی ابتدای سال گرچه از ابعادی می تواند مثبت باشد، اما سبب شد که یک جهش اساسی در قیمت ها رخ دهد و ارزش پول ملی به شدت افت نماید.

از سوی دیگر، مدتی است که اقتصاد کشور دچار مسمومیت شده است. رانت خواری، فساد اقتصادی، بهره موری پایین، عدم شایسته سالاری سبب ناکارآمدی و کاهش رفاه گردیده است. در این میان بدترین نوع مسمومیت اقتصادی، مسمومیت بودجه ای است. چرا که در سطح کلان، اقتصاد را فلج می کند. مسمومیت بودجه ای نیز سالیان سال است که بر روح بودجه کشور حاکم شده است. این آلودگی بودجه ای به این مفهوم است که بودجه به جای اینکه در جهت عمران و توسعه باشد، بیشتر در ارتباط با لابی و سهم خواهی نمایندگان و بعضاً وزراء تعیین می شود و بودجه از رسالت و هدف اصلی خود دور شده است. سالها است که بر این مسئله تاکید شده است و بودجه عملیاتی به عنوان بهسازی بودجه مطرح شده است، اما به دلایل متعدد این مهم اتفاق نیافتاده است و عملاً بودجه دچار آفات متعدد گردیده است. بودجه سال آتی هم کم و بیش این وضعیت را دارد و در ضمن هنوز تکلیف بودجه ۱۴۰۲ مشخص نیست. امید است که بودجه سال قبل از عید به تصویب برسد. انشالله دولت بر اساس این بودجه در سال دوم کار خود، امور را دقیق تر پیش ببرد تا به وعده ها و تعهدات خود در قبال مردم عمل نماید. مردم انتظار دارند دولت جدید با سیاست های درست در زندگی اقتصادی آنها تاثیر مثبت داشته باشد.

در حوزه ویرترین خارجی اقتصادی نیز وضعیت مناسب نیست و تحریم های ظالمانه فضا را برای تحرک اقتصادی کم کرده است و دیپلماسی خارجی وزیر امور خارجه نیز از نظر اقتصادی اثر بخش نبوده است. بنابراین به نظر می رسد طرح های اقتصادی و سیاست خارجی دولت بهتر است سبب شکسته شدن پنجره اقتصادی کشور و به هم خوردن قیمت های نسبی اقتصادی و بر هم خوردن کسب و کارها نگردد. در مجموع پیشنهاد می شود طرح های مالیاتی و اقتصادی تیم اقتصادی، بصورت کارشناسی شده اجرا گردد و سبب زیبا شدن و ویرترین اقتصادی کشور از همه ابعاد گردد.

در حالی که سال ۱۴۰۲ وارد می شویم که پول واحد کشور به کمترین ارزش خود در تاریخ رسید و پیش بینی ها حاکی از آن است که این روند کاهش ارزش پول در سال آتی نیز ادامه خواهد داشت. پولی ملی هر کشوری در بهترین جای ویرترین اقتصادی هر کشوری قرار دارد و ارزشمند بودن آن جلوه ویژه ای به قاب اقتصادی آن مملکت می دهد. متأسفانه سال هاست که ویرترین اقتصادی کشور دیگر جلوه ندارد. رسم است در ایام دهه فجر (بهار انقلاب)، دولتمردان به سیاق گذشته به سفرهای استانی بروند و مشغول افتتاح طرح ها و پروژه های متعدد بویژه دستاوردهای دولت و کشور باشند. این امر فی نفسه مثبت است، اما کافی نیست. چرا که جنبه های تبلیغاتی آن بیشتر از ماهیت آنهاست. نیاز است که کارهای بنیادی و اساسی صورت گیرد تا رفاه به معنی واقعی در جامعه گسترش و احساس شود. در این میان مردان اقتصادی کشور در این رفاه نقش اساسی دارند. یکی از مردان اقتصادی مهم دولت در اقتصاد، وزیر اقتصاد آقای دکتر خاندوزی است. او در ابتدای سال با جراحی اقتصادی خبر ساز شد و امروز در انتهای سال با اعلام طرح فروش اموال راكد دولت، دوباره به دنبال تحول است. این طرح می تواند بخشی از مسائل را رفع و رجوع نماید، اما یک طرح بنیادی و راهبردی نیست و نیاز است که در کنار این سیاست، سیاست های دیگر نیز به کار گرفته شود. سیاست هایی که هم از نظر ماهیت و هم از نظر ظاهر برای مردم مطلوب باشد.

یکی از مشکلات اقتصاد ایران، راكد بودن پول های کلان در بخش های غیر مولد است.

یکی از مشکلات اقتصاد ایران، راكد بودن پول های کلان در بخش های غیر مولد است. ساختمان هایی ساخته و سرمایه گذاری هایی انجام شده است که بازدهی لازم را ندارد و هزینه تعمیر و نگهداری از آن نیز در تعهد دولت است و دولت در این زمینه ضرر می کند. در بخش های مختلف، سازمان ها، دستگاه ها و وزارتخانه های مختلف از این قبیل سرمایه ها وجود دارد که می تواند حلال برخی از مشکلات باشد، البته باید توجه داشت در اقتصاد ایران که با تورم درگیر است، نحوه تبدیل این اموال از حالت راكد به مولد، نگرانی هایی را نیز به دنبال دارد. تجربه هایی همچون خصوصی سازی در سال های گذشته، ظاهراروی کاغذ بر نامه درستی داشت اما زمانی که به مرحله عملیاتی رسید با مشکلاتی مواجه شد و اموال به درستی فروخته یا واگذاری نشد. بنابراین تصمیم گیری در خصوص واگذاری یا مولدسازی اموال با نظارت کامل و تصمیم گیری صحیح می تواند حلال بخشی از مشکلات باشد و با توجه به مشکلاتی که دولت در

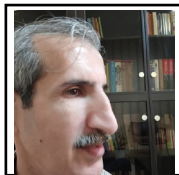


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹
۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

مصاحبه با دکتر احمد حکیمی پور دبیر کل و رئیس شورای مرکزی حزب اراده ملت ایران

در نبود سیاستمداران و احزاب واقعی باندهای قدرت و گروه های ذی نفوذ چرخه سیاست، قدرت و اقتصاد را در دست می گیرند



شمس الله افرازی زاده

shamsafrazi56@gmail.com

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



بایستی کمی بیشتر زمان بگذرد تا بتوان ارزیابی واقع بینانه از آن انجام داد. دیگر اتفاقات سال گذشته هر چند مهم هستند مخصوصاً در حوزه مسائل اقتصادی و تلاطم های شدید آن، ولی همگی تحت الشعاع جنبش زن، زندگی، آزادی هستند. **پدیده گشت ارشاد و معضلاتی را که در سوال اول اشاره فرمودید، با کشته شدن خانم مهسا امینی و تاثیر آن بر جنبشی که از همان ابتدا به نام ایشان شکل گرفت را چگونه ارزیابی می کنید؟**

دامنه و عمق رویدادهایی که بلافاصله بعد جریان ژینا امینی اتفاق افتاد، ریشه عمیق و چندین ساله دارد و ناشی از چندگانگی ساختاری، همراه با شکاف های افقی و عمودی

به عنوان یک فعال سیاسی و حزبی تحولات و اتفاقات مهم سیاسی سال ۱۴۰۱ کدامند و کدامیک از این اتفاقات به لحاظ معناداری و وزن، بر تحولات سیاسی کشور اثر بیشتری دارد؟ مهمترین رویداد سال، جنبش اعتراضی ایرانیان داخل و خارج کشور، بدنال مرگ مهسا امینی در محل پلیس امنیت تهران بود که بازتاب وسیع بین المللی داشت و کماکان به صورت مختلف ادامه دارد. این خیزش نه تنها تاثیر عمیق در افکار عمومی ایران و جهان داشت بلکه حکومت ها و دیگر نهادهای بین المللی را هم تحت تاثیر قرار داد. ساخت قدرت و حکومت در ایران هم قطعاً متأثر از این واقعه بوده و هست، ولی تاثیرات عملی و عینی آن به چه صورت خواهد بود،



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹
۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

متعدد در جامعه ایران است که به بهانه آن، رویداد شعله ور شد و تقلیل موضوع به معضلی بنام گشت ارشاد، باعث عدم تحلیل و تبیین درست تحولات ایران می شود. ولی از این واقعیت هم نباید غافل بود که رفتارهای زنده تو همین آمیزی که بازمان کشورمان مخصوصا دختران به عنوان گشت ارشاد صورت می گرفت و در فضاهای شبکه های اجتماعی دست بدست می شد در تحریک و تهییج افکار عمومی تاثیر غیر قابل انکار داشت.

جناب دکتر حکیمی پور بفرمایید که تغییر در مدیریت اطلاعات سپاه و برکناری آقای طائب چه تاثیری بر دامنه فضای سیاسی کشور داشت؟

برکناری حسین طائب، از ریاست سازمان اطلاعات سپاه، یک خبر غافلگیر کننده در فضای سیاسی کشور بود ولی اینکه چه آثار و تبعاتی در عرصه عمومی، خصوصا سیاست و کنشگران سیاسی بدنبال داشته و خواهد داشت، در حال حاضر چیز ملموسی قابل استناد و ارایه نیست. عرصه سیاست در ایران نیاز به تغییر نگاه و ریل گذاری جدید از سوی حاکمیت دارد و بایستی نگاه امنیتی و انتظامی تبدیل به نگاه حقوقی و قانونی شود و به این ترتیب، سپهر سیاست و کنش و واکنش های مربوط به آن کم تنش تر و کم هزینه تر خواهد شد. تغییر آقای طائب چنین شرایطی را نوید می داد و کماکان حوزه سیاست ورزی مدنی، منتظر آثار عملی چنین رویکردی هستند.

با توجه به روند اعتراضات و اینکه نقش احزاب در این تحولات قابل اعتنا نبوده است، اول اینکه بفرمایید این انفعال ناشی از چیست؟ دوم اینکه چه چیزی موجب پررنگ شدن جریانی به نام سلبریتی هاشد؟

در هر نظام سیاسی وقتی مجاری طبیعی و قانونی کنش های اجتماعی و سیاسی مسدود باشد، لاجرم مسیرهای دیگری شکل خواهد گرفت. در جمهوری اسلامی اگر چه قانون اساسی و قوانین عادی، تحزب و تشکل های سیاسی را به رسمیت شناخته، ولی هیچگاه احزاب مجال تاثیر گذاری موثر در روندها و فرایندهای سیاسی نداشتند، هم از سوی حاکمیت و هم در فرهنگ عامه تا توانستند بر ضد حزب و نیروهای سیاسی اقدام و کارهای تخریبی انجام داده اند. در فرهنگ عامه، سیاست مدار منفورترین آدم معرفی می شود. متن منتسب به سهراب سپهری را «که بجای سیاستمداران یک درخت بکارید» را در روز درختکاری منتشر می کنند. این ها بی دلیل نیست. با این جو مگر کسی تمایل به کار سیاسی و حزبی پیدا می کند؟ و اساسا چیزی به نام حزب به

درستی امکان شکل گیری پیدا می کند تا بتواند تاثیری بگذارد؟ در هیچ کجای دنیا سیاست ورزان مثل ایران تحقیر و تضعیف نمی شوند. پشت این داستان خبر هاست. برای این که در نبود سیاستمداران و احزاب واقعی، باند های قدرت و گروه های ذی نفوذ غیر شفاف و غیر پاسخگو چرخه سیاست، قدرت و اقتصاد را در دست می گیرند و هیچ کس هم آدرس درستی از آن ها ندارد. طبیعی است که در چنین شرایطی، چهره های مشهور هنری، دانشگاهی، ورزشی و غیره که محبوب مردم هستند و پایگاه اجتماعی دارند، خود بخود خلاء نهاد های سیاسی و مدنی را پر خواهند کرد. در این خصوص سخن بسیار است و مجال جداگانه و وسیعی می طلبد.

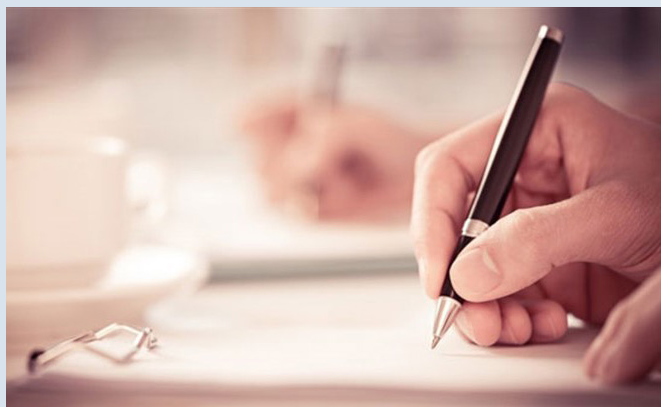
حزب اراده ملت در خلال این اعتراضات چه اقدام موثری انجام داد؟

حزب اراده ملت ایران در حد خود، اوضاع سیاسی کشور را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد و در مواردی که نیاز بدانند و تشخیص بدهد، در قالب اطلاعیه و بیانیه های رسمی، انتقادات و پیشنهادات را با مردم و مسئولین در میان می گذارد. در رویدادهای اخیر هم ما چهار بیانیه تاکنون صادر کرده ایم و فهم جمعی مان را از مشکلات اساسی کشور و راه حل های عملی متصور را صادقانه بیان کرده ایم که همه آنها در نشریه ارگان حزب و سایت رسمی مان درج شده و به اطلاع عموم رسیده است. علاوه بر این، نشریه حزب بطور مرتب بصورت دو هفته نامه در حال انتشار است و نزدیک به ۶۰ شماره از آن منتشر شده است که در آن جابطور وسیع تر مسایل اساسی کشور از دیدگاه حزب اراده ملت ایران مورد بررسی و آسیب شناسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که همه شماره ها برای علاقمندان، قابل دسترسی در سایت حزب و سامانه طاقچه می باشد. سایت خبری حزب هم مرتب به روز می شود و با اعضا و هواداران در ارتباط مداوم هستیم. حزب ما همچنین تنها حزبی است که در حال حاضر انتشارات خاص خود را دارد و در طول سال های اخیر، ده ها عنوان کتاب تالیفی و ترجمه در موضوعات مورد علاقه و همسو با اهداف و خط مشی حزب منتشر کرده است. ما به عنوان یک حزب از پایین، به اصل کم حرفی و پرکاری باور داریم، علاوه بر این که تحولات کشورمان را مرتب رصد و دنبال می کنیم، بر کار تشکیلاتی مداوم و مستمر معطوف به نتیجه ادامه می دهیم و در همین راستا آموزش و ارتقای کیفی اعضا و افزایش مهارت های تشکیلاتی و کار جمعی را همواره در دستور کارمان داریم.





نوشتار



آیا اقتصاد بدون نفت در مان بن بست است؟



فریدون مجلسی

ferimaj2@gmail.com

خسارت جبران ناپذیر به محیط زیست وارد کند. مانیز به رغم آنکه بخشی از درآمدها را تلف کرده ایم، اما از فقر و فلاکتی که در یک قرن پیش دچار آن بوده ایم رهیده و خود را به مراحل امیدوار کننده ای کشانده ایم. اکنون زیرساخت هایی متکی به نفت و گاز شرایط زمینه ای را برای توسعه سریع تشکیل می دهند که در زیر به آنها اشاره می شود.

۲- راه و بندر: در ۵۰ سال پیش که ایران سیاست شتاب بیشتر برای توسعه را در پیش گرفت، زیرساخت های کافی مانند بندر و جاده ها و حتی ناوگان حمل و نقل زمینی و حتی راننده کامیون در اختیار نبود. سیمان و فولاد به اندازه ای نبود که بتوان بندر و باراندازها را توسعه داد، و با بن بست هزینه های دمو راژ (هزینه حق توقف کانتینر) و افزوده شدن بر بار تورم مواجه شدیم. اکنون، گرچه با تأخیر، ایران از چندین بندر بزرگ در طول ۲۰۰۰ کیلومتری دریای عمان و خلیج فارس و هفتصد کیلومتر دریای خزر برخوردار است و اگر کمبود و کسری داشت باشد با در اختیار بودن امکانات ساختمانی به سرعت قابل رفع و توسعه است. برنامه ریزی و اجرای این امر اشتغال آفرین هم می باشد.

۳- شبکه راه آهن: اکنون ایران شبکه راه آهن رو به توسعه ای دارد که شمال و جنوب را از بندر عباس تا بوشهر به یزد و اصفهان و تهران و تبریز و مشهد و تا مرزهای ترکیه و عراق و ترکمنستان و افغانستان و پاکستان متصل می کند. بدیهی است این شبکه ضمن گسترش و برقی شدن و سریع شدن نیاز به برنامه ریزی بهره برداری بیشتر و در نتیجه ارزان تر دارد! حمل و نقل با ناوگان زمینی در راه های دور خصوصا با احتساب نرخ واقعی سوخت بسیار گران تمام می شود. کارایی بالفعل ترابری ریلی و حتی مسافری ایران، ضمن نیاز به اصلاح و مدرن سازی، با کارایی بالقوه یعنی نیاز رسیدن به ظرفیتی اسمی خود دارد که با توسعه و

وقتی به پیرامون خود می نگریم نگرانی بسیار است. نگرانی از اینکه فردا چه خواهد شد؟ گرانی به کجا خواهد انجامید و اگر از پس هزینه ها بر نیامدیم چه؟ کجا کاری بیابیم، یا مبادا کار خود را از دست بدهیم. چرا مانند برخی کشورهای دیگر، خصوصا در پیرامون خودمان، به ساخت و ساز و تولید و توسعه مشغول نیستیم؟ چرا به جای جذب نیروی کار خارجی، مغزهایمان می گریزند؟ چرا در داخل و خارج با اعتراض و ناآرامی مواجهیم؟ در اینجا به این چرایی ها نمی پردازیم. به اختصار به این می پردازیم که در ایران چه داریم و با آنچه داریم چه می توان کرد و اگر به آنچه می توان کرد پردازیم آیا فرصتی باقی می ماند که صرف ستیز و خشم و خشونت و رودرویی با دیگران شود؟ اجازه دهید چند نکته مهم را برای نمونه بررسی کنیم:

۱- نفت و گاز: نعمت بزرگی که ایران از آن برخوردار بوده و توانسته است به ضرب آن گلیم خود را در میان کشورهای جهان در قرن بیستم از آب بیرون کشد و از زندگی روستایی وار قرون وسطایی به زندگی مدنی مدرن قدم بگذارد، منابع نفت و گاز بوده است. نفت منبع لایزال نیست، باید از آن به گونه ای استفاده شود که سرمایه هایی بر جای بماند که در روزگار پایان این منابع، نسل های بعدی هم بتوانند به توسعه و تولید بدون نفت ادامه دهند. به عنوان دلگرمی باید خودمان را با اغلب کشورهای دیگری که نفت ندارند مقایسه کنیم! مگر آنها چه می کنند؟ امارات و مسقط و عمان و کویت و عربستان تا نیمه قرن بیستم در شمار فقیرترین سرزمین های خشک و بیابانی بودند. اکنون همه آنها به بهره مندی از نعمت نفت در شمار کشورهای مرفه و پیشرفته و حتی صنعتی جهان قرار گرفته اند یا در این مسیر هستند. با امکاناتی که اکنون دارند به توسعه میدان های برق خورشیدی مشغول اند، تا جای نیروی محرکه بدون نفت را بگیرد بی آنکه



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹
۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

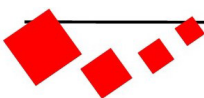
لوله سازی و مصرف کنندگان ورق های فولادی و گالوانیزه و ساخت تانکرها و مخازن صنعتی و وسایل مختلف خانگی و صنعت بزرگ شیشه که مبتنی بر ترکیب ماسه سیلیسی با انرژی است می توان اشاره کرد که همگی در پرتو توسعه تولیدات زیربنایی حاصل از نفت و گاز پدید آمده و رشد کرده است.

۱۱- از کشف معدن بزرگ لیتیوم نیز نام می برند که تضمین کننده یک توسعه صنعتی مناسب میتواند باشد.

منظور از این مقدمه و شرح امکانات موجود و بالقوه در ایران، جهش در توسعه اقتصادی است، نه نشان دادن هنر دولتهایی که بخش بزرگی از درآمدها و ثروت ملی را نیز ریخت و پاش و نفله کرده اند! منظور پاسخ دادن به شعاری است که در شأن مردم کشور ثروتمند ایران نیست؛ که با کشف اخیر دومین ذخیره بزرگ لیتیوم در جهان، ایران را پس از شیلی در جایگاهی برتر از منابع نفتی اش قرار می دهد! این شعار که در سال های اخیر شنیده می شود «اقتصاد بدون نفت» است! یعنی شعار مقطعی دوران مصدق را به یاد می آورد که «چون به دلیل تحریم های ظالمانه صادرات نفت ما محدود شده است»، ای مردم، به جبران از دست دادن ارز حاصل از آن، آماده ایثار و ریاضت کشی مانند دوران اقتصاد بدون نفت مصدق باشید! بدون آنکه توجه داشته باشند که در آن دوره کل بودجه ارزی ایران متکی به نفت بود! یعنی تنها درآمد عمده کشور که بتواند برای خود زیربنای توسعه اقتصادی را بنیان نهد، صادرات نفت بود. اتفاقاً این انتقاد از دیدگاه نگارنده وارد است که حتی مصدق بهتر بود با اولویت دادن به منافع ملی، به جای حقوق ملی که در نظر او راجع بود، خود را با شرایط حاکم بر بازار نفت در جهان تطبیق می داد و با پذیرش غرامت ملی کردن، بهانه مصادره شدن را که مانع صادرات نفت ایران شده بود بر طرف می کرد. اما به هر حال سیاست «اقتصاد بدون نفت» او در شرایطی که متن قانون ملی کردن «در راه سعادت ملت ایران» بود، نشان می دهد که سیاستی مقاومتی و موقت و مهلت طلبیدن برای رسیدن به راه حل مناسب بود و اصولاً ربطی به شرایط اقتصادی کنونی ایران نداشت. یعنی هیچ یک از امکانات ۱۰ ردیف ظرفیت های بزرگ تولیدی که در مقدمه فوق اشاره شد در زمان مصدق وجود نداشت. این امکانات از زمان جدی شدن درآمدهای نفتی یعنی از اواخر دهه ۱۳۴۰ تا کنون از جیب ملت ایران تأمین شده است و منتی نسبت به ملت ایران ندارد!



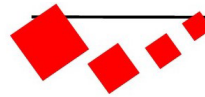
مطالبه ملت ایران این است که چرا باید در پاسخ بی کفایتی های ناشی از سوءمدیریت، ریاضت های «اقتصاد بدون نفت» به ملت ایران تحمیل شود!



اکنون با توجه به مقدمه می خواهم بگویم که اقتصاد ایران ابداً بدون نفت نیست! مطالبه ملت ایران این است که چرا باید در پاسخ بی کفایتی های ناشی از سوءمدیریت، ریاضت های «اقتصاد بدون نفت» به ملت ایران تحمیل شود! چرا این ریاضت ها به کویت و عربستان و قطر، امارات و مسقط و عمان و حتی عراق تحمیل نمی شود؟ چرا ما باید فقیر و ضعیف باشیم و آنها ثروتمند و قوی؟ با پول و ثروت ما چه کرده اید؟ شاید مقایسه ای ساده با دو کشور همسایه صنعتی بدون نفت ترکیه و پاکستان جالب باشد:

اتصال بین المللی بیشتر هم خواهد شد. برای بالا رفتن بهره وری مسافری باید دستیابی ایستگاه های راه آهن به پایانه مترو یا اتوبوس شهری مسیر باشد و باید با فاصله زمانی کوتاه امکان سفرهای بین شهری، مانند کم و بیش نیم ساعت به نیم ساعت با سرعت ۲۰۰ کیلومتر در ساعت به مشهد، اصفهان و شیراز، اهواز و آبادان و یزد و بندرعباس یا تبریز و زاهدان و حتی بغداد و آنکارا فراهم شود! برای حمل بار نیز شرکت های حمل و نقل باید فقط عهده دار انتقال کانتینرها در بندر گاه از بارانداز به روی قطار کانتینر بر باشند تا قطارها بتوانند هر ساعت کم و بیش ۱۰۰ واگن حمل کانتینر را به پایانه های گمرکی مقصد در اصفهان و شیراز و تهران و تبریز و مشهد و شهرهای دور و نزدیک دیگر حمل کنند و شرکت حمل و نقل فقط حمل از نزدیک ترین پایانه بارانداز ریلی را تا مقصد مشتری بر عهده بگیرد.

در ایران چه داریم و با آنچه داریم چه می توان کرد



۴- پتروشیمی و صنایع پایین دستی: ایران، با توجه به اینکه دارای بزرگ ترین منابع گازی جهان است، از پنجاه سال پیش علاوه بر تأمین سوخت خانگی برای گرمایش و آشپزخانه از گاز طبیعی، احداث نخستین کارخانه مجتمع پتروشیمی برای تولید اوره و آمونیاک و متانول صنعت پتروشیمی خود را در شیراز آغاز کرد که با توسعه در آبادان و ماهشهر و بندر امام به مجتمع عظیم عسلویه رسید. ایران که وارد کننده محصولات پتروشیمی بود با تولید میلیون ها تن فراورده در سال، در شمار صادر کنندگان مهم قرار گرفت. نکته مهم بالا رفتن مصرف داخلی به موازات تولیدات جدید پتروشیمی در صنایع شیمیایی و محصولات پلاستیکی و بنگ و رزین و چسب و کالاهای نهایی می باشد. در نتیجه بخش بزرگی از تولیدات پتروشیمی که برای بازار صادراتی هدف گیری شده بود اکنون با ارزش افزوده در داخل کشور مصرف و نیازهای داخلی را تأمین می کند یا می تواند به خارج صادر شود.

۵- برق: صنعت بومی شده برق کشور بیشتر متکی به انرژی گاز و نفت است که علاوه بر رفع نیاز صنایع بزرگ و کوچک داخلی و مصارف خانگی به خارج نیز صادر یا در ساعت های پیک مبادله نوبتی می شود. باید خصوصاً به ظرفیت خورشیدی آن نیز توجه و به آن افزوده شود.

۶- آهن و فولاد: ظرفیت تولید آهن و فولاد بومی شده ایران که وابسته به سنگ آهن و گاز و برق است از ۳۰ میلیون تن در سال گذشته است و می تواند نیازهای ساختمانی از انواع تیرآهن و میلگرد و نیز نیازهای صنایع و ورق ساده و گالوانیزه را تأمین کند.

۷- مس: اکنون صنعت بومی شده مس کشور قابلیت رفع نیازهای داخلی از برق تا لوله در صنایع و صادرات را با خلوص بالا دارد و متکی به سنگ معدن داخلی و گاز و برق است.

۸- آلومینیوم و سرب و روی: این صنعت نیز بومی شده و قابلیت رفع نیازهای داخلی از پروفیل تا ورق های صنعتی و خانگی را دارد.

۹- سیمان: یکی دیگر از صنایع مهم که علاوه بر سنگ آهک فراوان، نیازمند برق است و اکنون ظرفیت تولید سیمان ایران جای مصارف داخلی و صادرات از ۱۰۰ میلیون تن در سال فراتر رفته است، و کمبود سیمان یا آهن دیگر تنگنای توسعه عمرانی تلقی نمی شود.

۱۰- سایر صنایع: نیازی به ذکر فهرست طولانی سایر صنایع متکی به نفت و گاز داخلی نیست، فقط به صنعت بزرگ خودروسازی سبک و سنگین، صنایع ماشین سازی، واگن سازی، صنایع فلزی و ریخته گری،



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹
۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

۱ - مقایسه با ترکیه: ترکیه جمعیتی معادل ایران و سرزمینی نصف مساحت ایران دارد. ترکیه فاقد منابع نفت و گاز مهم و متکی به زغال سنگ و منابع وارداتی است. درآمد سرانه ایران در سال ۱۳۵۵ معادل ۲۳۰۰ دلار یعنی نزدیک به دو برابر ترکیه با درآمد سرانه ۱۳۰۰ دلار بوده است و در سال ۱۴۰۱ درآمد سرانه ایران ۳۳۷۰ دلار، یعنی فقط قدری بیشتر از یک سوم ترکیه با درآمد سرانه بیش از ۹۵۰۰ دلار بوده است! چرا؟

مقایسه دیگر مقایسه مصرف نفت و گاز سالانه دو کشور در سال گذشته است: مصرف گاز ترکیه حدود ۵ میلیون و پانصد هزار فوت مکعب در روز است که از خارج وارد می‌کند. و مصرف نفت خام آن کشور روزانه ۱ میلیون بشکه است که ۹۳ درصد آن را از روسیه و قزاقستان و عراق وارد می‌کند. در حالی که مصرف روزانه گاز ایران چهار برابر ترکیه است و نفت خام مصرفی پالایشگاه‌های ایران به اندازه ترکیه برآورد می‌شود که تماماً متکی به تولید داخلی است.

۲ - مقایسه با پاکستان: پاکستان بیش از ۲۳۰ میلیون جمعیت دارد که حدود سه برابر ایران است، و وسعتی معادل نصف ایران دارد. پاکستان منابع گاز دارد که بیش از ۹۰ درصد نیاز فزاینده آن کشور را تأمین می‌کند و مصرف روزانه آن کشور کمتر از ۴ میلیون و چهارصد هزار فوت مکعب در روز یعنی ۳۰ درصد کمتر از ایران است. مصرف نفت خام پاکستان روزانه ۵۰۰ هزار بشکه معادل نصف مصرف ایران است که از خارج وارد می‌کند. درآمد سرانه ایران در سال ۱۳۵۵ معادل ۲۳۰۰ دلار یعنی نزدیک به ده برابر پاکستان با ۲۱۰ دلار بوده است و در سال ۱۴۰۱ درآمد سرانه ایران ۳۳۷۰ دلار، بوده؛ یعنی دوبرابر پاکستان با درآمد سرانه ۱۶۶۰ دلار بوده است! چرا؟

مقایسه ارقام فوق نشان می‌دهد که ایران کشوری با اقتصادی متکی به نفت و گاز است و از مبانی زیرساختی توسعه صنعتی خوبی هم برخوردار است. بدیهی بخش مهمی از این مصرف صرف تولیدات پتروشیمی و آهن و فولاد و برق و سیمان و صنایع دیگر می‌شود، پس چرا در ایران با مشکلاتی مانند تورم همراه با رکود، بیکاری، مهاجرت، و ناآرامی‌های اجتماعی مواجه است؟ چرا نباید ایران پیشرفته‌تر از کشورهایی باشد که نه از منابع و نه از زیرساخت‌های آن برخوردارند!

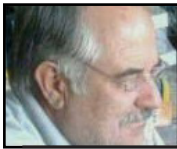
در چنین شرایطی عنوان کردن اقتصاد بدون نفت فقط به معنی نگرانی از کمبود ارز حاصل از نفت صادراتی است و اثری روانی ناشی از دورانی است که درآمد نفت کل بودجه کشور را پوشش می‌داد.

با اندکی بررسی به این نتیجه می‌رسیم که مشکل واقعی ایران اقتصادی نیست و راه حل اقتصادی هم ندارد! مشکل در هزینه‌های بیش از ظرفیت اقتصادی کشور است که درگیر مسائل و جنگ‌های فرسایشی فرامرزی است و به همین دلیل هم دچار تحریمی است که بازگانی خارجی ایران را فلج کرده است.

با گسترش روابط بین‌الملل و بهره‌مندی از استقلال بانکی در تجارت بین‌الملل، ایران با سرعت می‌تواند با برنامه‌ریزی علمی، توسعه اقتصادی و صنعتی سالمی را ادامه دهد. به شیوه‌های مدرن شیرین‌سازی آب دریا با انرژی خورشیدی و تولید نمک و املاح جانبی با کشت گسترده گلخانه‌ای برای مصارف انسانی و دامداری بپردازد، شهرهای خوشه‌ای کشت صنعتی و دامداری علمی و صنایع دیگر بهره‌مند از انرژی‌های پاک ده‌ها میلیون نفر را در شهرهای سالم در نوار ساحلی متمرکز کند. مصارف خانگی آب را بازیافت کند و آب و کود حاصل از آن را به احداث جنگل‌ها و فضای سبز گسترده اقتصاد دهد. میدان‌های وسیع تولید برق خورشیدی و برق بادی احداث کند و حتی از سقف کشتزارهای گلخانه‌ای برای استفاده از انرژی خورشیدی و تعدیل حرارت گلخانه برای انواع کشت‌های گرمسیری و سردسیری و مرطوب و غیر مرطوب استفاده کند. ترابری ریلی شهری و بین‌شهری را سریع و گسترده کند که برای مسافران سفر سریع و ارزان ریلی راحت‌تر و ارزان‌تر از استفاده از وسیله شخصی باشد. خود را برای اتومبیل‌های برقی در آینده آماده کند. با دنیا در مسیر هوش مصنوعی هم‌سفر شود و جا نماند. با اتکا به قدرت اقتصادی و منابع بی‌مثال خود به قدرت دفاعی عالمانه و مدرنی دست یابد که نیازی به نمایش‌های روزانه و قدرت‌نمایی نداشته باشد. غذا و مسکن و رفاه و تحصیل رایگان با کیفیت بالا و بهداشت و درمان عمومی و ارزان و اشتغال با حق مرخصی و بازنشستگی حتی برای سالمندان فاقد پیشینه کار فراهم شود. اینها رؤیا نیست. واقعیت‌هایی است که در کشورهای پیشرفته از اسکاندیناوی تا ژاپن و کانادا و در بسیاری دیگر از کشورهای جهان همراه با آزادی‌های فردی، شفافیت و مشارکت عمومی در سرنوشت سیاسی خود وجود دارد!



منتقد نمی تواند بر انداز باشد!!!



حسن اسدی

کج تابی را در مناسبات درونی دستگاه قدرت جستجو کرد. برای نمونه، همان گونه که می دانیم در نگاه سیاسی، قدرت از مشرب مقدس انگاری نگریسته می شود تا با بهره گیری از هاله ای که قداست ایجاد می کند به هر آن کسی که نزدیکی به قدرت دارد، موقعیتی فرازمینی داده شود و به دنبال اعمال این نگاه است که دستگاه سیاسی مستولی بر قدرت می کوشد به هر نحوی که شده مانع از هر تلاطمی شود که ممکن است به طریقی این قداست را مخدوش سازد و یا اساسا فکر می کند که هر چالشی تنها با هدف وارد کردن خدشه به چهره مقدس قدرت و عاملان آن بروز می یابد (توهم توطئه) و این چنین است که با حساسیت تمام در ماهیت هر عامل خارج از مجموعه قدرت نگاه می شود و حتی از تشبیه در این که با وارد کردن موارد غیر واقعی تخفیف تأثیری در فعالیت های آنها داده شود خود داری نمی کنند.

هر چند انتقاد نوعی مبارزه است که بر علیه انحراف و خروج از اصول و قواعد صورت می گیرد، اما در ذات، منتقد نمی تواند یک مبارز انقلابی باشد و برای براندازی تلاش کند یا نمی توان از یک منتقد انتظار داشت که مثل یک مبارز تلاش داشته باشد تا از بنیان، موجودیتی را منهدم و مضمحل سازد. حتماً خواهید پرسید که در این وانفسا چرا طرح چنین موضوعی را وظیفه خود دانسته ام؟ در پاسخ به این سؤال و یا در تلاش برای رفع این ابهام، دوستان را ارجاع می دهم به انتقاداتی که برخی از دوستان به بعضی از نوشته های من دارند.

برای نمونه آن جا که من از ساختار اجتماعی دفاع می کنم و عنوان می دارم که در این ساختار، ایدئولوژی هم مولفه ای ساختاری است و نباید حمله و مخدوش ساختن چهره ایدئولوژی به صورت محض و مطلق در دستور کار باشد. برخی از دوستان برمی آشوبند که در این شرایط، دفاع کردن از ایدئولوژی نوعی مشروعیت دادن به شرایط و مقابله ایست که حکومت در مقابل اعتراضات دارد و یا اقدامی است که موجب فراهم آمدن زمینه خدشه به اساس اعتراضات می شود. اعتراض دوستان با تمسک به مثل رومی روم و یا زنگی زنگ در ظاهر می تواند منطقی و درست باشد اما باید به خاطر داشت که منتقد در اساس موظف است که با محوریت دادن به:

۱- هدف از برپایی مجموعه

۲- وظیفه ای که عناصر تشکیل دهنده بر عهده دارند

۳- عملکردی که هر یک از عناصر در مقابل عمل به وظایف بر جای گذاشته اند موضوع کلیت موجود را به بررسی بگذارد و ضعف ها و کاستی های موجود را بر ملا سازد و نمی تواند در حوزه عملی محض خویش چیزی بیش از این بگوید و یا بخواهد. اجازه بدهید کمی این بخش را مصداقی کنم تا هم راستایی با بحث ممکن شود. همان گونه که می دانیم انسان عضویت در جامعه را انتخاب می کند که از مازاد تولید و فعالیت دیگران بهره ببرد. در اجتماع حکومت موظف می شود که امکان تسهیل در عرضه مازاد تولید عموم را فراهم کند. حال اگر اجتماعی تشکیل شود و این همگرایی صورت نگیرد (مردم نخواهند و نتوانند و یا حکومت آن عاجز باشد) مسلم است که هدف اجتماعی شدن فراهم نمی آید، اینجا منتقد وارد می شود و می گوید: «اجتماع محترم تو اگر چه از همه عناصر ساختاری برخوردار بوده ای اما نتوانسته ای هدف تأمین اعضا را به انجام برسانی.» «ای حکومتی که به هر بهانه ای مردم را زیر مهمیز مالیات و یا بهره روری از توانمندی های او برده ای و یا با تمام قدرت از تمام ارکان ساختاری برای آنچه که طبق قانون در اختیار بوده استفاده کرده ای اما نتوانسته ای مردم را به رفاه و رضایت برسانی.» و با آسیب شناسی دقیق می گوید که اشکال کار تو در اینجا بوده است. مثلاً امروز که حکومت و دولت در ایران مورد اعتراض است و این اعتراض علامت روشن نارضایتی مردم و عدم توفیق دولت است؛ ریشه و علت در این دارد که حکومت و دولت از میان همه ارکان اجتماعی تمام تکیه و سنگینی خود را بر سیاست تحمیل کرده اند و همه ارکان را از منظر و زاویه سیاست دیده اند و از این روست که دین سیاسی شده است، امنیت سیاسی شده است، اقتصاد سیاسی شده است و فرهنگ و امور اجتماعی بر محوریت دید سیاسی استقرار یافته و استقلال خود را از دست داده اند و راه برون رفت از این شرایط پس بحرانی و خطرناک در بازگشت حکومت و دولت به چهار پایه مستقل خویش است و این حرفی است که منتقد می تواند بگوید و باید بگوید که اگر غیر از این باشد به تحقیق او دیگر نمی تواند منتقد باشد بلکه یا وابسته و طفیلی است و یا انقلابی و برانداز. منتقد مولد ارتباط و تعالی بخش آرزوها و ایده آل هاست.

حال ممکن است پرسیده شود که اگر منتقد برانداز نیست و همسویی با چالش های محض انقلابی ندارد، پس چرا تحمل منتقد و تاب آوری در مقابل تفکر انتقادی سخت است؟ در پاسخ به این سؤال باید از منظر نگاه سیاسی به قدرت نگریست و علت این

راه برون رفت از این شرایط بسی بحرانی و خطرناک در بازگشت حکومت و دولت به چهار پایه مستقل خویش است

حال ممکن است این ابهام برای دوستان پیش بیاید که اگر حکم کلی است که دستگاه سیاسی می باید در برابر نقد و منتقد دارای مواضع تند باشد، چرا این رویکرد در کشورهای توسعه یافته بکار گرفته نمی شود؟ در پاسخ باید به این موضوع عنایت داشت که در آنها هم وجود دارد، اما اگر به چشم نمی آید بدان خاطر است که حکومت و سیاست در آن کشورها در کف خیابان جاری نیست تا همه تضادها و به نوعی برخوردها علنی و عمومی شود. از سوی دیگر باید به این واقعیت هم اذعان داشت که در آنها قدرت و عاملان قدرت مقدس شمرده نمی شوند تا با کمترین اشاره و نقدی، زمین به آسمان کوبیده شود. اما اگر از موارد مورد اشاره بگذریم می توانیم به مصداق مثل هر گلی رنگ و بوی خود را دارد بگوییم که در آن ممالک صحن اجتماع پازلی را می ماند که هر موقعیت و منصبی دقیقاً برای انجام تعهد و مأموریتی تعریف و بنا شده است و نمی شود در آن به خوشایند کسی و یا از باب سلیقه گروهی قطعه ای از پازل مورد اشاره را حذف کرد و انتظار داشت که بعد از حذف آن دیگر قطعات به درستی کار کنند و یا دیگر قطعات نسبت به بیرون راندن و بی اثر کردن آنها اعتراضی نداشته باشند، مخصوصاً قطعه های نظارتی که فعالیت های اجتماعی پررنگ تری از دیگر قطعات دارند؛ زیرا که اینان به عنوان نمایندگان افکار عمومی و یا عناصر تشکیل دهنده و جدان عمومی، عقل جمعی را به زمان بروز اتفاقات نزدیک می سازند تا از طریق تسلط بر آنها هزینه ها کاسته شود و انحرافات کنترل و مدیریت گردند.

منتقد ناظری است که با حضوری عالمانه به تولید رابطه مستمر بین مردم و جایگاه های ارائه کننده خدمات می پردازد و با افزودن به سطح توقعات و تمایلات مردم، سطح آرزوها و مطالبات اجتماعی را بالا می برد و خود این، خواسته جدی دستگاه قدرت، در ممالک توسعه یافته است تا افکار عمومی عالم و آگاه به عنوان موتور محرکه اقدامات و فعالیت ها وارد شود و به شناسایی منافع و ارتقای آن کمک کند.

به اجمال آنکه جامعه امروزی ایران باید این فرصت و فضا را برای فعالان در عرصه نقد و نگاه کاوشگرانه فراهم کند تا با ریز بینی این بخش از جامعه رابطه بسیار مهم و حیاتی مردم و حکومت و به تبع آن دولت - ملت از استمرار و قوت لازم برخوردار گردد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



گزارش



مسمومیت سریالی دختران



فاطمه قدم

fatemehghadam56@gmail.com

اراده ملت، فاطمه قدم، حدود ۳ ماه است که مسمومیت های دانش آموزان مدارس دخترانه از شهر قم شروع شده است و به سرعت در حال تسری در دیگر مدارس دخترانه در شهرهای دیگر است و به گفته مسئولین حداقل ۱۰ استان و چیزی قریب به ۱۰۰۰ نفر درگیر این ماجرا شده اند. اما پاسخ ها به علت این سریال مسمومیت سازی دانش آموزان مدارس دخترانه، توسط مسئولین به صورت ضد و نقیض ادامه دارد و تا کنون جواب قطعی از طرف مسئولین ارائه نشده است. در این خصوص اراده ملت با داود محمدی و رضا فضلعلی در خصوص چرایی این اتفاق و عدم شفافیت و پاسخگویی مسئولین و ناتوانی آنان در حل این مسائل به گفتگو نشسته است که در ادامه می خوانید:



گفتگوی اول با داود محمدی، نماینده دوره های نهم و دهم مجلس شورای اسلامی

دلیل دیر اقدام کردن مسئولین برای مسئله ای به این مهمی را چطور ارزیابی می کنید؟

مدت ها قبل که این مسئله در قم اتفاق افتاد ما چندین مرحله در جاهای مختلف مطرح کردیم که باید به طور جدی به این مسئله پرداخت. این رخداد ابتدا در قم و سپس به صورت سریالی در مدارس دیگر و بعد استان های کشور و تهران ادامه دارد و مورد توجه مسئولین قرار نگرفت. این که مسئله خیلی ساده نیست و خیلی هم جدی می باشد. سؤال ما از مسئولین این است که این مسئله جدی و مهم به چه دلیل اتفاق افتاده است و چرا باید اتفاق بیفتد و وظایف ذاتی مسئولین در این خصوص چیست؟ مگر غیر این است که باید پیگیری کنند و به دنبال روشننگری باشند. ضرورت ایجاب می کرد لاقول برای والدین در مدرسه قم ابعاد مسئله روشن می شد. حداقل کاری که می شد کرد این بود که مسئولین بهداشت توضیح می دادند که چطور نشر گاز باعث مسمومیت فرزندان شان شده است، تا باعث دل نگرانی های آنان و مانع رفتن عزیزانشان به مدرسه نشوند. ما شاهدیم که بعد از مدت ها تازه مسئولین یادشان افتاده است که پیگیر مسئله باشند در صورتی که از وظایف ذاتی آموزش و پرورش است و صدا البته دیگر وزارتخانه ها و این بی توجهی به هیچ وجه قابل توجیه نیست. خب عدم پاسخگویی و شفافیت باعث ایجاد شایعاتی هم خواهد شد که در

فضای مجازی به سهولت به آن پرداخته می شود و فضای مجازی جهت تشدید کردن این قضیه و بهره برداری هر ذی نفعی کمک کننده خواهد بود. اصلا به قول خودشان کار دشمن است. چرا مسئولین پیگیر نیستند و پاسخگو بهتر نیست بیایند و به صراحت اعلام کنند که مادر یافتن علت مشکل ناتوانیم تا این که بگویند که ما دیر متوجه شده ایم که مسلماً این گونه توجیهات قابل اغماض نیست.

چرا دولت در دستگیری عاملان ناتوان است؟

ما با دو موضوع مواجهیم: ۱. عدم پیگیری مسئولین و پیدانکردن جواب ۲. عدم اطلاع رسانی و آگاه نکردن مردم وقتی اولیا اعتراض کردند، مسئولین یا تکذیب می کنند که این مسئله قابل تکذیب نیست و یا اطلاع رسانی نمی کنند و فضا را به دست فضای مجازی جهت مدیریت آن می دهند که نتیجه می شود شایعه پراکنی و بهره برداری ذی نفعان به طرق مختلف که مقصر هم مسئولین هستند به دلیل اطلاع رسانی نکردن.

من معتقدم که باید به طور جدی به این مسئله پرداخته شود و بعد ریشه یابی انجام شود و قصور توسط افرادی که کردند پرداخته شود و متأسفانه نگران ترین مسئله این است که وقتی مسئله ای رخ می دهد مسئولینی که مسئول رسیدگی به این امورات هستند شروع می کنند به گفتن اینکه دشمن این کار را کرده و فضای مجازی تخریب می کند. در صورتی که شما باید مانع دشمن شوید و هر کسی قصوری کرده باید جوابگو باشد و به جای توسل شدن به این گونه توجیهات باید مجرم شناخته شود و نه اینکه هر کسی که چیزی بگوید و عدم پراکندگی گویی هر مسئول یا خبرنگاری خود فی نفسه باعث نگرانی مردم می شود.

افراد با چه نیتی دست به همچنین عمل فجیعانه می زنند؟

آنچه مبرهن است این است که این پدیده به صورت حساب شده و برنامه ریزی شده در حال اتفاق است و باید ریشه یابی شود. ما نمی توانیم منکر واقعیات شویم بلکه باید مدیریت صحیحی را جهت برخورد با این گونه قصورات و کوتاهی و حل مسائل به این مهمی در پیش بگیریم تا موجبات آزردن شدن خانواده ها را در بر نداشته باشد. از طرفی این اتفاقات خود برای نظام جمهوری که نظام را در مهریانی است غیر قابل قبول است و چیزی جز تأسف ندارد. تکرار این گونه اتفاقات و عدم پیگیری صحیح مسئولین و عدم شفافیت و پاسخگو نبودن، باعث دل زدگی مردم می شود و آثار منفی بر جامی گذارد و به نظر می رسد که یک عده ای دارند فضا را آلوده می کنند تا به کشور خیانت کنند و لطمه بزنند. پس مسئولین باید پیگیری کنند تا عاملین این فاجعه که بر خلاف مصالح ملی و مصالح نظام عمل می کنند شناسایی شوند و برای مردم شفاف سازی صورت بگیرد. فردی که با نفوذ خود این اتفاقات را رقم می زند به دنبال نگران و هیجانی کردن مردم است تا مردم به خیابان نیایند و این حرکت ها هم غیر عقلانی و خشن است و با دین سازو کار نیست و باید پیگیری شود.



هفته نامه غیر بر خط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹
۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

گفتگوی دوم با رضا فضلعلی، دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران)، کنشگر سیاسی



چرا دولت در دستگیری عاملان ناتوان است؟

همه چیز بر می گردد به قدرت سایه اگر چه برخی می گویند دولت سایه ولی بنده به قدرت سایه اعتقاد دارم و در ظاهر می بینم که آقای خاتمی در رأس حاکمیت قرار می گیرد و بعد از کمی که می رود می گوید که نگذاشتند تا من کار کنم. دولت احمدی نژاد، دولت روحانی، دولت رئیسی ایضا. گویی عادت کرده ایم که تقصیر را به گردن نفر یا نفرات قبلی بیندازیم، در صورتی که قبل از گرفتن پست جدید، قبل آن در پست دیگری مسئول بوده ایم. هر رئیس جمهوری قبل از رئیس جمهور شدن در یکی از سمت های استاندارد، وزارت، شهرداری و ... بوده است. پس چطور می گوید تقصیر قبلی ها بوده است و نگذاشتند که کار کنیم.

اگر امروز درب پمپ بنزین فردی شعاری خلاف سیستم حاکمیتی بدهد بلافاصله توسط نیروهای امنیتی شناسایی و دستگیر می شود. اما این قضیه مسمومیت باید حتما مثل قضیه اسید پاشی به جاهای حساس کشیده شود تا مسئولین به خود بیایند.

قضیه مسمومیت مدارس دخترانه، زمانی که از قم شروع شد کل جامعه خبر داشتند الا مسئولین؟ حالا می گویند بگیرید؟ خب چه را بگیرند؟ چه کسی را بگیرند؟ همان طور که کسی نمی داند که قضیه اسید پاشی چه شد یا قضیه حجار یان چه شد که البته خاطر نشان کنم که در تأیید یار داستان حجار یان نیستم؛ بلکه می خواهم بگویم که این مسائل بر می گردد به قدرت پنهان که به یک بازار آشفته نیاز دارد.

افراد با چه نیتی دست به همچنین عمل فجیعانه می زنند؟

جیمز روزنا، نظریه ای به نام آشوب دارد. ایشان در رابطه با آشوب در جهان فعلی می گوید که یک سری از عکس العمل ها، مربوط به حاکمیت، زیاده خواهی دولتمردان و اقتدار گرایان و ... می باشد، ولی همه اینها یک دلیل دارد، یک عکس العملی در مقابل عمل است. یعنی اگر آزاری به شما رساندم و فقط خودتان آزار رساندن به شما که هیچ؛ ولی اگر آزاری به شما رساندم و فقط خودتان متوجه شدید و فوراً عکس العملی نشان دادید، افراد مشاهده گر عمل قبیح مرا که باعث آزار رساندن شما شده ام نمی بینند و فقط عکس العمل شما را می بینند و فوراً شما را مورد ملامت قرار می دهند که چرا همچنین عکس العملی نشان داده اید.

افراطی گرایی در داعش که فقط شاهد عکس العمل توسط آنها بودیم مثل سربردن و کشتن افراد به طرز فجیعانه و ... دلیل آن عملی چون دیده نشدن، طرد شدن، به حاشیه رفتن افراد عضو داعش است که این عکس العمل فجیعانه را رقم زد. یاد ر خصوص مسمومیت مدارس دخترانه

که فقط عکس العمل افرادی را می بینیم که قبیح است اما به عمل توجه نمی کنیم که همچنین آشوبی را به وجود آورده است عملی که باعث شده است تا این گونه تفکرات خود را به حق بدانند و ممانعتی برای ورود دختران به مدرسه شوند.

من اعتقاد دارم در فضای مجازی ۴ اندیشه مطرح است:

۱. یک عده تفکرات افراط گرایی مبنی بر اینکه جو امنیتی شود و دختران به مدرسه نروند.

۲. عده ای به دنبال تضعیف دولت فعلی جهت بی عرضگی در کنترل وضع موجود هستند.

۳. ادامه یافتن جنبش زن، زندگی، آزادی

۴. مشغولیات اذهان بابت به فراموش سپردن مسئله ارز

به نظر شما کلیپ منتشر شده در فضای مجازی بابت حمله و رشدن افرادی به مادر یکی از دانش آموزان مدرسه ۱۳ آبان که مورد مسمومیت قرار گرفته بودند چه پیامهایی می تواند داشته باشد؟

در رسانه ملی همه چیز به ظاهر آرام است ولی مردم از طریق رسانه های خارجی و فضای مجازی زودتر از موعد از موضوع خبردار می شوند. حداقل صدای و سیمای ما ۵ قدم از مردم و ۲ قدم از رسانه های معاند فارسی زبان عقب تر است. وقتی همه فهمیدند رسانه ملی تازه به دنبال تهیه گزارش است. در صورتی که باید اول از همه دست به کار شود و گزارش ها توسط سیاسیون و جامعه شناسان به گونه ای بیان شود که التهاب در جامعه ایجاد نکند.

در خصوص کلیپ منتشر شده رسانه ها باید زودتر از موعد اقدام کنند و باید شفاف سازی انجام شود و دلیل آن به مردم قبل از بهره برداری و سوء استفاده های دیگران داده شود. خواه این کلیپ مربوط به سال ها قبل بابت موضوع دیگر باشد خواه کار دشمن باشد و ... در صورتی که به دلیل عدم اطلاع رسانی رسانه های داخل، چند روز دیگر رسانه های فارسی زبان و فضای مجازی اطلاعات هویتی کامل این فرد را در اختیار کاربران خود قرار می دهند و رسانه ما همچنان عقب است. جالب است که ما اطلاعات دقیق از جزئی ترین حوادث کشورهای دیگر را داریم؛ ولی آمار فردی که موهای خانمی را می کشد یا اسید پاشی و ... را نداریم این مسائل است که باعث می شود بحران مشروعیت به وجود بیاید و به تبع آن احساس یکی بودن کم شود و با بحران مشروعیت و احساس یکی نبودن مردم با حکومت، فاصله بین مردم و حکومت زیاد می شود که فاجعه است.



ما و بحران زلزله در خوی



محمدبنی اسدی

(کارشناس ارشد مهندسی صنایع)

فاز پیشگیری و آمادگی مربوط به قبل از وقوع، مقابله حین وقوع، بازسازی بعد از وقوع است. در فاز پیشگیری و آمادگی می توان گفت، خودمان را هر ساله با مانور زلزله در مدارس سرگرم کرده ایم و به جای استفاده از اصول مهندسی و وضع قوانین مربوط به مقاومت سازه ها، به حاشیه رفته ایم. فاز مقابله را همیشه و همیشه به خودمان باختیم و حتی هنوز در فرهنگ سازی مدیریت صحنه حادثه، ناتوان هستیم. و نهایتاً بازسازی: برای تشریح این فاز از مدیریت بحران، زلزله خوی را مورد بررسی قرار می دهیم.

در اولین دقایق پس از زلزله مدیر بحران و مدیر عملیات چه کسانی هستند؟ از چه کانال های ارتباطی به مسئولین شهرستان و مردم معرفی شده اند؟ در میدان عملیات دستور و فرامین چه کسی ارجحیت دارد؟ ریشه و پایه مدیریت بحران در کشور ما به رفتارها و تصمیمات مقطعی و احساسی گره خورده است.

پس از وقوع زلزله کمپ هایی برای اسکان موقت زلزله زدگان برپا گردید که داخل سالن های سرپوشیده و فضای باز بودند. اما آن هایی که در چادرها و فضای باز، اسکان داده شدند، آنها چه ابزارها و امکاناتی را دریافت نموده اند؟ برق این چادرها با کابل کشی غیر استاندارد از دکل های برق فشار قوی به تابلو برق ها وصل گردیده اند. تابلوهایی که معمولاً پشت چادرها هستند و هیچ عایق یا ایمنی کافی ندارند. از همه مهمتر این که این تابلو برق ها بدون حریم و علائم هشدار دهنده در دسترس کودکان قرار دارند.

در این روزها بارها افرادی را مشاهده کردیم که در خانه هایشان به دنبال جمع آوری وسایلشان بودند، چه کسی به آنها مجوز تردد در نقاط ناایمن را داده است؟ مگر این سازه ها مجدداً ایمن سازی شده اند؟ یکی از صحنه های غم انگیز در روستاهای شهرستان خوی، منتظر ماندن چند ساعته بعضی از مردم در سرمای کنار جاده ها جهت جانمندن از کمک ها و غذای گرم خیرین بود. در حالی که خواسته های این مردمان بسیار ناچیز هستند، اما انگار اراده ای برای حل این مشکلات به چشم نمی خورد.

سال ها و سال هاست که در زمینه مدیریت بحران در بلایا و سوانح مطالعه می کنیم. نمونه های مختلف و متدهای موفق سایر کشورهای جهان را واکاوی کرده و لاجرم سری به نشانه ی حسرت تکان می دهیم. اما سوال این است که پس از تمام این متن های کلیشه ای چه باید کرد؟ عیب و مشکل ما از کجاست؟ کشور ما با سوابق متعدد در وقوع زلزله از طبس، بوئین زهرا، رودبار و منجیل، بم و کرمانشاه و ... نمونه های بسیار متنوع و مناسبی جهت درس آموزی از این حوادث داشته است. نمونه هایی که هر کدام قلب را به درد آورده و خاطرات تلخ گذشته را تداعی می کند. اما جواب سوالات بی پاسخ صف کشیده ی ما اینجاست :

مادر مدیریت بحران، رویکرد واکنشی داریم نه کنشی

بر اساس استاندارد مدیریت ریسک ۳۱۰۰:۲۰۱۸، رویکرد واکنشی بر دیدگاه سنتی مدیریت بحران بر پایه اقدام اصلاحی بنا شده و همیشه منتظر وقوع رویداد است تا پس از آن اقدام به اصلاح پیامدها نماید. اما رویکرد کنشی، این دیدگاه مدیریتی بر پایه اقدام پیشگیرانه استوار است و محوریت آن، پیشگیری قبل از وقوع می باشد. حال ریشه علت در کجاست؟ در اندیشه و دیدگاه مدیران کشور.

خودمان را هر ساله با مانور زلزله در مدارس سرگرم کرده ایم

مدیریت بحران، تنها فاز بعد از وقوع سانحه و بلایای طبیعی نیست. بر اساس استاندارد مدیریت بحران و حوادث ISO22320 پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی عناصر مدیریت بحران می باشند.

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



اندیشه



مروری بر آراء مرحوم دکتر سید جواد طباطبایی به بهانه در گذشتش



کاظم طبیبی فرد

k.tayyebifard@gmail.com

ایران شهری زوال اندیش

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

سوم تا هفتم هجری قمری پرداخته و زوال و انحطاط اندیشه را عیان می کند، رویه هنجاری متخذاز توصیف و تبیین، یا همان اندیشه "ایران شهری" به وجود آمد و بیان گردید.

۱- تاریخ انحطاط

روش مندی و سیر تکاملی پژوهش دکتر طباطبایی از همین زاویه پیداست؛ توصیف، تبیین و در نهایت تجویز. وی در توصیف وضع موجود، آنچه در سیر تطور تاریخ جمعی ما حاصل شده را نه با ابزار جامعه شناسی یا حتی علوم سیاسی، بلکه به وسیله تأمل فلسفی و با ابزار فلسفه کاویده و بر تحلیل عناصر فکری دوران ها تمرکز نموده است.

او در پاسخ به این پرسش محوری که "چرا غرب مدرن شد و ما نشدیم؟" دو دلیل عمده دارد؛ اول، حاکمیت تفکرات صوفیانه و دنیاگریز در خیال خانه جمعی ایرانیان و دوم، ظهور ارتدوکس یا راست کیشی ناشی از مهاجرت ترکان و حمله مغولان. همین دلیل دوم است که محل مناقشات بسیار شده. برخی آن را به نگره های نژادپرستانه گره زده اند و برخی دیگر بر این همانی راست کیشی با حکومت ترکان انگشت تردید نهاده اند.

هر چه باشد، پیداست که طباطبایی در پی دور زدن و نادیده انگاشتن سنت نبوده و با فهم و مواجهه انتقادی با سنت، چون اسلاف مقبول نظرش، هگل و ایده الیست های آلمانی، در تأسیس انتقادی سنت می کوشیده است. همان گونه که کنکاش در علل وضع موجود و بررسی عوامل ناکامی از اهمیت در خوری برخوردار است، می توان گرایش ایده الیستی در بازخوانی تاریخ را قابل دفاع دانست و گرایش طباطبایی به مشی هگلیستی در اصالت تاریخ را درک نمود و با آن همدل شد.

صبح روز چهارشنبه گذشته خبر در گذشت دکتر سید جواد طباطبایی موجی از واکنش ها را در جامعه فرهنگ و اندیشه موجب شد، چه در ابراز تأسف و همدردی، و در دریغ و افسوس از حکایت زمانه، و چه در رد و لعن اندیشه های متوفی و اثرات آن.

هم استناد به گفته مرحوم دکتر داوود فیرحی که مرحوم طباطبایی را "پدر اندیشه سیاسی ایران" لقب داده بود و هم فاشیست و راسیست خواندن این تازه در گذشته، نه دور از انتظار بودند و نه تعجب برانگیز. بی گمان طباطبایی اولین و مهم ترین شخصی بوده که اندیشه سیاسی را در ایران بر پشتوانه درک و تبیین فلسفی بنا کرده و از رویه های جامعه شناختی متمایز نموده است، لیکن در عوض، تکیه بیش از حدی بر عنصر نژادی مقوم ملت ایران، اتهام نژادپرستی او را تقویت می کند. زبان های تیز از نیام بر آمده نیز، نابهنگام و غیر منتظره نبود چرا که خود آن مرحوم با هدف تحذیر و تقویت تأثیر گذاری، تیغ تیز و بران زخم زبان را عریان نموده و سال ها "هل من مبارز" طلبیده و بسیار زخم ها زده بود. اما تمام اینها در بررسی اندیشه یک اندیشمند یا تفکر یک فیلسوف، برای جامعه فکری توشه ای و نان و آبی نمی شود. یک اندیشمند، هر چقدر صائب سخن یا بیهوده گو، چیزی جز اندیشه هایش نیست. آثار فراوان او را باید خواند و درس گرفت، سلبا یا ایجابا. اندیشه را باید اندیشید.

به زعم من، و بنا بر آنچه رواج یافته، تز فکری مرحوم طباطبایی را می توان در دو محور، تلخیص و بررسی نمود. تفکر و خوانش تاریخی او که منجر به ارائه نظریه "زوال و انحطاط" شد، و در وهله بعد، رویه هنجاری او که می کوشد به تجویز راهکار برون رفت از وضعیت توصیف شده بپردازد. بعد از رویه توصیفی که به بازخوانی تاریخ و بخصوص تاریخ دوره میانه، یعنی قرون



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹
۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

در آثار این دوره فکری طباطبایی، او به قرائت موارث فکری و قرائت تاریخ اندیشه اسلامی می‌پردازد تا علل زوال اندیشه سیاسی در ایران را بیابد. تلاش طباطبایی این است که منحنی زوال اندیشه در تاریخ ایران را ترسیم کند. در ترسیم این منحنی دو نقطه عزیمت چشمگیر وجود دارد؛ واقعه حمله اعراب به ایران به عنوان منشأ انحطاط جزئی، و واقعه حمله مغولان و متعاقب آن حکمرانی غلامان ترک، به عنوان انحطاط کلی. هر چه حمله اعراب و اسلام آوردن ایرانیان در اثر آن، از طرق مختلف، در ابتدا باعث انحنا و شیب دار شدن منحنی زوال گردید، در دوران بعد از آن، با سیطره فرهنگ ایرانی به وسیله حاکمان و وزیران ایرانی خلافت اسلامی و در اثر استواری فرهنگ ایران زمین که اعراب را دامن گیر و وابسته خود نمود، به نقیض خود و به شکوفایی و بالندگی تمدنی تبدیل شد اما انحطاط و زوال ناشی از حمله مغولان و حاکمیت اخلاف ترکشان چنان پر دامنه و مؤثر افتاد که هیچگاه صعبی‌ات و سنگینی این ضربه گران ناپدید و یا حتی کم رنگ نشد.

طباطبائی در پی دور زدن و نادیده انگاشتن سنت نبوده و با فهم و مواجهه انتقادی با سنت، چون اسلاف مقبول نظرش، هگل و ایدآلیست‌های آلمانی، در تأسیس انتقادی سنت می‌کوشیده است.

از همین رو شکل‌گیری دولت ملی در ایران امری ممتنع گردید. حتی سلطنت صفویان با سلطانی صوفی اگر چه یکپارچگی و وحدت ایران را موجب شد اما نتوانست بنیان ملت را تقویت نماید چرا که همچنان در ذیل رویه امت‌سازی پیش رفت. از همین رو نیز بود که صفویان بر رسمیت دادن به مذهب شیعی به عنوان مذهب رسمی و دیوانی کشور اصرار داشتند، چون همچنان در صدد امت‌سازی متقابل با امارت عثمانیان بودند و نه ملت‌سازی ملت ایران.

به گمان و بنا بر خوانش طباطبایی این رویه چنان ادامه یافت که حتی در ملی‌ترین کنش ایرانیان، انقلاب مشروطه، نیز ایران و ملیت ایرانی هیچگاه مسئله و دغدغه روشنفکران نگردید. البته توجه به این نکته نیز ضروری است که انحطاط و زوال مورد نظر طباطبایی هرگز به معنای مرگ و نابودی نیست بلکه مراد وی از این توصیف، گسست پیوندهای هویتی و فکری ای است که موجب اسقاط اعتبار فلسفه امور انسانی در گستره تاریخی مورد نظر می‌گردد.

۲- اندیشه ایرانشهری

این جنبه از تفکر طباطبایی اگر چه صبغه‌ای ملی‌گرایانه دارد، از تلقی و گرایش ناسیونالیستی بسیار دور است. "بازگشت به خویشتن" مورد نظر وی، نه از روی دعوت به سلفی‌گری از راه تقدیس گذشتگان، بلکه بر اساس فهم اصول سیاست مدرن بوده است. او در تلاش بوده مفهوم "ملیت" را به عنوان عنصری اساسی و مدرن در عرصه اندیشه سیاسی ایران بازشناساند.

طباطبایی "خودآگاهی جمعی" عصر زرین را که در اثر تلاش‌های فکری امثال بوعلی سینا، فارابی، بیرونی، فردوسی، حافظ، خیام، ناصر خسرو، خواجه نظام‌الملک، رودکی و سهروردی متبلور شده بود را برآمده از دو عنصر فلسفه سیاسی ایران قبل از اسلام و توأمان، فلسفه سیاسی یونان باستان می‌داند و آن را به میزان مشخصی سکولار، کثرت‌گرا و عقلانی می‌پندارد.

هدف طباطبایی، بازگشت به این چنین خویشتنی است که در آن بر

اساس و بر مبنای سنت ایران پیش از اسلام، "ایران" کانون فلسفه سیاسی است. این کانونی بودن "ایران" همان "روح ایرانشهری" است. ایرانیان همواره از زمان ساسانیان بر داشت معینی از خود داشته و خود را ایرانی می‌دانسته‌اند. به عبارت دیگر، ملیت ایرانی، مفهوم هویتی ریشه داری بوده که موجب خاص شدن تجربه ایرانیان از دیگر بلاد اسلامی شده است.

طباطبایی، از همین رو، ایران را در چهار چوب گستره فرهنگ اسلامی، "درون بیرونی" نام نهاده، چه، از نظر جغرافیایی در درون گستره اجتماعی اسلام قرار داشته و در عین حال از نظر فرهنگی، زبانی و از نظر سنت علمی، هویت مستقل و مخصوص به خود را داشته است.

اندیشه "ایرانشهری" طباطبایی تلاشی است در پروبلماتیزه‌سازی مفهوم "ایران" و دعوتی است به ابژه، متعلق و موضوع قرار دادن آن در یک پروژه فکری فلسفی. به همین دلیل هم هست که بر اصالت بخشی به زبان فارسی تأکید و رزیده و در خوانش تاریخ ایران قرائتی نوین ارائه نموده و می‌کوشد پیوندهای فکری، فرهنگی و هویتی با ایران باستان را برجسته نماید.

او اگر چه بر سویی ملی‌گرایانه فرهنگ ایرانی تأکید دارد، از جنبه‌های دینی و اسلامی این هویت غافل نیست. در خوانش تاریخ انقلاب مشروطه، چنان که در آخرین کتاب منتشر شده‌اش بدان پرداخته، مشروطه و مشروطیت طلبی را اقتضای روح ایرانشهری مستتر در فرهنگ ایرانی دانسته اما به جای بررسی مرسوم آثار روشنفکران مؤثر آن دوره، مانند آخوندزاده، به بررسی اندیشه سیاسی علمای دینی و بخصوص اندیشه آخوند خراسانی پرداخته است.

پردازش اندیشه "ایرانشهری" و دعوت به تبلور آن، اندیشه‌ای تأسیسی است و دعوتی است از سر اضطرار به بازگشت به ریشه‌های مقوم ملتی که در طول اعصار و قرون چنان ریشه دوانده که حتی با آمدن اسلام و غرب نیز پابرجا و استوار مانده و حتی به زعم طباطبایی بر حمله اومانیسیم و سکولاریسم غربی نیز فائق آمده است.

به هر روی، اگر چه همچون هر نظریه پردازی دیگر، نقاط مبهم و حتی کور فراوانی در اندیشه ایرانشهری مورد نظر طباطبایی می‌توان جست، یقیناً نمی‌توان و نباید بدان بی‌اعتنا بود، حتی اگر سازواری و واقع‌نمایی آن را به چالش بکشیم.

اندیشه "ایرانشهری" طباطبایی تلاشی است در پروبلماتیزه‌سازی مفهوم "ایران" و دعوتی است به ابژه

اندیشه مرحوم طباطبایی اگر چه تنها بدیل دغدغه اعتلای ایران نیست، مدرن‌ترین، منسجم‌ترین و روشمندترین آنهاست. از این رو رد و انکار آن نیز همت والا و تلاش وافر می‌طلبد.

زبان گزنده و بیان تند مرحوم دکتر طباطبایی نیز، اینک که او آرام گرفته، دیگر نه موجب تهییج است و نه باعث تقبیح. هر بدیلی برای چنین اندیشه‌ای، از آنجاکه این تفکر مبتنی بر داده‌های فراوان قابل تأمل است، خود ستودنی و راهگشاست.

چه اندیشه طباطبایی را بپذیریم و چه نپذیریم، به یقین جامعه علمی ما اینک مردی پر تلاش را از دست داده. مردی پر تلاش که در بیان اندیشه‌اش هر چه گزنده بود، در مانست و معاشرت، دوست داشتنی بود و خوش رو. طباطبایی هر چه بود و هر چه گفت، کاری کرد و تلاشی نمود و سعی‌ای کرد. اندوخته او اینک توشه ماست. گزش و رانش را کناری نهیم و در تأیید و بسط اندیشه او، یاد رده و ارائه جایگزینی برای نسخه‌های او همتی کنیم و قدیمی بر داریم. چونان همه ما، او نیز کار خود کرد و رفت؛ "گر تو بهتر می‌زنی بستان بزن".

بررسی اندیشه و کنش سیاسی سلامه موسی در عرصه سوسیالیسم

(بخش دوم)

نویسنده: یاسمن یاری

به دنبال چاپ کتاب راقمان انقلاب‌ها اثر مشهور متفکر و نویسنده مصری - سلامه موسی - به زبان فارسی توسط انتشارات حزب اراده ملت ایران؛ شایسته دیدیم که در بخش اندیشه نشریه اراده ملت به باز نشر مقاله "بررسی اندیشه و کنش سیاسی سلامه موسی در عرصه سوسیالیسم" نوشته خانم دکتر یاسمن یاری بپردازیم. این مقاله قبلاً در نشریه مطالعات تاریخ اسلام (سال هشتم/شماره ۲۹/تابستان ۱۳۹۵) به چاپ رسیده است. خانم دکتر یاری در این مقاله تفکر و زندگی سلامه موسی را در دو عرصه اندیشه و سیاست مورد بررسی قرار داده است.

مقدمه

سوسیالیسم در مصر، با متفکران غیربومی راه خود را شروع کرد؛ اندیشمندانی که از دیار شامات و از پی رهایی از استبداد سلطان عبدالحمید ثانی، راهی مصر شده بودند، اما سلامه موسی نخستین سوسیالیست مصری بود که پا به عرصه این مکتب گذاشت و در میدان اندیشه و سیاست، مجاهدت‌های فراوان کرد؛ برخلاف سوسیالیست‌های مهاجر که حوزه اندیشه را مأمونی امن برای گسترش این مکتب یافتند و پا به میدان مبارزات سیاسی نگذاشتند.

فعالیت‌های سلامه موسی در حوزه مطبوعات، نگارش کتاب و همچنین ورود به سیاست، با ایجاد نخستین حزب سوسیالیست مصری، به این او و شناخت زندگی وی، اهمیت ویژه‌ای بخشیده است. این پژوهش می‌تواند همگام با بازخوانی اندیشه‌های سلامه موسی، تصویری از سوسیالیسم مصری، آن هم در برهه‌های حساس تاریخ این مملکت ارائه دهد؛ حساس به این دلیل که درست در همین زمان، مبارزات مردمی برای کسب استقلال مصر در جریان است. انقلاب ۱۹۱۹م. در پی پایان جنگ جهانی اول آغاز می‌شود. مردم مصر همچون بسیاری از کشورهای دیگر جهان، پس از انقلاب ۱۹۱۷م. روسیه، از این انقلاب تأثیر می‌پذیرند و جهان با سوسیالیسم و کمونیسم، می‌رفت تا چهره‌های کاملاً متفاوت یابد. این موارد، اهمیت این اندیشمند را در زمانه خویش به خوبی نمایان می‌سازد و کار بر روی اندیشه‌ها و فعالیت‌های سیاسی و فکری او را برای کسانی که شناخت جریان فکری سوسیالیسم در مصر را خواستارند، لازم می‌کند.

در این پژوهش و در گام نخست، اندیشه سلامه موسی مورد بازخوانی قرار گرفته و در گام بعدی کنش سیاسی وی بررسی و واکاوی شده است. امیدواریم که شناخت این مرد، به درک سوسیالیسم در مصر در نیمه نخست قرن بیستم کمک کند.

سلامه موسی در عرصه سیاست

زمانی که درباره سوسیالیسم صحبت می‌کنیم، در واقع از مکتبی سخن می‌گوییم که بیشتر از آنکه با قلم بر مردم جهان تأثیر گذاشته باشد، با کنش

سیاسی توانست بر جهان ما تأثیر گذار باشد؛ تأثیری که کشوری از آن دور نماند و تحولات سیاسی هیچ مردمی در تاریخ معاصر را نمی‌توان بدون این تأثیرات درک کرد. واقعیت این است که سوسیالیسم در هیچ جای دنیا، فلسفه و صاحبان اندیشه را دچار تحول بنیادین نکرد، بلکه این عرصه سیاست بود که عرصه فعالیت و مبارزات معتقدین به این مکتب قرار گرفت. شاید این هم از آموزه‌های یکی از بزرگان این مکتب باشد که کار فیلسوفان را فقط تفسیر جهان نمی‌دانست، بلکه هدف اصلی را در تغییر جهان می‌دید، اما در مصر این واقعیت صورتی معکوس یافت. سوسیالیسم، در حوزه اندیشه تحولات فراوان ایجاد کرد و حرف‌های زیادی برای گفتن داشت، اما در عرصه عمل، چندان موفق نبود و با موانع جدی بسیاری روبه‌رو شد. همین امر موجب می‌شود که سلامه را نیز بیشتر در عرصه اندیشه فعال ببینیم تا در میدان سیاست.

اینکه از چه زمانی یک حزبی با گرایشات چپ، در مصر شروع به کار کرد، پرسشی است که نمی‌توان به آن پاسخ قطعی داد. از ابتدای قرن بیستم، احزابی تشکیل شدند که مرانامه‌هایشان نزدیک به سوسیالیسم بود، اما در حقیقت این احزاب، سوسیالیست نبودند. در سال‌های نخست قرن بیستم، حزب الاشتراکی المبارک را می‌بینیم که توسط دکتر حسن جمال الدین تأسیس شد.

برنامه ارائه‌شده از سوی این حزب، بیشتر روح اخلاقی داشت و به تحول اجتماعی، به صورتی بنیادین، توجه و عنایتی نشان نمی‌داد. در سال ۱۹۰۹م. حزب دیگری با نام حزب «العمل بالقطر المصری والسودان» توسط سیدمحمد از اصحاب حرف دستی ایجاد شد. هدف از تأسیس این حزب، ایجاد جامعه عمومی از کل اصناف و اتحادیه‌های کارگری بود تا بتواند از حقوق ایشان حمایت کند. این حزب برای کارگران، تظاهرات و اعتصاب به راه می‌انداخت، مثلاً یک بار عده‌ای از نجاران، آهنگران، بناها و نقاشان را به دلیل کسادی وضعیت ساخت‌وساز و بحران اقتصادی به خیابان کشاند. در مارس ۱۹۰۹م. تظاهراتی ترتیب داد که در آن شعار «أحسن المبادیء هو مبدأ الاشتراکیه» سر دادند؛ و یا اعتصاب چهار هزار نفری راه آهن را به راه انداختند. اما این حرکت‌ها صورت جدی نیافت و محدود باقی ماند. اوضاع به همین منوال ادامه یافت، تا اینکه وضعیت مصر در عرصه صنعت و سیاست تغییراتی را پشت سر گذاشت. با افزایش قدرت صنعت در مصر، تحرکات کارگری نیز افزایش می‌یافت و مصر با این طبقه و معضلاتش از نزدیک آشنایی پیدا می‌کرد. طبقه کارگر، با شرایط سختی زندگی را سپری می‌کرد، دستمزدهای بسیار اندکی در قبال کار طاقت‌فرسا دریافت می‌کرد؛ در حالی که اوقات کاری در حوزه حمل‌ونقل سیزده ساعت در روز بود، در کارخانه ریسندگی و بافندگی این میزان به هفده ساعت می‌رسید و قیمت‌ها به صورتی باور نکردنی رو به افزایش بود. کارگران در روزنامه‌ها از شرایط سخت خویش گله می‌کردند و از اوضاع خود برای



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹
۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

مردم می نوشتند. در همین اوضاع بود که کارگران به ایجاد و تأسیس اتحادیه ها و جمعیت هایی برای خویش روی آوردند سرعت. ایجاد این مؤسسات نسبتاً زیاد بود: در سال ۱۸۹۹م. جمعیت کارگران پل سازی، در سال ۱۹۰۱م. جمعیت اتحاد کارگران خیاط، در ۱۹۰۱م. جمعیت کارگران چاپخانه، در سال ۱۹۰۲م. جمعیت کارگران ادوات معدنی و اتحادیه کارگران صنایع دستی، اتحادیه کارگران تلگراف و تراموا و راه آهن. این اتحادیه ها و جمعیت های کارگری، زمینه اتحاد و همبستگی این گروه را فراهم می آورد. همچنین صدای ایشان را به گوش دیگرانی می رساند که می توانستند در این زمینه کاری انجام دهند. در این دوران، کارگران به تأثیر تظاهرات و اعتصابات خویش واقف شدند. آنها به اهمیت مطبوعات نیز پی برده بودند و همین مسائل، زمینه ساز آینده های بود که فرصت مناسب را برای ایشان به همراه داشت. این فرصت، با پایان جنگ جهانی اول پیش آمد؛ درست همان زمانی که جنگ جهانی اول به پایان رسید و جهان پرتلاطم، شاهد به قدرت رسیدن کمونیسم در روسیه کبیر شد. مصر نیز با اقدامات جدی در حوزه مبارزات سوسیالیستی وارد عرصه سیاست شد. انقلاب اکتبر روسیه نقشی بزرگ در انقلاب های کشورهای زیر سلطه داشت؛ انقلاب هایی که تقریباً سرتاسر جهان را درنوردید. از شرق دور تا آمریکای جنوبی، کشوری نبود که با اثرات این انقلاب روبه رو نشود.

واقعیت این است که سوسیالیسم در هیچ جای دنیا، فلسفه و صاحبان اندیشه را دچار تحول بنیادین نکرد، بلکه این عرصه سیاست بود که عرصه فعالیت و مبارزات معتقدین به این مکتب قرار گرفت

در سال ۱۹۲۲م. احمد رفعت برای نخستین بار کتاب رسمی مارکسیست های روسی را که لنین تألیف کرده بود، ترجمه کرد. این کتاب «دولت و انقلاب» نام داشت. احمد رفعت در مقدمه کتاب از تحولات ناشی از جنگ جهانی اول می گوید. او با امیدی باور نکردنی از به پایان رسیدن کار دول استبدادی و استعماری و پایان ستم و به بند کشیدن ملت ها به دست این دولت ها، حکایت می کند. او از رؤسای بزرگی سخن می گوید که به واسطه تدبیر و حزم ایشان، بیداری ملت ها پدید می آید و به کمال رسیدن کار ایشان فوایدی دارد که به تمام ملت ها خواهد رسید. این گفتار احمد رفعت نشان از جایگاه انقلاب اکتبر روسیه در اذهان جهانی دارد. امیدی که در دل ملت ها برای ایجاد تحول اجتماعی ایجاد شد. نگاهی که انقلاب بر ضد استبداد را ممکن می ساخت، با سقوط حکومت تزارها امکانپذیر و آسان به نظر می رسید.

علاوه بر اثرات غیر قابل انکار جنگ جهانی اول، توسعه صنعت در مصر و انقلاب اکتبر روسیه، نباید از تأثیر انقلاب ۱۹۱۹م. غافل ماند. همانگونه که پیش از این اشاره شد، کارگران مصری با تأثیر اعتصابات کارگری آشنا شدند و اهمیت کار خود را درک کردند. آنها این تلاش ها و آزموده های خویش را در انقلاب ۱۹۱۹م. به کار بردند؛ مثلاً در ۱۳ مارس ۱۹۱۹م. کارگران تراموا و مترو، یک اعتصاب وسیع و گسترده به راه انداختند. این اعتصاب، راه های مواصلاتی کشور را دچار اختلال کرد. آنها در این اعتصابات تقاضاها و مطالبات اقتصادی را نیز مطرح ساختند. این اعتصابات و خرابکاری ها تأثیر زیادی در پیروزی انقلاب ایجاد کرد. این رخدادهای، اهمیت طبقه کارگر در تلاش برای استقلال و دموکراسی را به متفکران انقلابی نشان داد.

در اواخر زمستان ۱۹۱۸-۱۹۱۹م. فکر ایجاد حزب سوسیالیست مصر، در میان بعضی از روشنفکران پدید آمد. در ابتدای امر افرادی مانند عبدالله اینانی، حسنی العرابی و سلامه موسی این حزب را بنیان گذاشتند. این افراد به خارجی هایی مانند ژوزف روزنتال و آنتوان مارون پیوستند که در آینده حزب نقش کلیدی ایفا کردند. این نخستین گام برای ورود سلامه موسی در عرصه سیاست بود. به نظر می آید مغز متفکر این کار، سلامه موسی بوده است. البته به گفته رفعت سعید، سلامه موسی در گام نخست تصمیم گرفت که جمعیت سوسیالیسم را تأسیس کند و هدف از ایجاد این جمعیت را مطالعه در زمینه سوسیالیسم قرار دهد. او به آگاهی بخشیدن، بیش از فعالیت سیاسی اهمیت می داد، ولی روزنتال او را قانع کرد که حزب تأسیس کنند تا تمام سوسیالیست ها به ایشان پیوندند، اما ترکیبی ناهمگن از چپ گر ها با گرایش های مختلف، این حزب را تشکیل دادند و این ناهمگنی نقطه ضعف حزب بود.

سلامه موسی با درک درست از اوضاع اقتصادی و سیاسی کشور خود، دست به گزینی زد و سوسیالیسم فابین را متناسب با روح جامعه خویش یافت

هنگام تأسیس حزب سوسیالیست مصری، تعداد کارگران در سراسر مصر هنوز به حدی نبود که بتوان در فعالیت های سیاسی، امکان حضور مؤثر و گسترده آنان را متصور شد. به نظر می آید هدف اصلی در گام نخست ایجاد این حزب، اتحاد زبانی برای اتحادیه هایی بود که در مصر مشغول به فعالیت بودند تا امکان درخواست اصلاحات در وضعیت کارگران، در مجلس فراهم آید. این حزب، اتحادیه های مخصوصی برای فارغالتحصیلان مدارس صنعتی ایجاد کرد؛ همچنین مدارس شبانه و روزانه برای آموزش فرزندان کارگران تأسیس کرد. این مدارس رایگان بودند. حزب، اعتصابات زیادی برای ایجاد تغییر در وضعیت کارگران، در سال ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲م. ترتیب داد و شروع به گسترش اتحادیه ها و تلاش برای کنترل کامل آنها کرد. در سال ۱۹۲۲م. اتحاد اتحادیه های مصری را تشکیل داد و به اتحاد جهانی اتحادیه ها «propi Intern» پیوست. حزب سوسیالیستی مصر توانست در ۱۹۲۱م. به سومین کنگره بین المللی (انترناسیونال سوم) نماینده بفرستد و امکان پذیرش حزب توسط کمیته را فراهم آورد. بخش میانه روتر آن به رهبری سلامه موسی، محمد عبدالله عنان و عبدالعزیز فهمی، با همسو شدن با وفد و میانه رو نشان دادن خود، موقعیت ویژه ای یافتند. این حزب که در قاهره فعالیت می کرد، در روز ۲۹ اگوست ۱۹۲۱م. برنامه خویش را به اطلاع عموم رساند که این برنامه، موارد زیر را شامل می شد:

برنامه سیاسی:

۱. آزادی مصر از یوغ استعمار و بیرون راندن استعمار از وادی نیل؛
۲. تأیید آزادی مردم در به دست گرفتن سرنوشت خودشان و ایجاد رابطه برادری با دیگر ملت ها بر اساس قاعده مساوات و سود دوجانبه؛
۳. جنگ با استعمار؛
۴. مقاومت در مقابل دیکتاتوری و نظامی-گری؛
۵. لغو معاهدات سری.

برنامه های اقتصادی:

۱. رفع تضاد طبقاتی و بهره کشی از یک گروه توسط گروهی دیگر، ریشه کن کردن استبداد و پایه ریزی نظام اقتصاد بر اساس اصول سوسیالیسم، برابری در توزیع ثروت طبیعی و سود حاصل از آن برای همه مردم؛
۲. توزیع عادلانه و بر اساس قانون تولید و کفایت فردی، در میان کارگران؛



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

زغلول به خط خویش برای کارگران تراموا نامه نوشت و ایشان را اندرز داد. ولی پاسخ مثبتی از ایشان نشنید و در نتیجه، برخورد جدی با حزب از سوی سعد آغاز شد. او نیز در ۳ مارس ۱۹۲۴ م. رهبران حزب را دستگیر و حزب را ملغی کرد و در ۱۵ مارس، اتحادیه عامه برای کارگران را تأسیس کرد. پس از آن، او تلاش کرد اتحادیه‌ها را تحت کنترل وفد در آورد و به این ترتیب از درون به جنگ با چپ‌گرایی پرداخت و جلو اتحاد گروه‌هایی که امکان خطر داشتند گرفته شد.

سلامه موسی، منشی را در کنش سیاسی خود در پیش گرفت که در ایستارهای خویش نیز به طور کامل به آنها پایبند بود و فقط یک مقایسه ساده میان ایستارهای فکری و کنش سیاسی او این واقعیت را نمودار می‌سازد.

نتیجه‌گیری

زمینه ظهور سوسیالیسم مصری، بر روی نظام اندیشگانی سلامه موسی تأثیر انکارناپذیری داشت. مصر کشور کشاورزی بود که پس از جنگ جهانی اول، کمی از نظر صنعتی توسعه یافت و طبقه کارگر را در جامعه خود لمس کرد. جامعه مصری در وضعیتی به سر می‌برد که ظهور سوسیالیسم علمی در آن، به هیچ وجه معقول نمی‌نمود. سلامه موسی با درک درست از اوضاع اقتصادی و سیاسی کشور خود، دست به گزینش زد و سوسیالیسم فابین را متناسب با روح جامعه خویش یافت و به همین دلیل اصل تلاش خود را بر انتشار این اندیشه در مصر گذاشت. این شاخصه، هم در ایستار فکری و هم در کنش سیاسی او آشکار است. این نظام فکری، بر آموزش به عنوان محوری‌ترین ابزار مبارزه تأکید داشت. حکومت دموکرات و دموکراسی را به عنوان گذار برای رسیدن به حکومت سوسیالیست می‌پذیرفت. چالش جدی با دین و مذهب نداشت. او بر طبقه روشنفکر به عنوان طبقه‌ای تأثیرگذار، تأکید بیشتری می‌کرد تا طبقه کارگر؛ و نکته آخر اینکه او انقلاب را برای ایجاد تحول نمی‌پذیرفت. این در حالی بود که کشور مصر در عرصه سیاست، به شدت در گیر نهضت ناسیونالیسم بود. بیشتر مردم به این نهضت پیوسته بودند و این امر، جایی برای انقلاب کارگری نمی‌گذاشت و حتی چنین حرکتی می‌توانست مانع دستیابی مصر به استقلال باشد؛ استقلالی که برایش مجاهدت‌های فراوانی کرده بودند و جامعه به هیچ وجه این امر را بر نمی‌تافت.



۳. از میان برداشتن مشکلات حاصل از نظام سرمایه‌داری.

برنامه‌های اجتماعی:

- آموزش همگانی و رایگان برای تمام مملکت، اعم از زن و مرد و نشر تعلیم دموکراسی صحیح در میان همه طبقات ملت؛
 - اقدام به بهبود وضعیت زندگی کارگران؛
 - تلاش برای ایجاد آزادی زن شرقی و تربیت و آموزش صحیح او.
- در این زمان، برخی نشریات تلاش داشتند از عقاید سوسیالیستی دفاع کنند و در نتیجه، به نوعی مدافع حزب نیز محسوب می‌شدند. همچنین نشریاتی مانند روح العصر که خود مدافع سوسیالیسم بودند و در این مورد مطالب علمی و حائز اهمیتی به چاپ می‌رساندند، به دفاع از حزب پرداختند و به نوعی ارگان این حزب شدند، اما حمله به حزب نیز کم نبود. روزنامه‌ای مانند الاهرام، مقالات توفندهای به مخالفت با حزب به چاپ می‌رساند. اللواء در مقالات خود تلاش داشت به مردم القا کند که اولویت با نهضت ملی است و حتی وجود حزب سوسیالیستی یا کمونیستی را انکار می‌کرد

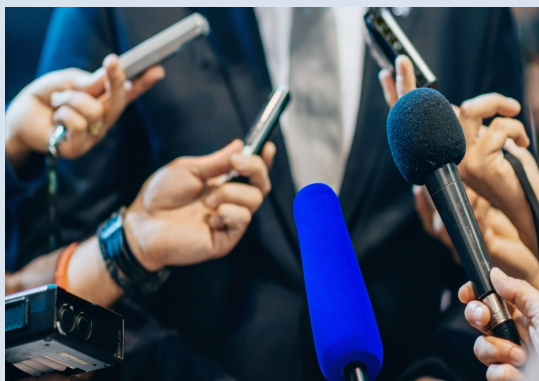
حزب در نظر داشت تا با ورود به مجالس محلی و ملی، امکان فعالیت سیاسی را برای سوسیالیست‌ها فراهم آورد، به ایجاد اتحادیه‌هایی برای کارگران و کشاورزان بپردازد و از طریق نشریات به نشر عقاید خود مبادرت ورزد. حزب سوسیالیستی مصر، به تدریج کار خود را گسترده‌تر کرد. اول در قاهره و سپس در شهرهای دیگر مصر، اقدام به تأسیس دفاتر خود کرد؛ به گونه‌ای که در ۱۹۲۳ م. اعلام کرد که فقط در شعبه اسکندریه بالغ بر چهارصد نفر عضو دارد و تعداد سوسیالیست‌های مصر را ۱۵۰۰ نفر اعلام کرد. در ۱۹۲۴ م. الاهرام اعلام کرد تعداد اعضای که به اتحادیه‌های کارگری پیوسته‌اند، بین پانزده تا بیست هزار نفر است. حزب، تلاش زیادی داشت تا فارغ‌التحصیلان مدارس صنعتی را به خود جلب کند؛ حتی برای رسیدن به این هدف برنامه مدونی ترتیب داده بود، اما همین تلاش برای جذب افراد تحصیل کرده و کارگرانی که هنوز از نظر فکری با اندیشه‌های سوسیالیستی فاصله فراوان داشتند، باعث ایجاد مشکل شد و خیلی زود شکاف‌های موجود در حزب خود را نشان داد. این اختلافات، حزب را روز به روز ضعیف‌تر می‌کرد و سرانجام در ۱۹۲۲ م. دچار انقسام شد. سلامه موسی درباره این انقسام چنین می‌گوید: «ما از قبل می‌دانستیم که روزنتال از سوسیالیست‌های افراطی پیروی می‌کند، اما تلاشی از سوی افراد محلی برای ادغام شدن با خارجی‌ها صورت نمی‌گرفت و از سویی مصری‌ها تمایل به اعتدال داشتند.»

به نظر می‌آید تمایل روزنتال و یارانش برای کمونیستی اعلام کردن حزب، موجب این جدایی و انفصال بود. سلامه موسی و یارانش این واقعیت را درک کرده بودند که رواج کمونیسم در عرصه سیاست و اندیشه در کشوری مانند مصر، معقول نیست. اینگونه بود که این دو گروه از هم جدا شدند. رخدادهای بعدی نشان داد این جدایی که به خواست سلامه موسی انجام شد، کاری درست و مدیرانه بوده است.

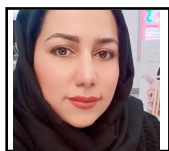
در شرایط انقلابی آن سال‌ها، سعد زغلول تلاش می‌کرد جلوی هر مانعی که بر سر مذاکرات با انگلیس وجود دارد، بایستد. او از همان دوران انقلاب تمام تلاش خود را برای از میان برداشتن حزب کمونیست به کار گرفته بود. در زمانی که وفد و تمام مردم مصر به دنبال کسب استقلال بودند، هر گونه فعالیت حزبی که بیرون از این جریان قرار می‌گرفت، به منزله ایستادن در مقابل انقلاب بود. در زمان نخست‌وزیری سعد نیز تحولاتی مانند اعتصابات و کارشکنی‌ها از سوی حزب ادامه یافت. این عملکرد آنها، حزب را رو در روی سعد و مردم مصر قرار می‌داد. حکومت سعد با مشکلات فراوانی روبه‌رو بود و اعتصابات پی‌درپی، پایه‌های حکومت را به لرزه درمی‌آورد. کار به جایی رسید که



گفتگو



نسبت حاکمیت و نظام حزبی در نگاه تحلیلگران



فائزه صدر

Facehsadr7@gmail.com

مهمترین کارکرد حزب پاسخگو کردن دولت ها و احزاب رقیب در مقابل وعده هایی است که داده شده است. رقابت احزاب سازنده است و به نفع کشور تمام می شود. متأسفانه در ایران حزب اشخاص وعده می دهند، انتخاب می شوند و احزاب کارکرد و جایگاه واقعی ندارند.



علی بیگدلی، استاد دانشگاه، پژوهشگر و تحلیلگر سیاسی

احزاب سیاسی در ایران سابقه زیادی ندارند. نبود شرایط فعالیت حزبی باعث شده احزاب در ایران تقویت نشوند و کارکرد ذاتی یک حزب را نداشته باشند.

همانطور که می بینیم فعالیت احزاب نظم ندارد و ارتباطات بیشتر از اینکه سلسله مراتبی و براساس آموزش و تجربه و اخذ جایگاه براساس صلاحیت باشد، محفلی است. همین احزاب هم فقط در ایام انتخابات به عنوان ستاد های انتخاباتی نامزد ها فعالیت می کنند.

حزب باید یک سازمان دائمی و پایدار داشته باشد که در طول سال در هر زمانی پاسخگو باشد. بخش های آموزشی در احزاب نباید تعطیل شود. رهبری حزب باید بتواند به افکار عمومی شکل بدهد و در قدرت سیاسی نفوذ داشته باشد.

کارکرد واقعی حزب با آموزش و بالا بردن آگاهی جامعه و همچنین سیاست گذاری های حزبی میسر می شود. در حقیقت حزب اگر به شکل رقیب دولت و در قالب دولت در سایه ظاهر نشود کارکرد واقعی خود را که تحقق دموکراسی است نخواهد داشت.

در آخرین شماره نشریه اراده ملت در سال ۱۴۰۱ بر آن شدیم تا نگاهی بیندازیم به نسبت حاکمیت و نظام حزبی از دیدگاه تحلیل گران. لذا پای صحبت چهار نفر از این عزیزان نشستیم. خلاصه ای از دیدگاه های ایشان را در ادامه مطلب خواهید خواند.



هادی حق شناس، استانداری سابق گیلان، تحلیلگر سیاسی

جدا از ارزش هایی که در غرب حاکم است و ممکن است در کشور ما مورد نقد قرار بگیرند، اما باید به کارکرد خوب حزب در غرب اشاره کرد که در روند افزایش بهره وری دولت های غربی نقش بالایی دارد.

انگلیس نمونه بارز کارکرد درست نظام حزبی در دولت است. در دو سال گذشته چند دولتمرد این کشور به دلیل اینکه در انجام وظایف خود ناتوان تشخیص داده شدند، قدرت را به نفر بعدی دادند؟! یقیناً بدون استقرار نظام حزبی جابجایی قدرت در بین دولتمردان انگلیسی به این آسانی انجام نمی گرفت.

چندی پیش در آمریکا دیدیم که با وجود اینکه آقای ترامپ نتیجه انتخابات ریاست جمهوری را قبول نداشت، ولی حزب او نتیجه را پذیرفت. در آمریکا عملکرد هر رئیس جمهوری بر حزب اش سایه می اندازد از این رو احزاب به دلیل لزوم پاسخگویی در برابر رفتار و عملکرد نماینده خود سعی می کنند بهترین فرد را معرفی کنند و از او پشتیبانی می کنند تا موفق شود.

امروز در دنیا احزاب هستند که نظام سیاسی را کارآمد می کنند.

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹
۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



فریدون مجلسی، نویسنده، تحلیلگر و دیپلمات پیشین

آری ۹۸،۲٪ رای دهندگان به جمهوری اسلامی یکی از افتخاراتی است که نظام سیاسی ایران بعد از بیش از چهار دهه همچنان به آن می بالد. وقتی اکثریت رای دهندگان کشور چهار دهه پیش جمهوری اسلامی را پذیرفته اند، می توان با قاطعیت گفت که نظام جمهوری نظامی است که مورد تایید جامعه ایران است، حتی اگر تاکید کنیم که به جمهوریت در چهار چوب یک نظام اسلامی رای داده اند باز هم تمایل مردم به نظام سیاسی که در اداره آن نقش داشته باشند برجسته است.

در تمام نظام های سیاسی دموکراتیک دنیا، تحزب جزء جدا نشدنی از جمهوریت است. یعنی اداره حکومت با رای مردم است و نقش نهادهای مدنی در اداره کشور در نظام جمهوری پر رنگ است. در چنین نظامی حزب یک دانشگاه سیاسی است که دولتمردان آینده آنجا تربیت می شوند همچنین حزب سواد سیاسی جامعه را ارتقا می دهد تا مطالبات مشروع و متناسب باشد.

در کشور های که نظام جمهوری را انتخاب کرده اند، احزاب کلوپ های فعال مردمی هستند که نقد حاکمان و سیاست های حکومتی را عهده دار شده اند. حاکمان هم می توانند از طریق احزاب خواسته های جامعه را دریافت کنند و بخشی از وظایف خود را به احزاب بسپارند.

در حقیقت یک رابطه دو طرفه بین حزب و حکومت برقرار است که در

نهایت کیفیت حکمرانی را ارتقا می دهد. آیا در جمهوری اسلامی هم احزاب با این کیفیت فعالیت می کنند؟ متأسفانه در ایران فضا برای فعالیت احزاب فراهم نشده است. نه احزاب امکان کادر سازی دارند نه قدرت سیاسی مجالی برای حضور در عرصه سیاست به احزاب می دهد. حزب با مطالبه گری اجین شده، ولی این کارکرد ذاتی برای احزاب ما گران تمام می شود.



سید جلال ساداتیان، دیپلمات پیشین، تحلیلگر سیاسی

استقرار نظام سیاسی مردم سالار بدون وجود احزاب کارآمد در کشور، یک ادعا است. نمی شود گفت مردم در اداره کشور سهم دارند ولی احزاب را که مرکز فعالیت های سیاسی جامعه است محدود کرد.

در دنیا کارکرد احزاب به انتخابات محدود نمی شود. تنها یکی از کارکرد های احزاب معرفی نامزد در انتخابات است، کل موجودیت یک حزب برای شرکت در یک دوره انتخاباتی ایجاد نمی شود.

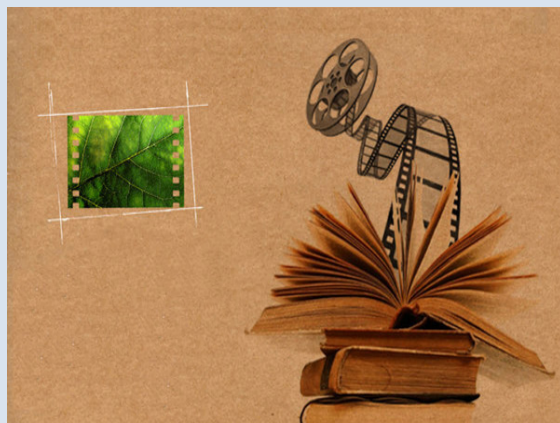
در کشور های دنیا که نظام دموکراتیک دارند، احزاب همیشه فعال هستند و انتخابات بولتن فعالیت یک دوره مشخص یک حزب است.

نظام حزبی جانشینی در برابر استبداد سیاسی است. چون حزب به شکل واسطه ای بین جامعه و قدرت سیاسی، مشارکت سیاسی مردم در اداره کشور را ممکن می کند.





معرفی و پیشنهاد



تلاش برای آخرین فرصت رستگاری



راضیه گمار

r.gomar901@gmail.com

نام اثر: نهنگ (The Whale)
کارگردان: دارن آرنوفسکی
ژانر: درام، روان شناختی
محصول: آمریکا
سال انتشار: ۲۰۲۲
زبان: انگلیسی
زمان: ۱۱۷ دقیقه



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹
۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



نهنگ فیلمی آمریکایی محصول ۲۰۲۲، در ژانر درام، روان شناختی به کارگردانی دارن آرنوفسکی، با اجرای قدرتمندی از برندن فریزر که در نوع خود داستانی بی نظیر است.

چارلی یک معلم انگلیسی ساکن ایالت آیداهو است. او با ۲۷۲ کیلو وزن که دامنه حرکتی اش را محدود کرده است اشتیاق خود به ادبیات را درحالی که که روی کاناپه خود نشسته است به شکل کاملاً مجازی به اشتراک می گذارد. چارلی علاوه بر چاقی ناخوشایندش آن قدر افسرده است که به سمت خودکشی پیش می رود، و تمام تلاش خود را می کند تا سر حد مرگ بخورد. تنها دلیلی که چارلی را از رسیدن هر چه سریع تر به این هدف باز می دارد، تمایش به برقراری رابطه مجدد با دختر نوجوانش الی است که سال ها قبل رابطه اش با او مخدوش شده است. در واقع این آخرین فرصت چارلی گوشه گیر برای رستگاری است.

این فیلم بر اساس نمایشنامه ای در سال ۲۰۱۲ نوشته ساموئل دی. هانت ساخته شده است.

به بیان دیگر گاهی در زندگی اتفاقاتی می افتد که سبب می شود میل به زیستن در درون آدمی متوقف شود که این خود یک به گل نشستن تمام عیار باشد. یک اعتراف صادقانه به اینکه آدمی در زندگی هر آنچه که ممکن بوده، دیده و تجربه کرده و امید به بهبود در او غروب کرده است. نرسیدن به اهداف در زندگی، یاس و بن بست عاطفی ناتوانی در تغییر و هزار دلیل دیگر ممکن است آدمی را در زندگی به ورطه نابودی بکشاند؛ و این توقف ممکن است با خودکشی آنی همراه نباشد بلکه یک انفعال عمدی برای فرو رفتن تدریجی داخل مرگ و نیستی را فراهم می کند. در واقع این فیلم داستانی حزن انگیز از اندوه، پشیمانی و رستگاری است.

در پایان مخاطب با این سؤال روبه رو می شود که آیا این انفعال و رخوت زیستی در مانیز متبلور است؟

در جهان امروز چه چیزهایی دموکراسی را تهدید می کند؟



علیر ضامالمیر

Malmira287@gmail.com

نام کتاب: پایان دموکراسی

ناشر: نشر نو

نویسنده: دیوید رانسیمین

مترجم: حسین پیران

۲۶۰ صفحه

دیوید رانسیمین استاد علوم سیاسی، تاریخ و رئیس گروه مطالعات سیاسی و بین الملل دانشگاه کمبریج است. رانسیمین همچنین مجری پادکست حرف زدن درباره سیاست‌ها است که به مصاحبه با صاحب نظران سیاسی پیرامون اتفاقات جاری دنیای سیاست می پردازد. چگونه دموکراسی پایان می یابد آخرین کتابی است که از رانسیمین منتشر شده است. کتاب حاضر به بررسی سیاست جهانی و آینده نگری ایالات متحده آمریکایی و بحث مردم سالاری می پردازد. کودتا را شروعی برای تغییرات معرفی می کند. تغییراتی که منجر به فاجعه شده و پس از آن چیرگی فناوری بر اجتماع می گوید. در نهایت، به این شکل مردم سالاری به پایان می پذیرد

هرگاه که دموکراسی دیگری در سرآشویی سقوط می افتد، می خواهیم بدانیم آیا هشدار است به سر نوشت احتمالی دموکراسی ما؟ هر وقت که جان مردم از یک سیاست مدار به لب می رسد، راهی هست تا سیاست مداری دیگر را به جای او انتخاب کنند. هبران مخوف یا چنان که در چین می گفتند "امپراتور آن بد" ممکن است بی سروصدا سر به نیست شوند. احزاب سیاسی در حال احتضار، سرانجام به گورستان تاریخ سپرده می شوند. اگر دموکراسی واقعا مغفول بماند یا تضعیف شود، بعید نیست که یک امپراتور بد آهسته در نهادهای آن بخزد و جا خوش کند، طوری که دیگر نتوان از دستش خلاص شد

کتاب پایان دموکراسی با توصیفی از کودتا به روش قدیم و انواع جدید آن شروع می شود. کودتا آشکارترین دشمن دموکراسی است که با هدف صریح و روشن نابودی دموکراسی به وقوع می پیوندد. فصل دوم به موضوع تاثیر فجایع انسانی و محیطی بر دموکراسی می پردازد. اگر جوامع دموکراتیک قادر نباشند در برابر تهدیدات مهلک مانند جنگ اتمی و تغییرات محیط زیست و روایات های قاتل، بر نامریزی درستی داشته باشند، اداره جامعه انسانی به دست نیروهای تمامیت خواه و مستبد خواهد افتاد. فصل سوم پایان دموکراسی به خطر اسیر شدن انسان در دست فناوری های بسیار پیشرفته اشاره دارد. هنوز تا احتمال حکومت روایات ها فاصله ای زیاد داریم و شاید هیچ گاه چنین نشود، ولی در سطوح پایین تر، فناوری ها روز به روز تصمیماتی را از طرف مامی گیرند که اگر به هر دلیل در این امر مسامحه کنیم ممکن است وضعیت از کنترل خارج شود. فصل چهارم به جایگزین های دموکراسی اختصاص دارد. در پایان نیز به احتمال و نحوه پایان دموکراسی و راه حل احتمالی اشاره می شود.

قسمتی از متن:

سایه مرگ همه جا بود. کشاورزان از شیوع بیماری در خانواده شان صحبت می کردند. در شهر پزشکان بیش از پیش از شیوع انواع بیماری های جدید احساس سردرگمی می کردند. مرگ های ناگهانی فراوان اتفاق می افتاد بدون اینکه علتی برای آن بیابند. بزرگ و کوچک به یک اندازه در معرض مرگ بودند. کودکان هنگام بازی ناگهان دچار بیماری شده و در عرض چند ساعت می مردند. سکوتی خوفناک در فضا شکل گرفته بود. حتی پرندگان ناپدید شده بودند و علت آن معلوم نبود. بوته های کنار جاده ها زرد و پلاسیده بود. اینجا نیز سکوت بود و جنبندهای دیده نمی شد. حتی رودخانه ها از حرکت باز مانده و مرده بودند. ماهیگیر کنار رودخانه دیده نمی شد زیرا ماهی ها همه مرده بودند. در جوی ها و شیار شیروانی و در میان سفال های سقف خانه ها، گره هایی از پودر سفید رنگ دیده می شد. چند هفته پیش این پودر، مانند برف باریدن گرفته و سقف و حیاط خانه ها و کشتزارها و رودخانه ها را پوشانده بود. باران مرگ کار جادوگران و دشمنان بشر نبود. بشر به دست خود قصد جان خود را کرده بود.

پایان دموکراسی



دیوید رانسیمین

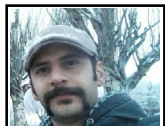
حسین پیران

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

نظریه پرداز انحطاط، روی در خاک کشید



حامد نامجو

Hamed.namjoo@gmail.com

و بر خودبستگی متون و کشف منطق درونی، میان متن‌های مختلف، استوار است. مفهوم کلیدی آثار این دوره «زوال» است که ویژگی اندیشه است. دوره دوم نیز شامل سه رساله «دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط»، «مکتب تبریز» و «حکومت قانون در ایران» در دهه‌ی ۸۰ می‌شود که دارای رویکردی زمینه‌گرا است؛ یعنی فهم متون در بستر تاریخی بر مبنای زمینه‌های ایدئولوژیک و تاریخی درونی هر دوره است. همچنین مفهوم کلیدی آثار این دوره «انحطاط» است که ویژگی تمدن است.

دکتر طباطبایی در کتاب تأملی درباره ایران نوشته است: ایران زمین، سرزمین همه «ایرانیان» است. «ایرانیان» نام عام همه «ما»، یعنی مردمانی است که به طور تاریخی، از کهن‌ترین روزگاران در آن سکونت گزیده و تقدیر تاریخی آن سرزمین و تقدیر تاریخی خود را رقم زده‌اند. این «ما» هیچ قیدی و تخصیصی ندارد و هیچ قیدی و تخصیصی نباید به هیچ نامی و به هیچ بهانه‌ای بر آن وارد شود. این «ما» بر همه مردم ایران شمول عام دارد و هیچ ایرانی را نمی‌توان به هیچ نامی و هیچ بهانه‌ای از شمول عام آن خارج کرد. این «ما» فرآورده وحدت کلمه سیاسی نیست، به طور تاریخی نیز چنین نبوده است، بلکه، مانند خود ایران زمین، به طور خودجوش، وحدتی در کثرت است. این «ما» کثرت همه ایرانیانی است که از هزاره‌های پیشین، در زمان‌هایی و از مکان‌های گوناگون، مهاجرت کرده و این سرزمین بزرگ را برای سکونت خود برگزیده‌اند، سهمی در نیک و بد آن دارند و تاریخ، تمدن و فرهنگ آن را آفریده‌اند.

سیدجواد طباطبایی، یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان علم سیاست به ویژه در زمینه اندیشه سیاسی، که توانست با تالیف آثار مهم و برجسته، به نظریه پردازی در اندیشه سیاسی ایران و تاریخ نگاری در اندیشه سیاسی غرب بپردازد، ۱۰ اسفند در بیمارستان هوگ ارواین در کالیفرنیا دارفانی را وداع گفت. طباطبایی اصالتاً اهل تبریز بود و در خانواده‌ای آذری به دنیا آمد. جواد طباطبایی در همان دوران کودکی زبان فرانسه را نزد کشیشی فرانسوی زبان، فراگرفت. او همزمان با تحصیلات آموزشی رسمی، برای فراگیری فلسفه، به حوزه علمیه تبریز نیز می‌رفت.

وی پس از اخذ دیپلم برای تحصیل در رشته حقوق به دانشگاه تهران رفت. پس از آن، برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و نهایتاً در رشته فلسفه سیاسی از دانشگاه سوربن فارغ‌التحصیل شد.

او در سال‌های حضور در فرانسه، به حلقه‌لویی آلتوسر، فیلسوف مارکسیست و فرانسوا شاتله فیلسوف هگلی مارکسی وارد شد. او همزمان با مشارکت فعال در حلقه‌های فلسفی فکری، چند یادداشت و مقاله را از اندیشمندان صاحب نامی همچون لنین، آلتوسر و جان لوئیس ترجمه کرد. در سال ۱۳۶۳ به ایران بازگشت و پس از بازگشت به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران درآمد و معاون پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شد.

بعدها اگر چه خودش نمی‌دانست تحت چه عنوانی، اخراج شد. پس از اخراج از دانشگاه تهران، طباطبایی به کار پژوهشی خود در مراکز دیگر ادامه داد و با امکاناتی که در مراکز پژوهشی فرانسه، آلمان، و آمریکا فراهم آمد، پژوهشی درباره تاریخ اندیشه در ایران را دنبال کرد.

وی در سال ۱۳۷۶ موفق شد نشان نخل آکادمیک، عالی‌ترین نشان علمی فرانسه، و مدال نقره تحقیقات در علم سیاست را از دانشگاه کمبریج کسب کند. او مدتی نیز عضو هیئت علمی دائرةالمعارف بزرگ اسلامی بود. جواد طباطبایی موفق به کسب مقام برگزیده در جشنواره فارابی سال ۱۳۹۶ گشته و از سوی رئیس‌جمهور لوح تقدیر دریافت کرد.

سید جواد طباطبایی از همان دوران آغاز به تحصیلات آکادمیک تا واپسین روزهای حیات‌اش، مشغول نگارش، تحلیل و اندیشه‌ورزی بود. آثار طباطبایی را می‌توان به ۲ دوره تقسیم کرد؛ دوره‌ی نخست شامل آثار دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ او می‌شود- یعنی سه کتاب «تاریخ اندیشه سیاسی در ایران»، «زوال اندیشه سیاسی در ایران» و «خواجه نظام الملک»- آثار این دوره بیشتر دارای رویکردی متن‌گرا بوده



هفته‌نامه غیربرخط اراده ملت

شماره ۵۹
۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



نفت ملی شد

29 اسفند ماه به احتمال قوی، ملی شدن صنعت نفت را در ذهن شما تداعی می‌کند. این رویدادی شک از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر کشورمان است. بحران مالی و معیشتی مردم در سال‌های ابتدایی تصویب این قانون و کودتای 28 مرداد را می‌توان به عنوان نتایج اولیه و در آمد های نفتی سال‌های بعد تا به امروز را نتایج ثانویه آن قلمداد کرد. ملی شدن نفت همانند هر رویداد دیگری تحت تاثیر عوامل، عناصر و جریان‌های مختلف شکل گرفت. از جمله؛

جبهه ملی که گروهی متشکل از طبقه متوسط سنتی و طبقه متوسط جدید بود که برای دکتر مصدق احترام خاصی قائل بودند. این گروه در جهت ملی شدن صنعت نفت و حمایت از دکتر مصدق تلاش فراوانی کردند. حزب توده که در آن زمان در بین کارگران طرفداران زیادی داشت. این گروه سود خود را در کوتاه شدن دست انگلیس از نفت ایران می‌دید، پس در جهت حمایت از مصدق برای ملی شدن نفت تلاش‌هایی کرد.

فدائیان اسلام و نیروهای مذهبی، این گروه با ترور سپهبد رزم آرا که نخست وزیر وقت ایران بود، زمینه ملی شدن نفت را فراهم آوردند و از دیگر نتایج اقدام آن‌ها، انتخاب حسین علاء به عنوان نخست وزیر بود که او اجازه بازگشت آیت الله کاشانی از تبعید را صادر کرد.

البته نباید از اوضاع اجتماعی مردم ایران در آن زمان چشم‌پوشی کرد، چرا که مردم تحت تاثیر وقایع جنگ جهانی دوم و جنایات انگلیس در ایران،

نسبت به آن‌ها بدبین بودند و از این رو تمایل به همکاری با این کشور را نداشتند و حتی به افرادی که با آن‌ها سازش می‌کردند روی خوش نشان نمی‌دادند. شاید بتوان گفت که مصدق بر همین موج سوار شد و توانست با تکیه بر همین نگاه، حمایت بخش زیادی از مردم را به خود جلب کند و در نتیجه توانست اختیارات زیادی را کسب کند و به عنوان نخست وزیر ایران در مقابل دولت انگلیس بیاستد و به چیزی کمتر از ملی شدن صنعت نفت رضایت ندهد. اما دولت انگلیس نمی‌خواست به درآمد فراوانی که از نفت ایران کسب می‌کرد چشم‌پوشی کند. از طرف دیگر آمریکا که در ایران نفوذ کسب کرده بود به هیچ عنوان نمی‌خواست دولت ایران به سمت شوروی تمایل پیدا کند و با انقلابی کمونیستی در ایران رخ بدهد. پس واسطه بین مصدق و دولت انگلیس شد و تلاش کرد اختلاف را به شکل متعادل حل کند، اما از آن جا که مصدق به پیشنهادات انگلیس تن نمی‌داد و انگلیس از خواسته خود کوتاه نمی‌آمد، این میانجی‌گری به نتیجه نرسید. مصدق امیدوار بود بتواند حمایت امریکار از طریق تهدید به سقوط دولت و انقلاب کمونیستی در ایران جلب کند، اما سرانجام امریکا منافع خود را در حمایت از انگلیس بیشتر دید و به مشارکت در کودتا منجر شد. مصدق انتخاب کرد که مطابق با نظر مردم ایران که ملی شدن نفت بود حرکت کند، شاید اگر به ادامه حمایت مردم و امریکا امیدوار نبود به پیشنهادات انگلیس پاسخ مثبت می‌داد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



آوازهای عامیانه



محمد هادی خوشکلام

mohammadhadikhohkalam95@gmail.com

و برای ساخت آواز به عنوان ایده موسیقایی از آنها استفاده نمود، البته این وظیفه مربی است که به هنرجو کمک کند تا نسبت به فواصل، حساسیت و شناخت پیدا کند. آوازهای ساده می‌تواند کمک قابل ملاحظه‌ای در رده‌های اولیه آموزش ساز باشند، اینجاست که گوش موسیقایی می‌بایست همیشه جایگاه خود را حفظ کند، به عنوان مثال برای هنرجوی مبتدی که پیانو می‌نوازد می‌توان در ابتدا از طریق گوش آوازها را با کمک یک انگشت پیدا کرد و سپس قبل از نواختن آوازها با پیانو، در ابتدا آنها را با کلام و سپس با لا لا لا گفتن در تنالیت‌های متفاوت و در نهایت در تنالیت‌ها دو با اسم نت‌ها خواند.

مدتی است که آوازهای محلی (عامیانه) جایگاه خاصی در روش‌های آموزش به مبتدیان یافته است که این آوازها جایگزین تمرینات لحن - خوانی و تکنیک‌های آوازی شده‌اند که غالباً متدگونه، اما عاری از حس موسیقی هستند. آوازهای عامیانه را همچنان می‌توان قبل از آموزش سنتی هارمونی برای دو، سه و چهار صدا به طور ساده هارمونیزه کرد. از ابتدای قرن نوزدهم آوازهای عامیانه به جایگاه تاریخی مهمی دست یافتند به عنوان مثال، موسیقی، دانان کشورهای اسکاندیناوی از همان هنگام در آثارشان آن چنان اهمیتی به آوازهای کشور نشان دادند که بدون آن که خود بدانند بنیان‌های یک موسیقی ملی را بنا نهادند.

در واقع اولویت آواز و ملودی در موسیقی عملی توسط نواغ بزرگ موسیقی جهان بارها خاطر نشان شده است، برای مثال بتهوون این چنین اظهار کرده است: ملودی قطعی‌ترین زبانی است که موسیقی دان به واسطه آن با تمام قلب خود سخن می‌گویند. در اینجا می‌بایست این موضوع غیر قابل بحث را خاطر نشان ساخت که بعضی از عوامل بنیانی همانقدر که ارزش انسانی دارند می‌بایست جایگاه خود را در آموزش حفظ کنند، ملودی و حس در موسیقی از جمله این عوامل هستند، به این ترتیب، آواز نیز که طبیعی‌ترین اظهار موسیقایی است نه تنها باید نقطه آغازین موسیقی بلکه می‌بایست در تمامی مراحل پیشرفت هنرجو با کلاسهای مهارت‌های پیشرفته یا آهنگسازی با او همراه باشد. انسان از طریق موسیقی می‌بایست به ارزش‌های واقعی زندگی دست یابد.

در این قسمت به بررسی اجمالی اندیشه‌های ادگار ویلمز که از مربیان بنام آموزش موسیقی به کودکان در جهان است خواهیم پرداخت، یادآوری این نکته بسیار مهم خواهد بود که آواز، مهمترین نقش را در آموزش موسیقی به مبتدیان ایفا می‌کند، در واقع آواز بهترین وسیله برای پرورش شنوایی درونی است و شنوایی درونی، عاملی کلیدی برای وجود هر موزیکالیتی ی ناب است، اگر آواز را از نقطه نظر روانشناسی موسیقی مورد بررسی قرار دهیم به دسته بندی‌های متفاوتی از آن دست پیدا می‌کنیم. به عنوان مثال بعضی از آوازها به منظور تسلط بر ریتم و بعضی دیگر برای آماده‌سازی گوش موسیقایی در نظر گرفته می‌شوند.

در این میان نباید کودکانی که به‌دشواری می‌توانند یک صدا را تکرار کنند از یاد برده شوند، به کمک خلاقیت و راهکارهای معلم و توسط آوازهای ساده‌ای که با یک حرکت و یا با یک صدا شروع می‌شوند می‌توان کودک را به طور نامحسوس به طرف موسیقی هدایت کرد، از این منظر چه در میان خردسالان و چه در میان کودکان کم‌تر به موردی برخورد خواهیم خورد که کودکی در نهایت نتواند به همراه دوستانش آواز بخواند، بزرگسالانی که از نظر موسیقی و تکرار اصوات مشکل دارند به این ترتیب قادر به خواندن خواهند شدند، البته در بزرگسالان این مشکلات اغلب در شرایط روانی و رفتارهای اشتباه به وجود آمده است که برطرف کردن این چنین نواقصی همیشه هم کار ساده‌ای نیست.

ضروری است که تمامی کودکان آوازهای عامیانه فرهنگ کشور خود را فریادگیرند؛ اما در انتخاب این آوازها می‌بایست زیبایی و لطافت موسیقایی مقدم بر جنبه‌های آموزشی آن باشد. منظور از آوازهای عامیانه همان ترانه‌های فولکلور یا محلی است که به زبان مادری هنرجویان است. بنابراین مربی باید مجموعه مناسبی از آوازهای عامیانه خصوصاً آوازهایی که ریتم‌ها، فواصل، آکوردها و یا مدهای قابل توجهی دارند، در اختیار داشته باشد. بدین ترتیب می‌توان بعضی از قطعات دلنشین ادبیات موسیقی ادوار مختلف و حتی دوران مدرن را که مورد استفاده هنرجویان پیشرفته قرار می‌گیرد ساده کرده و آنها را برای مبتدیان تنظیم نمود.

از میان آثار مختلف موسیقی می‌توان فواصل جالب و مورد پسند را انتخاب کرد



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹
۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



یاد آر، ز شمع مرده یاد آر!



مرتضی صادقیان

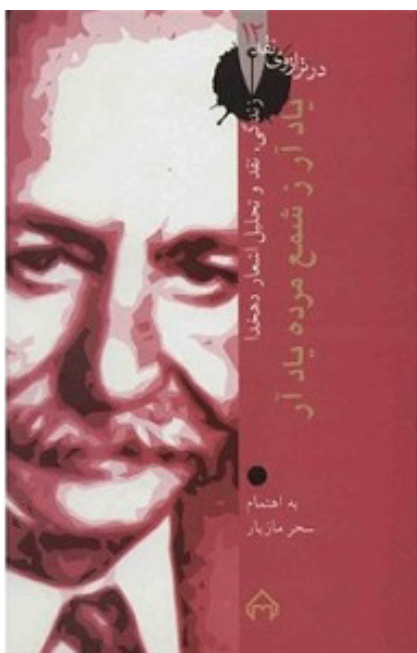
میرزا علی اکبر دهخدا در سال ۱۲۵۷ خورشیدی در تهران چشم به جهان گشود و در هفتم اسفندماه سال ۱۳۳۴ در گذشت. او سیاستمدار، نویسنده، ادیب، فرهنگ‌نویس و شاعری تاثیر گذار بود. او چند دوره نماینده مجلس شورای ملی بود و مدتی نیز ریاست مدرسه علوم سیاسی را بر عهده داشت.

دروس قدیم را از کسانی مانند حاج شیخ هادی مجتهد نجم آبادی و شیخ غلامحسین بروجرودی فرا گرفت. پس از تأسیس مدرسه سیاسی در تهران به همت میرزا حسن مشیرالدوله راهی آنجا شد و زبان فرانسه و دانش‌های نوین مانند حقوق، حقوق بین‌الملل، جنگ و دیپلماسی، حقوق بین‌الملل خصوصی، تاریخ و اقتصاد را آموخت. پس از فارغ‌التحصیلی از مدرسه سیاسی به استخدام وزارت خارجه درآمد و پس از چندی دهخدا همراه با معاون الدوله غفاری راهی اروپا شد. پس از بازگشت به ایران به عنوان نویسنده و سردبیر با همکاری جهانگیر خان و مرحوم قاسم خان، روزنامه به نام صور اسرافیل را منتشر کرد. ستون طنز چرندوپرند با نویسندگی دهخدا از معروف‌ترین بخش‌های این روزنامه بود. دهخدا به طنز نویسی صاحب سبک تبدیل شد.

دهخدا یکی از بنیان‌گذاران طنز در ایران است. سبک نگارش جدید این ستون در عالم روزنامه نگاری و نثر معاصر فارسی مکتب نوینی را پدید آورد. دهخدا با قلم طنز مفاصل اجتماعی و سیاسی آن روزگار را در روزنامه منتشر می‌کرد. سبک ساده نویسی او نیز از نخستین‌ها در ادبیات معاصر فارسی به شمار می‌رود. پس از به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی، میرزا جهانگیر خان به دار آویخته شد، صور اسرافیل توقیف شد و دهخدا نیز دستگیر و نفی بلد شد. او پس از چندی سر از پاریس و سپس سوییس درآورد. و توانست انتشار روزنامه صور اسرافیل را دوباره آغاز کند اما تنها موفق به انتشار سه شماره شد. دهخدا در فاصله برگشت به تهران تا آغاز جنگ جهانی اول به نگارش مقالات سیاسی و انتقادی مشغول بود. اما با آغاز جنگ جهانی و تعطیلی سه ساله مجلس، دهخدا به یکی از روستاهای چهارمحال و بختیاری ایران رفت. این دوره فراغت باعث شد تا دهخدا نخستین مواد لغت نامه خود را پی‌افکند. دهخدا پس از پایان جنگ به تهران بازگشت و تا آخر عمر از سیاست کناره گرفت و وقت خود را به خدمات علمی و فرهنگی اختصاص داد.

از دیگر آثار دهخدا می‌توان به این موارد اشاره کرد: امثال و حکم، ترجمه عظمت و انحطاط رومیان، ترجمه روح القوانين اثر منتسکیو، فرهنگ فرانسه به فارسی، شرح حال ابوریحان بیرونی، حاشیه بر دیوان ناصر خسرو، تصحیحاتی بر دیوان سید حسن غزنوی، تصحیحاتی بر دیوانهای حافظ، منوچهری، فرخی، مسعود سعد، سوزنی، و دیوان اشعار دهخدا. وطن پرستی، دادخواهی، رسواسازی ظالمان و حاکمان نالایق، و مبارزه با ریا از مهم‌ترین مضامین اشعار و طنزپردازیهایی دهخدا هستند. قطعه‌ی «یاد آر» شاید مهم‌ترین سروده‌ی دهخدا باشد که در سوگ میرزا جهانگیر صور اسرافیل سروده شده است. در بخشی از آن می‌خوانیم:

چون گشت ز نوزمانه آباد/ ای کودک دوره‌ی طلائی
وز طاعت بندگان خود شاد/ بگرفت ز سر خدا، خدائی
نه رسم ارم، نه اسم شدد/ گل بست زبان ژاژ خائی
زان کس که ز نوک تیغ جلاد/ مأخوذ به جرم حق ستائی
پیمانه‌ی وصل خورده یاد آر/ یاد آر ز شمع مرده یاد آر!



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



زهره رحیمی

RAHIMI_ZOZO2003@yahoo.com

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

بی هیچ دستمزدی

به بهانه روز جهانی زن، این هفته باشغلی آن چنان دور از نظر کنار شما هستیم که سالیان درازی است میلیون هانفر، بی هیچ دستمزدی اما بسیاری شان از سویدای جان، ۲۴ ساعته، آری تمام روز را بدان مشغول اند.

سوژه این شماره مادر مشاغل دور از نظر «خانه داری» است.

شاید نسل های متأخر و البته شمار کثیری از زنان دهه های پیشین به دلایل مختلفی چون تغییر نگاه اجتماعی حقوقی، شغل بیرون از خانه، دسترسی به امکانات و مراقبت هایی که پیش تر در دسترس همه نبود و مواردی از این دست، از میزان و تعداد کارهایی که در منزل برای اعضای خانواده انجام می دادند، کاسته اند. یادر کنار بسیاری از ایشان، مردان و همسرانی در خانواده ها هستند که نقش همراهمان و منصفانه خود را در قالب کار مشترک با زنان خانه دار در منزل خویش ایفا می کنند و یا تمام آقایانی که با کارهای سخت و پر مشغله بیرون از خانه روزهای خود را سپری می کنند، ضمن توجه و احترام به همه این جزئیات و واقعیاتی که بی تردید قابل انکار نیست و از دید مانیز پنهان نمی مانند، این شماره نگاهی به یک روز از زندگی یک زن خانه دار می اندازیم.

«به خاطر تب فرزند کوچولو، فریبا خانم تا نزدیکی صبح تقریباً نخوابیده، دخترش هم از او خواسته که صبح یک ساعتی زودتر او را بیدار کند تا آخرین صفحات کتاب تاریخ را برای امتحان امروزش مرور کند. فقط بیدار کردن نیست، فریبا مجبور است در آن یک ساعت، مدام به او سر بزند، نکند که روی کتاب تاریخ خوابش برده باشد. چون تحمل غرغره های نیکا که «چرا مرا خوب از بیدار نکردی!» در برنامه تحمل های امروز مادر خیلی جانمی شود. یک ساعت بعد، پدر هم از خواب بلند می شود. میز صبحانه آماده است و مادر، برای دخترش که باعجله در حال بستن بند کفش است، صبحانه را لقمه می کند. بعد از راهی کردن پدر و دختر به بیرون، خانه می ماند و خرواری از کارهایی که امروز باید انجام شوند. نگاهی به نوزادی که دوروزه از تب و اکسینی که تزریق کرده، حالا کمی آرام گرفته، می اندازد و کارها را با لبخندی آغاز می کند. شب دو مهمان عزیز دارند برای همین یک خرید کوچولو از سوپری و میوه فروشی، جاروبرقی کشیدن اتاق ها که از نظافت کلی دیروز باقی مانده، و پختن ناهار و آماده کردن مقدمات شام، و البته امروز تعمیر کار پکیج هم قرار است نگاهی به پکیج پرسروصدای خانه بیندازد که کمی برنامه های مرتب و فشرده مادر را دچار تأخیر می کند. کیک های فریبا خانم واقعا معروف و زبانزد هستند، برای همین نیکاتقاضا کرده تا یکی از کیک های خوشمزه و خوش رنگ و لعابش را هم برای مهمانی شب آماده کند تا پیش مهمان ها پز بدهند. تا ساعت یک ظهر زمان مثل برق می گذرد. بخصوص اینکه دوبار تب فرزند کوچولو بالا و پایین می شود و مادر بزرگ هم یکی از قرص هایش را جابه جا خورده و به خاطر آن چند بار به فریبا زنگ می زند و دل شوره هایش را با او تقسیم می کند. ساعت سه بعد از ظهر، اوضاع کمی خلوت تر به نظر می رسد. پکیج تعمیر شده. فرزند خواب است. خانه از تمیزی برق می زند. نیکاناهارش را خورده و توی اتاق با موبایلش مشغول است. میوه های شسته شده توی صافی روی اوپن چشمک می زنند. فریبا آرام آرام مشغول راند دوم می شود. چند مورد از لیست کارهایی را که روی میز چسبانده خط می زند و خوشحال از خوب پیش رفتن کارها برای ادامه به آشپزخانه می رود...

ساعت حالا یک نیمه شب است. مسعود هم کنار فریبا، آخرین بقایای ظروف پذیرایی را جمع می کنند و توی سینک مملو از ظرف، به زور جامی دهند. شستن بماند برای فردا، چون هیچ رمقی در انگشتان فریبا خانم نمانده است. فقط بقایای خوراکی ها را در یخچال یک جوری جامی دهد و با چشمانی پر از خواب و خستگی با پشت دست پیشانی فرزند را چک می کند. «خنک است» و فرزند هم انگار خواب شیرینی می بیند، این یعنی فریبا می تواند امشب مژه های بر هم بگذارد. پلک ها به سختی باز نگه داشته شده، آن قدر که سهیم رمان مورد علاقه اش را هم به فرزندش موقوف می کند. شب به خیر مهربانانه ای به همه و پریدن به آغوش امن و پناه دهنده رختخواب.

این تنها شرحی ساده بود از یک روز خوب و بدون مشکل، بدون واقعه تلخ یا حادثه پیش بینی نشده، بدون اندوه ها و کسالت های رایج زندگی، بدون هر گونه اغراقی و با چشم پوشی از هزاران جزئیات که لحظه های زنان خانه دار و مهربان و مسئول را هر روز و آن هم برای سال های متمادی تا روزگار پیر شدنشان، بر می کنند.

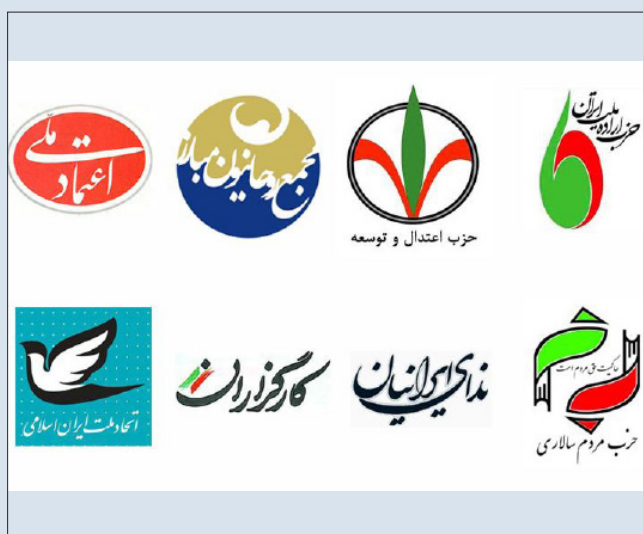
تقدیم به زنان و آنان که زنان را حرمت می گذارند

مشاغل دور از نظر

تهیه شده توسط کمیته آموزش و توانمندسازی حزب اراده ملت ایران



تاریخ احزاب سیاسی ایران



چگونگی ایجاد احزاب در ایران

تاریخ احزاب سیاسی ایران (۳)

گشودند؟ چه شد که مدرنیته آرام آرام وارد فضای ذهنی ایرانیان شد؟

در دو جنگ میان ایران و روسیه تزاری - یک دهه ساله و دیگری سه ساله - که به دو قرارداد گلستان و ترکمان چای انجامید ایران بخش‌های بزرگی از ایلات شمالی خود را از دست داد. در نخستین جنگ ارتش ایران ارتشی منسجم نبود و از ارتش‌های ایالتی استفاده می‌شد. برای مثال از سوی همدان، ایل قره گوزلو از فوج ملایر و نهاوند هشت هزار پیاده یا سواره نظام در اختیار دولت مرکزی می‌گذاشت. یعنی ارتش ایران مجموعه‌ای از خان‌ها و ارتش‌های ایالتی بود و این یکی از نمودهای فئودالیسم در ایران است. در جنگ‌های ایران و روسیه هم ارتش ایران طبق همین روال آماده شد تا با ارتش روسیه بر سر منطقه گرجستان بجنگد. اختلاف بر سر این منطقه به زمان آغامحمدخان قاجار باقیمانده بود. با پناهنده شدن حاکم این منطقه به روسیه و اشغال آن به دست نیروهای روس جنگ آغاز شد. این جنگ شرایطی نابرابر و البته با موفقیت‌هایی از سمت نیروهای ایرانی همراه بود. این جنگ ده ساله تأثیر منفی زیادی بر ایران - نسبت به روسیه داشت - داشت و نیروهای ایرانی را فرسوده کرد. با ادامه پیدا کردن جنگ بخش‌هایی از خاک ایران به تصرف روسیه درآمد. ناکامی‌های نیروهای ایرانی باعث شد تا دولتمردان به فکر ایجاد رابطه با یک نیروی سوم بیفتند.

در این زمانه ناپلئون بناپارت فرانسه یک قدرت مهم اروپایی بود که پس از اشغال مصر به دنبال اشغال هند بود. ژوبر - نماینده دولت فرانسه - در اردوی عباس میرزا با او دیدار کرد. گفته است که ژوبر با این پرسش عباس میرزا روبه‌رو شد که: غریبه! شما چه کرده‌اید که به این قدرت رسیده‌اید؟

چالش اصلی حکمرانی در ایران در آن زمان جنگ با روسیه و ضعف قوای مسلح بود و ایرانیان به دنبال راه چاره‌ای بر این مشکل بودند. مسایل نظامی اولین مواجهه ایرانیان با مظاهر مدرنیته بود. فعلاً آن چه مهم است نداشتن در جنگ و راه آن نیز تقویت ارتش است. ژوبر به فرانسه برمی‌گردد و ژنرال گاردان - محافظ شخصی ناپلئون - به همراه ۲۳ تن از نظامیان فرانسوی وارد ایران می‌شوند. در مدت یکی دو ساله حضور فرانسویان در ایران توپخانه و کارگاه‌های تولید اسلحه در ایران به راه می‌افتند. یونیفرم ارتش ایران نظم می‌یابد. سواره نظام آموزش می‌بیند. اما این سرآغاز اصلاحات در نیروهای مسلح ایران است. یکی از اصلاحاتی که مشروطه خواهان به دنبال آن بودند تشکیل ارتش ملی است. اما این مهم سامان پیدا نمی‌کند. قزاق‌ها از زمان ناصرالدین شاه قدرت مهمی در ایران به شمار می‌رفتند. در زمان مشروطه ژاندارمری با کمک مستشاران سوئدی در ایران ایجاد می‌شود. در دوران پهلوی یکم است که با ادغام قزاقخانه، ژاندارمری، و قره سوران‌ها ارتش دائمی و منسجمی تشکیل می‌شود که حقوق ماهیانه منظم دریافت می‌کنند. ایده عباس میرزا این بود که اگر ایران ارتش نوین پیدا کند می‌تواند به حقوق خود در چارچوب مرزهای ایران تحقق بخشد. این سرآغاز ورود مدرنیته

ابتدای سال ۱۴۰۱ و بعد از پیشنهاد یکی از جوانان حزبی مبنی بر تهیه پادکست‌هایی در رابطه با احزاب سیاسی، این ایده در واحد انتشارات حزب اراده ملت ایران شکل گرفت که با توجه به منابع موجود، جای کتابی ساده و موجز اما کامل در حوزه تاریخ احزاب سیاسی ایران خالی است. لذا جلساتی با اساتید صاحب نظر برگزار شد تا شاید بتوانیم این نقیصه را جبران نماییم. بعد از ساعت‌ها تفکر و تعمق و بررسی الگوهای موجود، تصمیم نهائی بر این شد که کتابی در چهار جلد مجزا و بر اساس روند تاریخی به این موضوع اختصاص یابد. الگوی کار نیز نمونه کتابهای تاریخ برای جوانان و نوجوانان نشر ققنوس قرار داده شد که نثری روان همراه با توضیحات ساده و موجز داشتند.

برای این کار گروهی پنج نفره از جوانان حزبی در قالب کارگروه تاریخ احزاب سیاسی ایران در حزب شکل گرفت و ایشان تحت نظارت یک استاد شناخته شده تاریخ، کار بررسی منابع و مآخذ را برای تدوین این مجموعه چهار جلدی آغاز کردند.

با توجه به کثرت منابع و مآخذ و وسواس‌هایی که معمولاً در اینگونه کارها وجود دارد، فرایند تدوین این مجموعه چهار جلدی به طول انجامید. لذا بر آن شدیم با استفاده از فضایی که نشریه حزب در اختیار مآقرار می‌داد، بخشهایی از این کتاب را به تدریج برای خوانندگان محترم منتشر کنیم تا زمانی که متن کامل کتاب‌ها آماده شود.

(در بخش اول و دوم این نوشتار به بحث تعاریف و اصطلاحات مرتبط با احزاب سیاسی و وضعیت احزاب در قفقاز و عثمانی پرداختیم. اینک بخش سوم این نوشتار تقدیم می‌گردد)

بخش سوم: جوانه زدن احزاب در ایران

ورود مفهوم حزب به ایران را نمی‌توان جدای از ورود مدرنیته (غربگرایی) به ایران بررسی کرد. آن چه که ابتدا در مورد شناخت احزاب و تفکر حزبی در ایران اهمیت دارد این است که ابتدا بررسی کنیم مدرنیته چه طور وارد ایران شد.

نخستین رویارویی ایرانیان با مظاهر مدرنیته (غربگرایی) نخستین رویارویی ایرانیان با مظاهر مدرنیته پس از شکست ایران در جنگ‌های میان ایران و روسیه است. جنگ‌هایی که زیر نظر عباس میرزا؛ نایب‌السلطنه فتح‌علی شاه قاجار انجام می‌شد. چه ضرورت‌هایی باعث شد که ایرانیان کم‌کم در راه روی مدرنیته



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

به ایران است. پس از قرارداد فینکن اشتاین هنگامی که مستشاران نظامی فرانسوی وارد ایران می شوند طبیعتاً ایرانیان نیاز به آشنایی با زبان فرانسه و ترجمه پیدا می کنند. همین طور نیاز به ابزارهای فنی و علمی وارد می شود. پس از مدتی ناپلئون ذیل قرارداد تیلست با روسیه صلح می کند و ایران حمایت فرانسه را از دست می دهد.

پس از پایان جنگ یکم ایران و روسیه عباس میرزا نخستین گروه دانشجویان ایرانی را راهی اروپا می کند تا در رشته های مختلفی مانند پزشکی و مهندسی تحصیل کنند. کسانی مانند میرزا صالح شیرازی از نخستین ایرانیانی هستند که با مدرنیته آشنا می شوند. در این دوره است که کتاب هایی با عنوان حیرت نامه نوشته می شود. چرا که نمودهای مختلفی از غرب مانند کالسکه، خیابان شوسه، راه آهن، پوشش های اروپایی و پیانو را می بینند و آن را با خود مقایسه می کنند. همچنین آرام آرام با مسایلی مانند پارلمان، روزنامه ها، و اختیارات پادشاه، و احزاب آشنا می شوند. که البته این ورود بسیار کند و همراه با مقاومت های بسیاری بود.



یکی از بندهای مهم قرارداد ترکمان چای این بود که روسیه از پادشاهی عباس میرزا حمایت می کند و این بدان معنا بود که ایران تحت الحمایه دولت روسیه تزاری قرار گرفت.

در این زمان - پادشاهی فتح علی شاه - است که سفارت خانه های خارجی در ایران فعال می شوند و فضا برای سیاستمداران و بازرگانان خارجی باز می شود. طبق اصل دولت کامله الوداد ایران مجبور است تا تمام امتیازاتی که به دولت روسیه داده است برای دیگر دولت های خارجی نیز در نظر بگیرد. پیش تر - در دوره صفوی - نیز ارتباطاتی با دولت های خارجی وجود داشت اما این محدود به فرستادن نماینده بین دولت ها بود.

گفته شده است یکی از دلایل شکست ایران در جنگ با روسیه عدم وجود صنایع مدرن در ایران بود. حتی در زمینه دانش حقوق دولت ایران فاقد کارشناسی بود که بتواند در تنظیم قرارداد گلستان و ترکمان چای نقش مفیدی ایفا کند به همین دلیل سرگور اوزلی نماینده دولت ایران در تنظیم این قرارداد شد.

از نظر فرهنگی آشنایی اولیه ایران با نمودهای مدرنیته از طریق فرانسه و روسیه انجام شد. شاید بتوان گفت این که فرانسه هیچ گاه مستقیماً به ایران حمله ای نظامی نداشته است یکی از علت هایی بود که ایرانیان به فرانسوی ها علاقه نشان می دادند و در میان زبان های اروپایی زبانی که پل ارتباطی با فرهنگ اروپا بود زبان فرانسوی بود. ایرانیان در عثمانی، کلکته هندوستان و مصر مدرسه دایر کردند. روزنامه چاپ می کردند و به ایران فرستادند.

مدرنیته برای ایران فلسفه نبود بلکه یک نیاز بود. برای مثال ما برای دفاع و امنیت نیاز به تفنگ داشتیم و تلاش کردیم تا از دست آوردهای جهان مدرن

برای رفع این نیاز بهره ببریم. برای چاپ کتاب نیاز به دستگاه چاپ داشتیم و صنعت مدرن این نیاز را مرتفع کرد. میرزا صالح شیرازی نخستین دستگاه چاپ را وارد ایران کرد و روزنامه کاغذ اخبار را دایر کرد. شاید بتوان گفت تأخیر در ایجاد حزب و ضعف این نهاد در ایران نیز به همین دلیل بود که ما نیاز به آن را حس نکردیم.

مدرنیته با خود ماشین چاپ، روزنامه، کتاب، آگاهی و اندیشه های نو، و شناخت دیگر فرهنگ ها و کشورها را به ارمغان می آورد. کم کم واژگانی مانند پارتنری و کلوپ وارد فرهنگ ایران می شود.

در تاریخ ایران فرد مهمتر از سیستم بوده است. مدرنیته هم از طریق افراد وارد ایران می شود؛ و نه از راه سیستم سیاسی و آموزشی. اگر این افراد قدرتمند هم بودند می توانستند در جامعه تغییراتی اعمال کنند و گر نه راه به جایی نمی بردند.

عصر ناصری یکی از بزنگاه های تاریخ ایران است. این دوره پنجاه سال به طول می انجامد. بدون فهم و مطالعه ی دوران ناصری نمی توان انقلاب مشروطه را فهمید.

حزب در ایران چه گونه به وجود آمد؟ زمینه های ظهور آن چه بود؟

آغاز فعالیت های احزاب سیاسی در ایران با سیر تحولاتی که به مشروطیت و تأسیس نهادهای به عنوان مجلس شورای ملی منجر شد گره خورده است. همکاری های جمعی و فعالیت های سازمان یافته سیاسی ایرانیان به سال ها پیش از سال ۱۲۸۵ برمی گردد. در این سال یک حزب قوی که بتواند به تنهایی رهبری اعتراضات و مطالبات عمومی را رهبری کند وجود نداشت. برخلاف کشور ترکیه که در آن حزب های مهمی هم چون «اتحاد و ترقی» و ترکان جوان را می توان از مؤسسين کشور ترکیه دانست. تشکلهای سیاسی که در این دوره عهده دار این رهبری شدند، انجمن های مخفی بودند که در اواخر عصر ناصری و اوایل دوره مظفری تشکیل شدند. این انجمن ها خواستار اصلاحات بودند و سعی بر همراه کردن اقشار مختلف مردم - از جمله بازرگانان و روحانیت - داشتند. تشکیل مجلس را می توان پی آمد این خواسته دانست.



از آغاز سده نوزدهم میلادی برخی نخبگان خواستار اصلاح امور دولتی و حکومتی شدند. این افراد دو هدف عمده داشتند: اصطلاح حکومت و ارتقای استقلال کشور و کاهش نفوذ دولت های بیگانه. مقایسه اوضاع ایران با کشورهای اطراف و اروپایی این جمع بندی را به دست می داد که نبود قانون، امنیت، و آزادی مانع بهبود امور کشور است.

میرزا ملکم خان از نخستین کسانی بود فکر ایجاد حزب و کلوپ را وارد ایران کرد. او چند کتابچه و جزوه منتشر کرده است و سفیر ایران در لندن می شود. گفته می شود عضو لژ فراماسونری بوده است. اما آن چه مشخص

مجمع آدمیت

مجمع آدمیت به عنوان دومین فراموش خانه ایران توسط میرزاملکم خان (البته بدون اطلاع و اجازه ناصرالدین شاه) در ایران دوره قاجاریه، در تهران و ۱۸ شهر دیگر بوجود آمد.

تشکیلات مجمع در این دوره به صورت حربه ای برای به زانو درآوردن شاه و امین السلطان و انجام مقاصد شوم استعماری انگلستان که خواهان بدست آوردن امتیازات اقتصادی و سیاسی بودند، صورت می گرفت.

مرام نامه این مجمع را شبیه افکار و اندیشه های «اگوست کنت» فیلسوف مشهور میدانند و جمعی نیز معتقدند که خلاصه ای از قانون اساسی گراند اوربان فرانس است. همچنین مرامنامه انجمن دواثر از میرزاملکم خان باعنوانهای «اصول آدمیت» و «دفتر حقوق اساسی فرد» بود که اولی مردم را به انسان دوستی و قیام برضد جور و بیدادگری و دومی به شناسایی و تشریح حقوق انسان راهنمایی می کرد.



در عصر مظفری انجمن هایی مانند انجمن مخفی، انجمن ملی، فرقه اجتماعيون عاميون، و کمیته انقلابی وجود داشتند. در دو شکل اخیر، حیدرخان عموقلی نقش پررنگی داشت. ملک المتکلمین، دهخدا، صوراسرافیل و مساوات از دیگر اعضای این انجمن ها بودند. علاوه بر آن در دوره مظفری انجمن هایی نظیر باغ میکده، انجمن معارف و مرکز غیبی نیز در تهران و تبریز شکل گرفتند.

انجمن مخفی

انجمن مخفی که بیشتر یک محفل پنهان سیاسی بود در سال ۱۳۲۲ ه.ق (در پایان دوره ناصری و شروع سلطنت مظفرالدین شاه) توسط عده ای از رجال از جمله ناظم الاسلام کرمانی با هدایت و حمایت سید محمد طباطبایی تشکیل دادند.

از نگاه موسسین آن، این تشکل در مقایسه با تشکل های قبلی بیشتر رنگ و بوی حزبی داشت؛ و هدف آن، هم اندیشی و تشکیل جلسات با اشخاص صاحب علم و متمدن بود که بتواند درباره امور کشور و اصلاح مشکلات آن سخن برانند و چاره اندیشی کنند.

انجمن مخفی بر خلاف سایر انجمن های مشروطه خواه که روشنفکر بودند، از طبقه متوسط سنتی تشکیل شده بود. خواسته های این انجمن شامل: تدوین مجموعه قوانین ملی و تأسیس عدالت خانه، اجرای اصلاحات در ارتش، تشویق بازرگانان داخلی، تأسیس مدارس، سازماندهی گمرک و اجرای قوانین شرع مقدس بود.



است اندیشه های او از طریق روزنامه قانون در میان روشنفکران ایرانی منتشر می شود. پس از اختلافات با ناصرالدین شاه اقدام به انتشار روزنامه قانون می کند. او در روزنامه قانون به انجمن های ایرانی، رسم الخط، تاریخ ایران و اعراب می پرداخت.

میرزا آقاخان کرمانی یکی دیگر از افراد تأثیرگذار در مشروطیت ایران بود. او در دوران مظفری به استانبول می رود و اقدام به انتشار کتاب و روزنامه می کند. مثلاً اولین بار در آثار اوست که ایرانیان با کسانی مثل ولتر و اندیشه هایی مانند فلسفه تاریخ آشنا می شوند.

آرام آرام انجمن در ایران تشکیل می شوند و انجمن ها زیربنای ایجاد احزاب در ایران هستند. به مرور اندیشه مشروطیت در میان ایرانیان پیدا می شود. این اندیشه که قدرت پادشاه محدود شود و مجازات ها قاعده مند شود، واژه مشروطه را اولین بار با ملک خان واژه گفتمان سیاسی ایرانیان کرد.

فراموش خانه میرزاملکم خان نخستین تشکل در ایران بود. پس از او، عباس قلی خان آدمیت، مجمع آدمیت را در دوران ناصری بنیاد گذاشت. بسیاری از شاهزادگان قاجار عضو این مجمع بودند. حاج سیاح و میرزارضای کرمانی از مرتبطین این مجمع بودند.

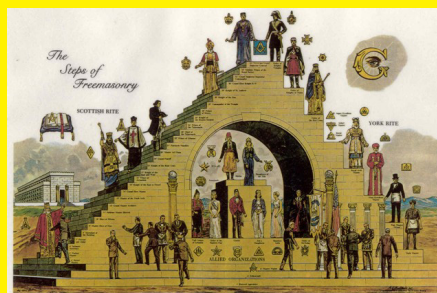
فراموش خانه

فراموش خانه به عنوان نخستین انجمن سیاسی در ایران دوره قاجاریه، به واسطه داشتن مشی سیاسی مترقی و انجام فعالیت های اجتماعی توانست در بیداری و روشنگری افکار مردم در دوره ناصرالدین شاه اثر گذار باشد، توسط میرزا ملکم خان ناظم الدوله در سال ۱۲۷۶ ه.ق تأسیس شد.

در ابتدا ملکم خان توانست اجازه تشکیل جلسات مخفی را از شاه وقت دریافت کند اما در نهایت با دسیسه چینی عده ای از دشمنان وی، نظر ناصرالدین شاه نسبت به این گونه فعالیت ها عوض شد و با تصور اینکه وجود این گونه انجمن ها سبب اختلال در نظام سلطنتی وی میگردد در سال ۱۲۷۸ ه.ق دستور به انحلال این انجمن داد.

تا جایی که ناصرالدین شاه چنین میگوید

«اگر بعد از این عبارت و لفظ فراموش خانه از دهن کسی بیرون بیاید، تا چه رسد به ترتیب آن، مورد کمال سیاست و غضب دولت خواهد شد، البته این لفظ را ترک کرده، تا پیرامون این مزخرفات نروند که یقیناً مواخذه کلی خواهند دید.»



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



فرقه اجتماعیون عامیون

همزمان با برخورد جنبش مشروطه خواهی، گروه ایرانیان قفقاز حزبی سیاسی تشکیل دادند و آن را "فرقه اجتماعیون عامیون ایرانیان" نامیدند. اجتماعیون در صحنه سیاسی کشور به صورت عنصری پرتلاش و تأثیرگذار درآمدند. حزب سوسیال دموکرات روسیه، برای دستیابی به کارگران مسلمان قفقاز "سازمان همت" را به وجود آورد. همت نیز فرقه اجتماعیون عامیون را بنیان نهاد تا ایرانیان مهاجر را در حزبی یکپارچه جمع کند. بنابراین فرقه اجتماعیون به میانجیگری سازمان همت با حزب سوسیال دموکرات روسیه پیوند داشته و شاخه ایرانی آن بوده است.

بیشتر برنامه های این حزب، ترجمه ای از خواسته های اقتصادی دموکرات های مکتب روس بود. آنها خواستار حق تشکل و اعتصاب برای کارگران، ۸ ساعت کار روزانه، حقوق بازنشستگی، اصلاحات ارضی، مدارس رایگان، آزادی بیان، کاهش مالیات بر مصرف و وضع نظام جدید مالیاتی تصاعدی بر درآمد بودند.



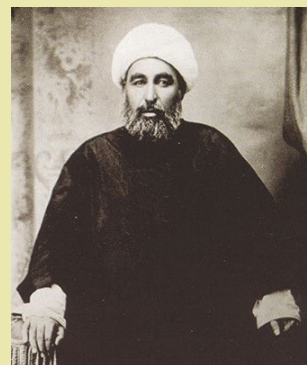
مرکز غیبی

روزنامه گنج فنون تبریز توسط گروهی از روشنفکران جوان تحت تأثیر گرایش های فرهنگی نواحی قفقاز و امپراطوری عثمانی منتشر شد. این افراد از طریق امپراطوری عثمانی با روش های غرب برای زندگی سیاسی آشنا شده و آن را به دولت و ملت ایران توصیه و منتقل می کردند. سیدحسن تقی زاده و میرزا محمد خان تربیت، دو عضو اصلی این گروه بودند که در انقلاب مشروطه نقش مهمی داشتند. بعدها در سال ۱۳۲۲ دوازده نفر از جوانانی که با روزنامه گنج فنون همکاری می کردند مرکز غیبی را در تبریز تأسیس کردند که فعالیت های بسیاری در جنبش مشروطه داشت. مرکز غیبی تبریز اولین حزب ایران بود که با الهام از حزب سوسیال دموکرات ایران، با ترجمه و بومی کردن اساس نامه حزب (به نام اجتماع عامیون) به صورت مستقل و غیروابسته شروع به کار کرد.



کمیته انقلابی

از دیگر انجمن های زیرزمینی پیش از مشروطه ایران کمیته انقلابی بود. این گروه به رهبری ملک المتکلمین از ۵۷ عضو شامل ۱۵ کارمند دولت، ۱۴ روحانی، ۸ معلم، ۴ مترجم و نویسنده، ۴ صنعتگر، ۳ بازرگان و ۱ رئیس قبیله تشکیل شده بود. ترکیب اعضا نشان دهنده همگونی ایدئولوژیک و گوناگونی اجتماعی روشنفکران بود. اعضای گروه در جریان یک گردهمایی مخفی در اطراف تهران در خرداد ۱۹۰۴ برای براندازی استبداد و استقرار حکومت قانون و عدالت برنامه ای تدوین کردند. اصول کمیته انقلابی تکیه بر مفاهیم ضدیت با استبداد و توتالیته، دموکراسی و توسعه ملت بود. این کمیته ۵ تن از شخصیت های برجسته انقلاب مشروطه یعنی سید جمال الدین اصفهانی، سردار اسعد، حاج میرزا یحیی دولت آبادی و ۲ برادر از خانواده اشرفی اسکندری را در خود پرورش داد.





رویدادهای منتخب جهان



جهان در هفته‌ای که گذشت

کرد که نزاع‌ها در منطقه خاورمیانه بسیار کم‌تر از مناطق دیگر است و افزود که حل نزاع‌ها باید از طریق تفاهم و همکاری باشد. وی گفت که روابط عراق با کشورهای همسایه بسیار مستحکم است و تماس‌ها با کشورهای همسایه و جهان در راستای تلاش جهت تثبیت امنیت و ثبات در عراق جریان دارد. رشید تأکید کرد که رسانه‌ها توجه جدی به وضعیت کنونی عراق و بهبود و سازندگی و امنیت و ثبات حاکم بر شهرهای عراق ندارند. رئیس جمهور عراق افزود که کشور نیازمند تصویب برخی قوانین مهم از جمله قانون نفت و گاز است و این قانون باید در مهلت زمانی مقرر تصویب شود. وی ادامه داد که روابط بغداد با اربیل و دیگر استان‌ها روابط خوبی است و شاهد به حاشیه راندن هیچ طرفی نیستیم و تصمیمات اجرایی با در نظر گرفتن هماهنگی و همکاری همه طرف‌ها گرفته می‌شود و هیئت‌های اقلیم کردستان هر هفته به غدامه می‌آیند. رشید تأکید کرد که مسئله آب یک مسئله بسیار مهم در سطح جهانی است و عراق هم تلاش‌هایی را در این راستا آغاز کرده و پیشرفت‌هایی نیز به دست آمده و امیدوار است که به نتایج مطلوب که مورد رضایت همه طرف‌ها باشد برسد و افزود که عراق صرفاً خواستار حق عادلانه و واقع‌بینانه خود از آب‌های مشترک است.

افتتاح دفتر منطقه‌ای سازمان ملل در دوحه



به گزارش «آناتولی» مراسم افتتاح این دفتر با حضور دبیر کل سازمان ملل و وزیر خارجه قطر برگزار شد. «محمد بن عبدالرحمن آل ثانی» در این مراسم گفت که این رخداد بزرگ دوحه راه‌مرکز گفت‌وگو و اقدامات سازمان میان قطر و سازمان ملل تبدیل می‌کند و افزود که هدف قطر تبدیل کردن دوحه به مرکز فعالیت‌های چندجانبه و گفت‌وگوهای بین‌المللی است. دفتر منطقه‌ای سازمان ملل شامل ۱۰ دفتر از جمله یونسف، کمیساریای عالی امور پناهندگان، سازمان بین‌المللی مهاجرت، مرکز آموزش و توانمندسازی در مبارزه با جرایم سایبری، دفتر سازمان ملل برای هماهنگی امور بشردوستانه و برنامه توسعه سازمان ملل است. افتتاح این دفتر در حاشیه نشست سازمان ملل درباره کشورهای کم‌تر توسعه یافته در دوحه انجام شده است.

افزایش فعالیت‌های غیر نفتی عربستان به بالاترین سرعت در ۸ سال گذشته



بر اساس اطلاعات منتشر شده، فعالیت‌های بخش غیر نفتی عربستان در ماه فوریه به بالاترین حد خود در هشت سال گذشته رسیده است. به گزارش «اسکای نیوز»، شاخص مدیران خرید بانک ریاض از ۵۸۵۲ در ماه ژانویه به میانگین فصلی ۵۹۵۸ در فوریه رسیده است که سریع‌ترین میانگین رشد از مارس سال ۲۰۱۵ است. افزایش بالای این شاخص به بهبود شرایط اقتصادی شرکت‌ها اشاره دارد و شاخص فرعی تقاضاهای جدید در جدیدترین بررسی‌ها طی هشت سال گذشته از ۶۵۳ در ژانویه به ۶۸۵۷ در ماه گذشته رسیده است و روند رو به رشد خود را در برهه اخیر به دلیل افزایش تقاضا ادامه می‌دهد. «نایف الغیث»، اقتصاددان ارشد بانک ریاض اظهار کرد که با وجود اوضاع مالی دشوار، تعادل عرضه و تقاضا بالاست و طرح‌ها و پروژه‌های کنونی در سراسر عربستان سعودی به اجرا درآمده است و باعث افزایش زیاد تولید و تقاضاهای جدید از شرکت‌ها و نیروی کار شده است و نرخ تورم عربستان سعودی در ژانویه به ۳.۴ درصد رسید و نسبت به ماه گذشته افزایشی بود. گفتنی است عربستان به دنبال بهره‌برداری از طرحی به عنوان نئوم است. نئوم شهری رؤیایی به وسعت ۳۳ برابر شهر نیویورک است. کارشناسان معتقدند بهره‌برداری از این پروژه نقطه عطفی در تاریخ بشریت است.

تلاش دولت عراق برای حل اختلافات آبی با کشورهای همسایه



به گزارش خبرگزاری رسمی عراق (واع)، «عبداللطیف رشید» رئیس جمهور عراق، در مصاحبه با شبکه «العراقیه» که شنبه شب پخش شد تأکید



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹
۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

انتخاب مجدد «زیاد النخاله» به دبیر کلی جنبش جهاد اسلامی فلسطین



جنبش جهاد اسلامی فلسطین اعلام کرد که «زیاد النخاله» را به عنوان دبیر کل این جنبش تا سال ۲۰۲۷ انتخاب کرده است. «احمد المدلل»، عضو دفتر سیاسی جنبش جهاد اسلامی در مصاحبه با «آنا تولی» اعلام کرد که انتخابات دفتر سیاسی جنبش با انتخاب زیاد النخاله به مدت چهار سال به پایان رسیده است. وی توضیح داد که النخاله دو عضو دیگر را در دفتر سیاسی منصوب خواهد کرد و افزود که برهه آینده شاهد انتخابات ویژه شورای مرکزی جنبش خواهد بود. وی اشاره کرد که جنبش ۵ عضو دفتر سیاسی را برای نمایندگی داخل غزه انتخاب کرده است که شامل احمد المدلل، یوسف حسانه، محمد حمید، نافذ عزام و ولید القططی است، ۴ عضو هم برای نمایندگی خارج از فلسطین انتخاب شدند که شامل اکرم العجوری، محمد الهندی، علی شاهین و احسان عطایا است. روز شنبه یک منبع به آنا تولی گفته بود که جنبش جهاد اسلامی انتخابات داخلی خود را برای تعیین نمایندگان داخل و خارج از فلسطین به صورت فوق سری و دور از رسانه ها برگزار خواهد کرد. زیاد النخاله در سال ۲۰۱۸ به عنوان دبیر کل جنبش جهاد اسلامی انتخاب و جانشین «رمضان شلح» شد که از سال ۱۹۹۵ ریاست این جنبش را بر عهده داشت.

۱۱ سازمان خواستار آزادی ۴ فعال حقوق بشری در مصر شدند



به گزارش سرویس ترجمه شفقنا به نقل از القدس العربی، این بیانیه ساعتی قبل از تشکیل جلسه دادگاه تجدید نظر در امور اضطراری برای صدور حکم علیه ۴ فعال حقوق بشر مصری به اتهام مستندسازی و افشای نقض حقوق بشر در شبکه های اجتماعی صادر شد. این سازمان ها تأکید کردند که این دادگاه پیش از این احکام غیر عادلانه ای نسبت به سیاستمداران، فعالان حقوق بشر و خبرنگاران صادر کرده و حداقل ضمانت دادرسی عادلانه را رعایت نمی کند و امکان اعتراض به حکم آن وجود ندارد.

«احمد نواف الاحمد» مأمور تشکیل کابینه در کویت شد



به گزارش خبرگزاری رسمی کویت (کونا) «نواف الاحمد الجابر الصباح» امیر کویت دیروز طی حکمی «احمد نواف احمد جابر» را به عنوان نخست وزیر جدید مأمور انتخاب اعضای کابینه جدید کرد. در ۲۶ ژانویه گذشته، امیر کویت با صدور فرمانی، استعفای «احمد نواف الاحمد الصباح» نخست وزیر و دولت وی را پذیرفت. دوشنبه گذشته دولت کویت استعفای خود را به «مشعل الاحمد الجابر الصباح» ولیعهد این کشور تقدیم کرده بود. پیش از این منابع کویتی خبر دادند که به علت شدت گرفتن اختلافات دولت و مجلس درباره قانون معافیت بدهی ها و استیضاح دو وزیر، دولت کویت در صدد استعفاست. اختلافات مجلس و دولت کویت در حدود دو سال گذشته باعث استعفای چندباره دولت های کویت شده است.

خودداری ۳۷ خلبان اسرائیلی از انجام رزمایش نظامی



به گزارش خبرگزاری «معا» ۳۷ خلبان از ۴۰ خلبان اسکادران ۶۹ نیروی هوایی اسرائیل ویژه حملات به اهداف دور، این تصمیم خود را به فرمانده نیروی هوایی و فرمانده اسکادران جنگنده های F15 اعلام کردند. اسکادران ۶۹ یکی از مهم ترین واحدهای ارتش اسرائیل است که در سال ۲۰۰۷ در حمله به تأسیسات هسته ای سوریه شرکت کرد. خلبانان آماده باش و ذخیره این اسکادران در کارزار بین جنگ ها که اسرائیل ضد اهداف ایرانی در سوریه آغاز کرده نیز مشارکت می کنند. در هفته های اخیر ارتش اسرائیل از پیدایش بحران خطرناکی در نیروهای ذخیره خود در اعتراض به اصلاحات قانونی ابراز نگرانی کرده و مقامات ارتش از این نگرانی با عنوان «خطرناک ترین پدیده از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ تا کنون» یاد کرده اند. سربازان ذخیره در ارتش اسرائیل نیز طوماری را امضا کردند که تأکید می کند در صورت اجرای اصلاحات قانونی از حضور در نیروهای ذخیره خودداری می کنند. «هرتزل لوی» رئیس ستاد ارتش اسرائیل ماه گذشته از سربازان ذخیره خواست تا اختلافات را به بیرون از ارتش نکشاند و برای لباس ارتش احترام قائل شوند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

رایزنی رئیس ستاد ارتش آمریکا با مقام های اسرائیل درباره ایران



به گزارش ایلنا، «مارک میلی» رئیس ستاد ارتش آمریکا برای رایزنی با مقام های صهیونیست درباره همکاری دوطرفه به منظور مقابله با آنچه تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته ای خوانده شده است، وارد سرزمین های اشغالی شد. وزارت جنگ رژیم صهیونیستی در بیانیه ای به نقل از «یوآف گالانت» وزیر جنگ این رژیم نوشت: «یکی از محورهای مهم مذاکرات دو طرف همکاری برای پیشگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته ای بود.» سخنگوی میلی نیز گفته است که وی در دیدار با رئیس ستاد ارتش رژیم صهیونیستی در مورد هماهنگی برای «مقابله با تهدیدهای امنیتی ایران در سطح منطقه» گفت و گو کرده است.

۶ کشته در حادثه انفجار معدن زغال سنگ در جنوب پاکستان



به گزارش اسپوتنیک، مقام های محلی پاکستان اعلام کردند که بر اثر وقوع انفجار در معدن زغال سنگ در جنوب غرب ایالت بلوچستان دستکم شش کارگر کشته شدند. تلویزیون داون نیوز گزارش داد که کارگران معدن در عمق بیش از ۴۵۰ متری در حال کار بودند که یک انفجار قوی به دلیل تجمع گاز متان رخ داد. طبق این گزارش، کارگران معدن با ریزش بخشی از آن محاصره شدند.

قطر دومین تأمین کننده گاز اروپا در ۲۰۲۲



به گزارش الخلیج آنلاین، در گزارشی که از سوی آژانس بین المللی انرژی منتشر شده، آمده است که سال گذشته حجم واردات انرژی به میزان ۶۳ درصد در مقایسه با وضعیت عادی سال های گذشته افزایش داشته است. در این گزارش آمده هدف از این افزایش جبران، انرژی صادر شده از سوی مسکو بود که در پی جنگ اوکراین متوقف شد. گزارش مذکور اشاره دارد که کشورهای اروپایی در طول سال گذشته همواره به دنبال منابع جدید تأمین مالی برای انرژی بودند تا بتوانند ثبات مورد نظر از لحاظ تأمین انرژی در بازارها را پس از آنکه انرژی از سوی روسیه قطع شد، محقق کنند. آژانس بین المللی انرژی بیان کرد که واردات گاز طبیعی مایع از سوی اروپا از چند کشور و در رأس آن آمریکا و قطر صورت گرفت. براساس گزارش مذکور، قطر طی دوره اخیر صادرات گاز را به صورت تدریجی به بازارهای اروپا گسترش داد در حالی که پیش تر بر بازارهای آسیا متمرکز بود.

صدور حکم بازداشت برای ۴ مقامات سابق عراق



به گزارش خبرگزاری رسمی عراق (واع)، اداره تحقیقات سازمان پاکدستی در ساعات پایانی روز جمعه (۳ مارس) با انتشار بیانیه ای رسمی تأکید کرد که با دستیابی به شواهد تازه، دست داشتن شماری از مقامات ارشد دولت سابق در جنایت سرقت اموال در سازمان مالیات مشخص شده و در این راستا دادگاه کرخ دستور بازداشت و پیگرد ۴ مقام بلندپایه را صادر کرده است. براساس این گزارش این احکام در حق وزیر دارایی سابق، رئیس دفتر نخست وزیر سابق، منشی مخصوص نخست وزیر سابق و مشاور سیاسی نخست وزیر سابق صادر شده است. در این بیانیه نامی از این افراد آورده نشده اما پیش تر سندی منتشر شده بود که از حکم بازداشت برای «علی عبدالامیر علاوی»، وزیر دارایی دولت الکاظمی، و «رائد جوحی» رئیس دفتر الکاظمی خبر می داد. این بیانیه اتهام این افراد را «تسهیل دستیابی به مبالغ سرقت شده در سازمان امور مالیاتی» دانسته و از صدور حکم توقیف اموال منقول و غیر منقول آنان خبر داده است. پرونده سرقت اموال در سازمان امور مالیاتی در اکتبر سال گذشته مطرح شد و خشم عمومی را در عراق در پی داشت. براساس گزارش های رسمی صادر شده در این پرونده ۲۵ میلیارد دلار در فاصله سپتامبر ۲۰۲۱ تا اوت ۲۰۲۲ در روندی پیچیده از سازمان امور مالیاتی اختلاس شده است. دولت عراق از زمان تشکیل، پیگیری این پرونده را در دستور کار قرارداد و بخشی از اموال را پس گرفت. «مصطفی الکاظمی» نخست وزیر سابق عراق، نیز در بیانیه ای تأکید کرد که اطلاع از این موضوع و تحقیق درباره آن از زمان دولت وی آغاز شده است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

حزب سوسیال دموکرات آلمان، در انتخابات ایالتی برلین متحمل شکست سنگینی شد.



حزب چپ میانه سوسیال دموکرات که به صورت تک حزبی یا با مشارکت احزاب دیگر، ایالت برلین آلمان را اداره می کرد، با ۱۸.۷ درصد آرا، بدترین نتیجه را کسب کرد.

حزب دموکرات مسیحی که نقش اپوزیسیون حزب سوسیال دموکرات حاکم را برعهده دارد و در دسامبر ۲۰۲۱ از قدرت کنار رفت، بیشترین سهم را با ۲۷.۸ درصد آرا به دست آورد که تقریباً ۱۰ درصد بیشتر از نظرسنجی های سپتامبر ۲۰۲۱ بود.

پیش بینی می شد که حزب سبزهای آلمان با ۱۸.۸ درصد آرا در رتبه دوم قرار گیرد.

دبیر کل حزب سوسیال دموکرات، شکست خود را پذیرفت اما تاکید کرد که حزب دموکرات مسیحی نمی تواند اکثریت مطلق را برای گرفتن سکان قدرت به دست آورد. او گفت برای صحبت در مورد سناریوهای ائتلاف زود است.

برلین که یکی از ۱۶ ایالت فدرال آلمان است، توسط ائتلاف سه جانبه سوسیال دموکرات ها، سبزها و حزب چپ اداره می شود.

دادگاه سال گذشته به دلیل نقص در آماده سازی انتخابات و هرج و مرج در روز رای گیری، دستور برگزاری مجدد انتخابات ۲۰۲۱ را صادر کرد. محدودیت های ویروس کرونا و مارا تن برلین که در همان روز برگزار شد به شکایات متعددی رای دهندگان منجر شده بود.

بغداد از بدترین پایتخت های خاور میانه به لحاظ ترافیک و خدمات حمل و نقل



به گزارش «الفرات نیوز» به نقل از «اکنومیست» بغداد هر روزه شاهد ساعت ها ترافیک سنگین است که باعث شده بسیاری بازرگانان ترجیح دهند جلساتشان را به صورت آنلاین برگزار کنند. عراق در دهه ۱۹۵۰ یکی از به روزترین سیستم های حمل و نقل عمومی در خاور میانه را داشت و اولین کشور خاور میانه بود که اتوبوس های دوطبقه وارد کرد. با این همه، دهه ها جنگ و محاصره اقتصادی و فساد و ضعف مدیریتی باعث شد که شبکه مواصلاتی بغداد از دهه ۱۹۸۰ تغییر چندانی پیدا نکند هر چند در این مدت جمعیت بغداد ۳ برابر شده و به بیش از ۹ میلیون تن رسیده است. در حالی که خیابان های بغداد برای انتقال ۲۰۰ هزار خودرو طراحی شده، روزانه ۲۵۷ میلیون خودرو در خیابان های بغداد حرکت می کنند، ضمن اینکه در نبود جاده کمر بندی کامیون ها هم باید از خیابان های شهر تردد کنند. این وضعیت همچنین باعث افزایش دمای هوا در فصل تابستان شده است. علاوه بر همه این ها، ده ها ایست بازرسی در سطح شهر بر شدت ترافیک افزوده هر چند در سال های اخیر و با بهبود وضعیت امنیتی بسیاری از این پست ها برچیده شده است. عراق در دهه ۱۹۸۰ طرحی برای ساخت مترو ریخت اما پس از کشیده شدن تونل های زیر زمینی رژیم بعث از آن تونل ها برای برنامه های امنیتی خود استفاده کرد. همچنین این کشور از حدود یک دهه پیش قراردادی بزرگ با شرکت الستوم فرانسه برای کشیدن مونوریل کشید که هنوز وارد فاز اجرا نشده است. در تازه ترین گام برای بهبود وضعیت حمل و نقل در بغداد، هفته گذشته «محمد شیاع السودانی» مجموعه طرح هایی برای ساخت پل و مسیرهای جدید در بغداد رونمایی کرد که قرار است در ۵ مرحله اجرا شود.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



اخبار حزبی



پیام نوروزی دبیر کل حزب اراده ملت ایران

بنام خدا

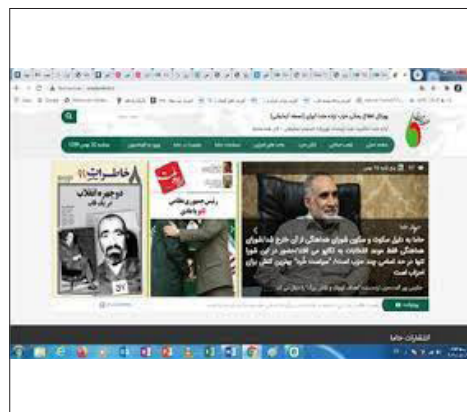


مرحبا طائر فرخنده و دفتر عمر سپری شد. با نبوهی از دردها، سختی ها و مشکلات یک سال دیگر از چرخ روزگار و دفتر عمر سپری شد. با نبوهی از دردها، سختی ها و مشکلات و مشقاتی که بر هموطنان و کشور عزیزمان رفت. مدتهاست این مرز و بوم با شادی و رفاه و آرامش بیگانه شده و امیدها و آرزوها مخصوصا در نسل جوان رنگ می بازد. اما با همه مصائب و شدایدی که مخصوصا از نیمه دوم سال گذشته بر ملت و میهن مان رفت، جوشش امید و انرژی مثبتی که از جنبش ”زن، زندگی، آزادی“ در روح ملت ایران در داخل و خارج از کشور جاری و ساری شده، سرمایه و توان ارزشمندی برای تحولات فرخنده و مبارک برای آینده سرزمین مان نوید میدهد. با آرزوی روزهای بهتر و آینده ای روشن و بهروزی برای این آب و خاک، آغاز سال نورا به همه هموطنانم و نیز هموندان عزیزم در حزب اراده ملت ایران تبریک و شادباش عرض می کنم. در سال جدید موفقیت، سلامتی و سربلند را برای تک تک تان از صمیم قلب آرزو مندم.

یارب این قافله را لطف ازل بدرقه باد / که ازو خصم به دام آمد و معشوقه به کام
احمد حکیمی پور

سایت رسمی حزب اراده ملت ایران دچار اختلال شد

سایت رسمی حزب از ۶ اسفند قابل دسترسی نمیباشد. بنابه گزارش مسئول فنی سایت، از روز ۶ اسفند امکان بارگذاری مطلب بر روی سایت وجود ندارد و خود سایت نیز دیده نمیشود. ابتدا گمان بر این بود که شاید سایت فیلتر شده است ولی بعدا مشخص گردید که کلا سایت از دسترس خارج شده است. شرکت پشتیبان سایت متوجه اختلال در آدرس سایت و تغییر آن شد و تلاش کرد تا هر چه سریعتر مشکل پیش آمده را حل نماید. نهایتا روز ۱۵ اسفند و با همکاری ایرنیک (مرکز ثبت دامنه های اینترنتی کشور) این مشکل برطرف گردید و سایت مجددا در دسترس قرار گرفت. هنوز مشخص نیست که این تغییر آدرس عمدی بوده است (سایت مورد حمله هکری قرار گرفته است) یا مسائل دیگری باعث بروز این مشکل شده اند. آخرین مطلب بارگذاری شده بر روی سایت، بیانیه دفتر سیاسی حزب در مورد مسائل اخیر کشور بود.



اولین رمان انتشارات حزب برای چاپ آماده شد



اکبر صمدی نویسنده اردبیلی که قبلا از ایشان رمانهای یک آسمان باران (نشر آتنا) و یک اتفاق (نشر دانش پذیر) به چاپ رسیده است، اثر جدید خود با نام ”یک خوشه نور“ را برای چاپ به انتشارات حزب سپرد. این کتاب داستان نوجوان نابینایی است که در شرایطی خاص بینایی خود را باز میابد و با دنیای واقعی روبرو میشود. این رمان فعال در مراحل اولیه کسب مجوز قرار دارد. این کتاب اولین رمان انتشارات حزب اراده ملت ایران است. همزمان با این کتاب، یک رمان ترجمه شده از عربی نیز در مراحل اولیه آماده سازی قرار دارد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

اعضا هیات دبیران حوزه ها به شور نشستند



جلسه شصت و چهارم هیات دبیران حوزه ها روز سوم اسفندماه برگزار شد و دبیران گزارش حوزه های خود را ارائه نمودند. در این جلسه دبیر کل توضیح مبسوطی در مورد اهمیت پرداختن به مسئله اقوام، مشکلات و چالش های آن و نحوه ورود به این بحث در شرایط امروز ایران ارائه دادند.

در همین جلسه بحث برگزاری مجمع عمومی حزب مطرح گردید و با توجه به کمبود زمان برای انجام مقدمات این مجمع، بهتر دیده شد که تاریخ برگزاری مجمع عمومی به دهه آخر اردیبهشت ماه منتقل گردد.

به دنبال این جلسه، هفته قبل جلسه شصت و پنجم هیات دبیران نیز برگزار شد. در این جلسه آخرین وضعیت سر حوزه ها با تاکید بر حوزه های غیر فعال مورد بررسی قرار گرفت و تصمیمات لازم اتخاذ شد.

طبق برنامه قرار است در آخرین هفته اسفندماه گزارش نهائی کار حوزه ها جمع بندی شود و برای شش ماه اول سال ۱۴۰۲ برنامه ریزی لازم صورت گیرد.

ثبت نام انتشارات حزب در سی و چهارمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

بدنبال حضور موفق انتشارات حاماد در سی و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۰، برای سال آینده نیز این انتشارات تصمیم به حضور در نمایشگاه گرفته است.

انتشارات حاما تاکنون ۲۱ کتاب منتشر کرده است؛ و علاوه بر آن سه کتاب انتشارات نیز در مراحل مختلف انتشار هستند.

سی و چهارمین نمایشگاه کتاب قرار است در دهه آخر اردیبهشت ماه برگزار شود. مشابه سال قبل نمایشگاه دو بخش فیزیکی و مجازی دارد اما محل فیزیکی برگزاری این نمایشگاه هنوز مشخص نشده است و قرار است در روزهای آینده در مورد آن تصمیم گیری شود. مصلی بزرگ تهران و مجموعه شهر آفتاب محل های پیشنهادی برای برگزاری این رویداد فرهنگی هستند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

نوزدهمین شماره فصل نامه خاطرات سیاسی منتشر شد



شماره نوزدهم فصلنامه خاطرات سیاسی (زمستان ۱۴۰۱) منتشر شد. پرونده اصلی این شماره به دور جل تاثیرگذار سیاسی معاصر، مظفر بقائی و حسن آیت و پرونده دیگری نیز به واکاوی پدیده خسرو گلبرخی اختصاص یافته است. خاطرات منتشر نشده ای از دادگاه دکتر مصدق و نوشتاری درباره سیمای او در شعر معاصر فارسی، همچنین مقالاتی درباره اعتراضات اخیر، از دیگر مطالب شماره نوزدهم این نشریه می باشد. خاطرات سیاسی را می توانید از روزنامه و کتابفروشی ها و سایت طاقچه یا از طریق آبونمان تهیه نمایید. بخش هایی از مطالب هر شماره نیز بر روی سایت این نشریه به آدرس <https://khsamag.ir/> بارگذاری شده است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

بازنشستگان و اعتراض هایشان

سه شنبه صبح همراه یکی از دوستان قدیمی عازم میدان بهارستان شدم. فراخوان سراسری بازنشستگان تامین اجتماعی، لشکری و کشوری بود. میدان را ماشین های آنچنانی بگیر و ببند اشغال کرده بود. یکی از دوستان قدیمی را دیدم که از کرج آمده بود. با او سلام و احوالپرسی کردم مرا نشناخت وقتی خودم را به او شناساندم باور نکرد. با یادآوری خاطرات گذشته باورم کرد.

گفت: پیش تر نرو، بی هیچ حساب و کتاب می گیرند و می برند. گفتیم: خب ماهر کدام وظیفه ای داریم. من به اعتراض می روم و آن ها هم اگر تاب اعتراض مرا نداشته باشند، دستگیر می کنند. من اینجا آمده ام تا به وضع موجود در باره بازنشستگان اعتراض کنم اگر نه که در خانه می نشستم.

گفت: تو هیچوقت اهل «زنده باد مرده باد» نبوده ای، ولی این ها به این جزئیات توجه ندارند و به کسی رحم نمی کنند. با بوسه ای به او راه خود پیش گرفتم. میدان به سمت مجلس بیش از آن که بازنشسته به خود ببیند مأمورهای بی شماری را در خود جای داده بود. راه را بسته بودند و مردم عادی هم در رفت و آمد خویش دچار عذاب. تادرب شمالی مجلس به انواع حیل خود را رساندم. پیش از تشکیل اجتماع این بار با توسل به قوه قهریه همه را پراکنده بودند. خبری از اجتماع نبود هنگام برگشت، قلدری ملبس به لباس مأمور و معذور، مرا بی هیچ پریشی باتکیه بر نیروی جوانی و آموزش های مردم آزار به سمت یکی از ون های مستقر در میدان برد. با آن که مقاومتی از خود نشان نمی دادم اما او کار خود را به بهترین شکل ممکن با خشونت انجام می داد. پیشانی ام به سر درون برخورد. رفتم و درون جا گرفتم. حدود نیم ساعتی ما را برای تأدیب دیگران در حوالی میدان به نمایش گذاشتند. ۱۷ نفر بودیم. جالب آن که هر ۱۷ نفر به اعتراض رفته بودیم اما حالا که در درون ون جا گرفته بودیم بسیاری شروع کرده بودند به بیان آن که؛ اینها اشتباهی گرفته اند. هر کسی از دردی می نالید که اعتراض با او هیچ نسبتی ندارد و فقط در حال گذر بوده است که مورد تهاجم اینها واقع شده. از میان ما کسی که از همه جوان تر بود، گفت: آقایان ما که چیزی برای از دست دادن نداریم لااقل غرورمان را حفظ کنیم.

ومن در تأیید او گفتیم: اظهار عجز پیش ستمگر ز ابلهی ست/ اشک کباب موجب طغیان آتش است. بالاخره ما را به سوی مرکز پلیس امنیت تهران بزرگ واقع در یکی از کوچه های منتهی به چهار راه قصر بردند و از اینجا من بودم و جماعتی در حدود صد و ده بیست نفر و جالب آن که دو نفر اصلا قیافه شان به بازنشسته ها نمی آمد. معلوم شد که یکی، پدرش را همراهی می کرده است که چون پدر مورد لطف سرهنگی قادر قرار می گیرد، پسر به دفاع از پدر مورد ضرب و شتم قرار می گیرد. دومی هم جوانی بود که با دو نفر از هم روستایی هایش از آذربایجان به مجلس آمده تا با نماینده منطقه شان دیداری داشته باشند که آن دو نفر نیز چون سن و سالشان به بازنشسته ها می خورد، مورد محبت همین جناب سرهنگ قرار می گیرند. در ۶ یا ۷ ساعتی را که در آن جا بودم دوستانی از ترک و لر و گیلک یافتیم و جالب آن که یکی از شهروندان لرستان آن قدر به من اعتماد کرد که خاطره تاریخی افشانشده ای را برایم تعریف کرد. آن دیگری مرا به روستای خودشان دعوت کرد تا از آب چشمه آنها برای درمان سنگ کلیه بنوشم و دوست دیگری از خطه شمال با گرفتن شماره تلفن وعده داد تا دو جلدی از کتاب های خودش را به من هدیه دهد.

در این مدت من به یکی از وظایف اصلی خود که گفتگو با افسران حاضر در سالن بزرگ اندرز گاه بود پرداختم تا جایی که هنگام خروج ما، همه با نوعی احترام با من خدا حافظی کردند. من در ورود با افتخار اعلام کردم که مرا دقیقاً بجا دستگیر کرده اید. من به اعتراض وضعیت موجود بازنشسته های این مرز و بوم آنجا بوده ام ولی یادتان باشد که این اعتراض من، فقط به خاطر هم نسل های خودم نیست شامل حال شما هم می شود؛ ما امروز تلاش می کنیم تا در فردای دیگر، شما یان و دوستانتان بهتر دیده شوید. در ساعت ناهار، انگار ما را به میهمانی فراخوانده بودند. برای این جماعت با ضرب و شتم آورده، نهار آوردند. تأسف بار آنکه برای دریافت نهار، دوستان ما هجوم بردند. نهیب زدم که: شما اینک بر سفره ای نشستاید که به معاندت برای شما پهن کرده اند. کجا می نشینید؟!

اندکی فقط شاید به تعداد انگشتان یکدست، از خوردن امتناع کردند. اما بقیه با شوخی و خنده به شکم لمباندن پرداختند. نوش جانشان...

ساعت از پنج عصر گذشته بود که از ما با گرفتن عکسی به یادگاری و نوشته ای درباره این که من در هیچ تجمع غیر قانونی شرکت نمی کنم، درب را به روی ما به خروج باز گشودند.

ویژه نامه روز جهانی زن (۸ مارس)



۸ مارس روز جهانی زن

INTRNATION WOMEN'S DAY

گفتگوی دوزن در زندگی آمیخته با سیاست

درنگی خوش، با خانم خدیجه کریمی همسر دکتر احمد حکیمی پور



زهره رحیمی

RAHIMI_ZOZO2003@yahoo.com

همدمی و همراهی با ایشان راه پرتلاطم و سختی را تجربه کنم و از همان اول بجای چالش و تنش، نرمش و صبوری را در پیش گرفتم ولی به نظرم بهتر است مردان سیاسی اگر تصمیم دارند ازدواج کنند خودخواهی را کنار بگذارند و همسر خود را از میان زنان سیاستمدار و یا از خانواده‌های سیاسی انتخاب کنند."

همان طور که از لحن صمیمی و بی‌پیرایه خانم کریمی لذت می‌بردم، لازم دیدم که نکاتی را در همراهی و تأیید ایشان مطرح کنم. اینکه با توجه به میزان تعلق و دلبستگی تشکیلاتی، اعضا دسته‌بندی می‌شوند. اینکه بخشی از ساعات روز یک عضو صرف امور حزب می‌شود یا اینکه در طی ماه، زمانی را به آن اختصاص می‌دهند. اینکه نقش یک عضو کم انگیزه را در تشکیلات ایفا می‌کنند یا تمام ابعاد فکری، مالی، میدانی و سازمانی و سیاست‌گذارانه در یک تشکیلات، آنها را درگیر خود کرده، دو شکل بسیار متفاوت از مشغله را ترسیم می‌کند. سپهر زندگی خانم کریمی با همسری در جایگاه دبیر کلی، تقریباً تمام ساعات و ابعاد زندگی ایشان و خانواده وی را آمیخته با تشکیلات و سیاست کرده است. پس امیدوارم در تابلویی که خواننده از روزمره‌های او در ذهن خود ترسیم می‌کند، این ازدحام و غلظت را رعایت کند. از این دوست نازنین می‌خواهم تا از یک احساس صحبت کند، اینکه زندگی مشترک با یک فعال سیاسی، با این میزان از مشغله و مسئولیت، او را به سیاست علاقه‌مند کرده یا بیزار؟

خانم کریمی پاسخ می‌دهد که قبل از ازدواج با توجه به شرایط زندگی و رشته تحصیلی (یکی از رشته‌های پیراپزشکی) هیچ آشنایی با عالم سیاست نداشته است. بعد از یک سال از ازدواجشان، دکتر حکیمی پور به عنوان نماینده مردم زنجان انتخاب شدند و در کنار تمامی دغدغه‌های نمایندگی و عضویت در گروه‌های مختلف سیاسی، در دانشگاه هم تدریس می‌کردند و هم زمان مدیر مسئول هفته‌نامه امید زنجان هم بودند. حکیمی پور فقط در روزهایی که مجلس جلسه داشتند در تهران به سر می‌بردند و در سایر روزها در زنجان حضور داشتند. خانم کریمی هم بعد از اتمام دوره تحصیل در سال ۷۱ تا سال ۱۳۷۶ به امور خانه‌داری مشغول بودند و صاحب دو فرزند شدند. خانم کریمی افزود: لایحه‌داری از یک طرف و عدم حضور همسر در اکثر ساعات روز از طرف دیگر مرا به این فکر واداشت که دنبال اشتغال و حضور در اجتماع باشم. طی این مدت دریافتیم که همسر یک مرد سیاستمدار بودن اصلاً ساده نیست و باید بیشتر روی توانایی خودم در زندگی حساب باز کنم. تقریباً همه‌ی امور

زهره رحیمی هستم از اعضای حزب اراده ملت ایران که از سال ۱۳۹۲ در این تشکیلات مشغول و دل مشغول آموزش و کنش‌آم. طی تماسی با خانم خدیجه کریمی عزیز همسر دبیر کل حزب هم صحبت می‌شوم. بر او که از زمره زنان بزرگ اما گمنام سرزمینمان است، درود می‌فرستم. گمنام از این خاطر که از یک سو به خاطر هژمونی مغلرض و نا منصف رسانه‌ای و از سویی عمیق تر، به سبب باگ‌های بنیادی و ناپذیرفتنی که در نظام ارزش گذاری و هنجاری ما وجود دارند. سال‌هاست، دغدغه پرداختن به زندگی روزانه فعالین حزبی را دارم. زندگی‌هایی که بخش اعظم آن وامدار حضور فداکارانه و سایه‌های بخشنده‌ای است که به نظر در پشت‌صحنه ایفای نقش می‌کنند، اما در واقع بازی روی صحنه مدیون آنهاست. منظورم زندگی همسران یا اعضای خانواده یا تمام افرادی است که به نوعی با فعالین حزبی، در زیستی مشترک و خانوادگی به سر می‌برند. این افتخار نصیب شد تا با همسر احمد حکیمی پور دبیر کل حزب اراده ملت ایران دمی از زندگی و چالش‌هایش را بگویم. بنشینم. احمد حکیمی پور، یک فعال سیاسی حزبی است که علی‌رغم تمام جان‌فروشی‌ها و دشواری‌هایی که بر هیچ جان آگاهی، پوشیده نیست، در مسیر کنش حزبی در ایران آن هم مزین به پیراستگی، استقلال، مدارا و پایداری نزدیک به چهار دهه حضور داشته‌اند و خانم خدیجه کریمی اکثر این سال‌ها را کنار و همراهش بودند. از ایشان اجازه خواستم تا در نخستین پرسش به این محور بپردازیم که همسر یک فعال حزبی بودن در جایگاهی مشابه آنچه دکتر حکیمی پور در آن قرار دارد، چگونه تصویری است.

خانم کریمی در ابتدای پاسخ خود پس از درود و ادای احترام به مخاطبان گفتند: "قبل از هر چیزی از سرکار خانم رحیمی به خاطر انجام این مصاحبه تشکر می‌کنم، امیدوارم تجربه زیستی من ارزش مطالعه برای خوانندگان دو هفته‌نامه اراده ملت را داشته باشد. من کریمی هستم ۵۵ ساله متولد رودسر که در سال ۱۳۶۹ با آقای حکیمی پور ازدواج کردم و دارای سه فرزند هستم. پس از ازدواج ادامه تحصیل دادم و با مدرک کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی در مرکز آمار ایران کار کردم و در حال حاضر بازنشسته‌ام. در ابتدا برایم سخت بود در شرایطی که به حضور و کمک ایشان نیاز داشتم حزب و فعالیت حزبی در اولویت قرار داشت، حزب در واقع یک عضو ویژه از خانواده ما بود، با ما هم‌خرج بود و بخشی از درآمد زندگی ما صرف حزب و فعالیت‌های حزبی می‌شد. اما به مرور زمان، شرایط را بالاچار پذیرفتم و قبول کردم که حزب و فعالیت‌های سیاسی ایشان در رأس امور هست و مابقی امور در اولویت‌های بعدی قرار دارند و من باید در



هفته نامه غیر بر خط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹
۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

مربوط به فرزندان و خانه، برعهده‌ی من بود و همیشه آرزو می‌کردم که در انتخابات بعدی رأی نیاورد، غافل از این که راهی که وارد شد بودیم با اتمام دوره نمایندگی تمام‌شدنی نبود.



در میان پاسخ‌های صادقانه خانم کریمی این جمله به نوع خاصی توجه مرا جلب کرد. «بچه‌داری و عدم حضور همسر در اکثر ساعات روز مرا به این فکر واداشت که دنبال اشتغال و حضور در اجتماع باشم». از این جمله، نباید ساده گذشت. چراکه نشان می‌دهد، علی‌رغم افزایش فشارها در زندگی، روش مواجهه ایشان، پذیرش چالش بیشتر در مسیر توانمندتر شدن بوده است؛ لذا ضمن تبریک و خسته نباشید خدمت دوست گرامی‌ام، به ایشان عرض کردم که شاید خیلی هم لازم نباشد تا همسر یک فعال سیاسی، حتما خودش یک فعال سیاسی باشد. مهم این است که اندیشه و منشی پویا، در تعامل با زیست روزانه و پیرامونش در پیش بگیرد. به هر حال اگر بخواهم از این پرسش هم یک جمع‌بندی خدمت خوانندگان داشته باشم، این گونه می‌نویسم که با توجه به شناخت و ارتباطی که مدتی است با خانم کریمی پیدا کرده‌ام، دریافتم این است که ایشان سیاست را حتی در حالات مزاحم و ناخوشایندش، امری گریزناپذیر و الزامی می‌داند و این اجتناب‌ناپذیری، اگر او را به علاقه‌مندی نکشاند، دستکم روادارش کرده است تا بیزار. در ادامه صحبت‌م با خانم کریمی، مطرح کردم که در جوامعی با سهم برابر و تشویق‌کننده برای زنان، حضور و فعالیت و اخبار مربوط به زنانی با همسران سیاستمدار، به مراتب پررنگ‌تر و پرشورتر در جامعه مطرح است. نقش بسیاری از زنان یا حتی مردانی که همسر سیاستمداران هستند، از سوی مردم رصد می‌شود. پس چرا در ایران، نقش بی‌بدیل همسر فعالین سیاسی و حزبی این چنین غریبانه از نظر عموم، حتی خود سیاسیون مرد، پنهان مانده است؟

خانم کریمی در پاسخ به این پرسش اشاره کردند که جز تعداد معدودی از سیاسیون، اکثر آنها یا همسرانشان خانه‌دار هستند و یا نهایت شاغل در یکی از سازمان‌ها که هم‌زمان در کنار خانواده‌اند و باعث شده که سیاسیون، مدام از حمایت خانواده برخوردار بودند و خلا حضور آنان را احساس نکردند. به نظر ایشان، این غفلت عمومی به این خاطر است که از نظر این آقایان، فقط مجموع فعالیت‌ها و تلاش‌های خودشان مهم است و از این فرصتی که به آنان داده می‌شود تا بدون دغدغه‌ی خانه و فرزندان، تا هر ساعتی از شبانه‌روز

که مایل‌اند، در بیرون از خانه باشند، غافل شدند. مردانه بودن فعالیت سیاسی برای مردان یک امر مسجل بوده و حق و سهم خود می‌دانند. عدم حضور همسران سیاسیون در گردهمایی و نشست‌های عمومی که اغلب به تنهایی در آن حضور داشتند از یک طرف، و ضعف خودباوری زنان و عدم صحبت در مورد نقش و سهم آنان از موفقیت همسرانشان از طرف دیگر، سبب مغفول ماندن نقش بی‌بدیل این زنان شده است.

ضمن تشکر بابت پاسخ صریحی که خانم کریمی مطرح کردند من نیز نکاتی را لازم به تأکید می‌دانم. اینکه از یک سو گفتمان حاکمی وجود دارد، سپهر سیاسی کلان و خردی و یک‌سری خرده‌فرهنگ‌ها که همگی می‌توانند علیه معرفی و ظهور و بروز چنین زنانی دست‌به‌دست هم بدهند. ممکن است حتی، برنامه مدون یا توافق نوشته‌شده‌ای برای تعمد بر این نادیده‌انگاشتن در کار نباشد اما مجموعه مولفه‌های جاری و رایج، پیامدی جز وضعیت کنونی را رقم نمی‌زند. جامعه آن هنگام به پدیده‌ای حساسیت نشان می‌دهد و آن را دنبال می‌کند که یا برایش سودی دارد یا در زندگی او مهم است و یا از بیرون برایش مهم جلوه داده می‌شود و یا عواطف او نسبت به آن پدیده، مدام برانگیخته می‌شود. چنانچه مجهز به شناخت دقیق سپهر تحزب و تشکیلات سیاسی نباشیم، از اجزا و عناصر آن و از اهمیت مناسباتی که در بین اعضایش می‌گذرد نیز بی‌خبریم. اینجاست که بسیاری از ظرائف در عین اهمیتش، به حاشیه و محاق می‌رود. در عین حال در سمت و سویی که رسانه‌ها القا می‌کنند و محورهایی که ذهن و خواست ما را به آنها هدایت می‌کنند، جایی برای دغدغه‌ی این شناسایی‌ها و این اشارات نیست. از نگاه آنان مسائلی مثل سوتی‌های رقبای سیاسی یا متلک‌های یک مجری خبری، به نظر مهم‌تر و جذاب‌تر از چالش‌های زندگی شخصی یک عضو تمام‌قد حزبی است! تلخ‌تر قسمت ماجرا اینکه حتی در



درون یک تشکیلات نیز، متناسب با شأنیت و جایگاه این مسئله به آن پرداخته نمی‌شود و این به‌نوعی ریشه چنین غفلت‌هایی است. با توجه به این حضور خاموش و بی‌ادعا، از خانم کریمی خواستم تا در خصوص انتظارات خودشان و دیگر زنانی که همسر فعالین سیاسی و حزبی هستند، صحبت کنند.

ایشان خیلی کوتاه و فروتنانه پاسخ دادند که انتظار این است تا این کنشگران، در تمامی مسیرهای طی شده در کنار همسران خود حضور پررنگ داشته باشند. در انتظار عمومی نه فقط به‌عنوان یک سیاستمدار بلکه به‌عنوان همراه و پشتیبان همسر خویش

تجربه‌ی چنین زیست آمیخته با سیاستی در ایران، که مملو است از حضورهای ناخواسته و حوادث غیر مترقبه، سرشار از رویدادهای نامتعارف و تحمیلی، انسان را از خود بیگانه می‌کند یا برعکس موجب می‌شود تا ارتباط عمیق‌تری با خود واقعی‌مان برقرار کنیم؟

خانم کریمی در خصوص این پرسش چنین نظری دادند که در اوایل این روند، موجب تضعیف روحیه و عدم اعتماد به نفس شده بود اما خیلی زود دریافتم که در وجود تمناهای دیگری هم غیر از آنچه به طور عادی به آن می‌پرداختم هست و باید شکوفایشان کنم، برای مثال تلاش‌های زیادی کردم تا در کنار نقش‌های متعددی که زندگی بر ما تحمیل می‌کند در اجتماع هم حضور داشته باشم. برای من توأم با خودشناسی بیشتر بود.

آخرین پرسش ما در این گفتگو مرتبط با زنان دیگر جامعه بود. پرسیدم که در مقایسه با زنان دیگر که ارتباط مشخصی با دنیای سیاست ندارند، نگاه و دریافت زنان از سیاست را چطور ارزیابی می‌کنید؟ ایشان در این باره گفت: خوشبختانه هر روز بر تعداد زنانی که مطالبه‌گر هستند افزوده می‌شود. زنان به مسائل و مشکلات جامعه آگاهی دارند علت و بروز مشکلات را بررسی می‌کنند به راه‌حل‌های مشکلات فکر می‌کنند و در جمع دوستان و خانواده زمانی را به بحث در مورد مسائل کشور اختصاص می‌دهند. من بسیار امیدوارم به این که در آینده، کشور عزیزمان ایران توسط زنان و مردان غیرتمند و دلسوز دوباره آباد خواهد شد.

در پایان این گفتگوی صمیمی اظهار امیدواری می‌کنم که در فرصت‌های بعدی، امکان انتقال تجارب بیشتر و جزئی‌تری به زنانی در موقعیت‌های مشابه یا غیرمشابه فراهم شود. از حضور استوار و مهربان ایشان قدردانی کردم و به نمایندگی از خانواده حزب اراده ملت ایران به این حضور، اظهار افتخار نمودم. همین‌طور برای چند دهه همراهی با دبیر کل محترم تشکیلاتمان، خاضعانه از ایشان و دیگر اعضای خانواده محترم و بزرگوار ایشان تقدیر نمودم. امیدوارم این گزارش بابتی بگشاید تا زندگی و رنج و تلاش زنان پشت‌صحنه سیاست، بیشتر مورد احترام و عنایت قرار بگیرد.

ظاهر شوند. به آنها مجال صحبت کردن و دیده شدن داده شود. سیاستمداران باید که در جهت شکوفایی همسران خود تلاش کنند و قدر دان فروتنی و از خودگذشتگی همسران باشند.

در ادامه گفتگویم با خانم کریمی ابراز خرسندی کردم که در دو هفته‌نامه اراده ملت این فرصت برای بیان چنین موضوعاتی فراهم شده. به طور ویژه این گفتگوها نیازمند پیش‌شرط‌هایی چون انعطاف‌پذیری و شفافیت و شکیبایی افرادی است که اجازه می‌دهند وارد حریم خصوصی و شخصی ایشان شد و در مورد مناسبات و افکار آنها بی‌پرده سخن گفت. در ایران مگر اینکه افراد به شکل زوج در کنش سیاسی مشغول باشند، وگرنه در موارد بسیار معدود و انگشت‌شماری در خصوص همسران سیاسیون و انتظارات ایشان سخن به میان می‌آید. از این رو مستقیم از خانم کریمی و غیرمستقیم از دکتر حکیمی‌پور بابت امکان این صحبت‌های صمیمی تقدیر می‌کنیم و آرزو مندیم که موجب تلنگری به افکار فعالین سیاسی و حزبی شود تا آن گونه که در شأنیت و جایگاه پشتیبانان خانوادگی کنشگران هست، به انتظارات ایشان توجه شود. در قسمت‌های بالا مطرح شد که چالش‌های مکرر و مداوم می‌تواند برخی زنان را به مسیر توانمندتر شدن هدایت کند و به سمت انتخاب‌های جدیدی ببرد که دانش و مهارت و تجارب زیسته ایشان را افزایش دهند. اما یک تفاوت ظریف هم هست که می‌تواند در کمین باشد. آن هم اینکه این رفتن‌ها و این تغییر کردن‌ها، صرفاً یک راه‌گریز از هجوم چالش‌ها و تنش‌های زندگی باشد، بی‌آنکه همخوانی و سازگاری لازم را با روحیات و خلقیات ما داشته باشند. خانم کریمی نیز احتمالاً مکرر و متعدد مجبور به سازگاری و پذیرش اتفاقات و رویدادهایی می‌شدند که شاید برایشان آماده نبودند. اینکه از بخشی از پس‌انداز خود برای امور حزبی بگذرند. اینکه یک سفر از پیش طراحی شده را کنسل کنند. در روزهای مهم زندگی، جای خالی همسر را در مراسم و میهمانی‌ها پوشش بدهند. اخبار سیاسی رسانه‌ها و اسناد تشکیلاتی، اندک زمان مشترک با همسر را نیز برباید. آرامش و فراغت در ساعات شبانه منزل، آمیخته با تنش‌های تشکیلاتی شود. و تماس‌های مکرر به تلفن همسر، در ساعات تفریح و سرگرمی خانواده به مزاحم‌ترین و ناخواسته‌ترین پدیده بدل شود و غوغای آشفته‌بازار سیاست، یک‌دم دست از سر زندگی بر ندارد. با این تفسیر،



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱



۸ مارس روز جهانی زن، حقوق زنان و ممنوعیت خشونت



محمد مهدی احدیان



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

مقرر شد یک روز به عنوان روز جهانی زن برای برابری حقوق شغلی و آموزشی، و حق رای زنان تعیین شود. یک سال بعد این ایده چنان گسترش عمومی یافته بود که در کشورهای اروپایی بویژه در آلمان و همسایگانش راهپیمایی‌های بزرگی برای کسب حقوق برابر شغلی زنان و حق رای برگزار شد. برگزاری اتفاقی اولین مراسم روز زن در روز ۸ مارس ۱۹۱۴ در آلمان برای کسب حق رای و سپس راهپیمایی نان و صلح زنان روسیه در ۸ مارس ۱۹۱۷ (به گاهشماری قدیم روسیه) که باعث استعفای تزار و مقدمه‌ای برای انقلاب اکتبر شد باعث ماندگاری روز ۸ مارس و ارجاع به این روز در سال‌های بعد شد، به گونه‌ای که بعدها روز ۸ مارس در روسیه کمونیستی و کشورهای بلوک شرق روز زن و تعطیل ملی شناخته شد. موج اول جنبش‌های فمینیستی در غرب، باعث کسب حق رای برای زنان در کشورهای مختلف شد اما جنگ‌های جهانی اول و دوم از ۱۹۱۴ تا ۱۹۴۵ این موج را متوقف ساخت. با این حال، جنگ‌های جهانی باعث مشارکت بیشتر زنان در نقش‌های سنتی مردانه شد و افکار سنتی را بیش از پیش به نفع برابری حقوقی زنان تغییر داد. پیدایش موج دوم جنبش‌های فمینیستی در دهه ۶۰ میلادی

انسان‌ها به صرف انسان بودن واجد حقوقی فردی و اجتماعی هستند که از بدو تولد برایشان به رسمیت شناخته شده است و بخشی از آنها در اعلامیه‌های سازمان ملل متحد به تصویب جهانی رسیده و مشهور هستند. اما در کشورهای مختلف در کسب این حقوق به زنان بیش از مردان ستم می‌شود. آنچه که جنسیت نامیده می‌شود و امری اجتماعی-فرهنگی است و نه زیست شناختی، موجب این ستم و پیدایش نابرابری است. از جمله حقوق مورد ستم و تبعیض زنان می‌توان حق خودمختاری بر بدن خویش، حق رای، حق کار، حق استقلال، حق دستمزد برابر برای کار برابر، حق مالکیت بر دارایی خویش، حق ارث، حق تحصیل و کسب انواع مهارت‌ها، حقوق سرپرستی فرزندان، ازدواج و طلاق، و نیز آزادی‌های فرهنگی و عقیدتی را نام برد.

ایده تعیین یک روز معین و اختصاص آن به زنان، پس از گسترش حرکت‌های مطالبه‌گر حقوق زنان و جنبش‌های کارگری عدالت‌طلبانه اواخر قرن ۱۹ و آغاز قرن بیستم در آمریکای شمالی و اروپا پدید آمد. نخستین مراسم روز زن در ۱۹۰۹ در آمریکا برگزار شده بود. در کنگره جهانی سال ۱۹۱۰ سوسیالیست‌ها در دانمارک،



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

زندگی خصوصی رخ دهد". بر اساس این اعلامیه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹، روز ۲۵ نوامبر هر سال را "روز جهانی پایان دادن به خشونت علیه زنان" نامگذاری نموده است. بنا بر این اعلامیه هر گونه خشونت جسمی، جنسی یا روانی در خانه یا جامعه یا توسط دولت از جمله تهدید، آزار واذیت و آزار، کتک زدن، تجاوز، سو استفاده جنسی ولو در ازدواج، ازدواج اجباری، استثمار و کار اجباری علیه زنان ممنوع است اما انواع خشونت محدود به این موارد نخواهد بود.

بنا بر حکم دادگاه بین المللی کیفری رواندا در سال ۱۹۹۸ که توسط سازمان ملل برقرار شد، تجاوز جنسی اجباری یا تجاوز به عنف که جرمی مدنی تلقی می شود، در صورتی که سازمان یافته باشد، جنایت علیه بشریت و همچنین جنایت جنگی شناخته می شود. علاوه بر آن، اگر تجاوز به عنف به قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه هدف انجام شده باشد، جنایت نسل کشی نیز شناخته می شود و همه این موارد قابل تعقیب در دادگاه بین المللی کیفری است. در همین راستا، قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل مصوب سال ۲۰۰۰ همه دولت ها را موظف به حمایت از زنان و دختران در درگیری های مسلحانه نموده است. همچنین کنوانسیون شورای اروپا درباره "پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی" که به کنوانسیون استانبول نیز معروف است، از سال ۲۰۱۴ در اکثر کشورهای اروپایی چتر حمایتی برای زنان در برابر خشونت ایجاد کرده است. موضوع اصلی روز جهانی زن در سال ۲۰۱۳ در سازمان ملل و یونسکو، خشونت علیه دختران برای ممانعت از حضور آنان در مدارس بود؛ آنچه که در ایران و افغانستان نیز اهمیت دارد.

در طول اپیدمی کرونا در جهان، سازمان ملل بر اهمیت و تأثیراتی که زنان به عنوان کادر بهداشت و درمان در سراسر جهان داشتند تأکید کرد. با این حال، پس از گذشت یکصد و پنجاه سال از جنبش های رفع تبعیض و حرکت های زنان برای کسب حقوق برابر در جهان، آمارها نشان می دهند که سهم زنان از درآمد جهانی بسیار کمتر از مردان است، کار خانگی بدون دستمزد است و دستمزد زنان در خارج از خانه کمتر از مردان است. بی سوادگی جهانی در زنان دو برابر مردان است و زنان مشارکت سیاسی ناچیزی در کشورهای مختلف دارند. زنان به دلایل جنسیتی، بسیار سهل تر از آنچه بر مردان می رود، قربانی خشونت جسمی و تجاوز جنسی می شوند و حقوق زنان به طرق مختلف در جای جای جهان نادیده گرفته شده یا سرکوب می شود. به همین دلایل است که روز ۸ مارس و ۲۵ نوامبر به عنوان روزهایی خاص برای توجه جهانی به حقوق زنان و رفع تبعیضات جنسیتی و خشونت علیه آنان اهمیت دارد.

در اروپا، باعث گسترش نقش اجتماعی زنان و آزادی های حقوقی و کاهش تبعیضات جنسیتی شد. در همین راستا در اروپا مجدداً روز زن در دهه ۷۰ میلادی و از سال ۱۹۷۵ توسط سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفت. سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۷ روز ۸ مارس را رسماً "روز جهانی توجه به حقوق زنان و صلح جهانی" نامگذاری کرد و از آن پس این روز گرامی داشته می شود. روز ۸ مارس از دهه ۸۰ خورشیدی در ایران نیز مورد توجه کنشگران مدنی و فعالان حقوق زن قرار گرفته است. برگزاری گسترده مراسم یکصدمین سال روز جهانی زن در سال ۲۰۱۱ در کشورهای جهان، باعث توجه مجدد به حقوق زنان در سراسر جهان شد.

توجه سازمان ملل متحد به موضوع خشونت علیه زنان

کوشش های جهانی برای رفع تبعیض و کسب حقوق زنان از قرن ۱۹ آغاز شد. شورای بین المللی زنان نخستین سازمان غیر دولتی بین المللی بود که در سال ۱۸۸۸ به نمایندگی از ۵۳ سازمان زنان از ۹ کشور تشکیل شد و امروز در وضعیت مشورتی برای شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل در بالاترین سطح قرار دارد و ۷۰ کشور عضو آن هستند. پس از جنگ جهانی دوم، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸ بر "حقوق برابر زن و مرد" تأکید کرد. در سال ۱۹۷۹ در مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه "رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان" تصویب شد. این اعلامیه که منشور حقوق زنان توصیف می شود، در سال ۱۹۸۱ لازم الاجرا شد. با این حال ایران از معدود کشورهایی است که آن را نپذیرفته است. این منشور هر گونه تمایز، محدودیت یا محرومیتی که بر پایه جنسیت ایجاد شود را ممنوع نموده و بر آزادی های اساسی زنان در زمینه های گوناگون تأکید دارد و کشورهای عضو را موظف نموده است تا برابری جنسیتی را در قوانین داخلی خود قید نموده، قوانین تبعیض آمیز را لغو نمایند، و برای محافظت از زنان در برابر تبعیضات، قوانین لازم را وضع نموده و دادگاه هایشان این برابری ها را تضمین نمایند.

در دهه های اخیر، سازمان ملل متحد و صلیب سرخ جهانی توجه جامعه جهانی را متوجه خشونت علیه زنان به اشکال مختلف و حقوق زنان آواره در جنگ ها، زنان زندانی، زنان همسر و فرزند از دست داده، توانمندسازی زنان و کوشش برای برابری سازی حقوق زنان نموده اند. اعلامیه "منع خشونت علیه زنان" مصوب سال ۱۹۹۳ توسط سازمان ملل، خشونت علیه زنان را اینگونه تعریف کرده است: "هر گونه اقدام خشونت آمیز جنسیتی که منجر به، یا ممکن است منجر به آسیب جسمی، جنسی یا روانی شود، از جمله تهدید به چنین اعمالی، و نیز سلب اجباری یا قراردادی آزادی، که چه در زندگی عمومی چه





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹
۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

گزارشی از نشست

«جنبش زنان در ایران با نگاهی به اعتراضات کنونی»



فاطمه قدم

fatemehghadam56@gmail.com

راهی که برای همه زنان از هر قشر و گروهی هموار بوده است و آنان نیز از آن استقبال می کنند نام برد. این استقبال به حدی بود که در دهه ۸۰ نسبت زنان به مردان در دانشگاه بیشتر می شود، سیاست سهمیه بندی جنسیتی رشته های دانشگاهی روی کار می آید. یعنی مسیری که به شکل طبیعی به زنان فرصت حضور در عرصه عمومی می داد، اما اکنون با مانعی جنسیتی برای رشته هایی که موقعیت اقتصادی و اجتماعی مناسبی داشتند، روبه رو می شود و مسیر تحصیل آنها به سمت رشته هایی که ادامه وظایف زنانه تعریف می شوند، هدایت می شود.

وی در ادامه درباره تحصیلات و وضعیت اقتصادی زنان یادآوری کرد که زنان به واسطه تحصیل می توانند شهر خود را تغییر دهند در نتیجه در موقعیت اجتماعی تازه ای قرار می گیرند و می توانند تحرک طبقاتی را به واسطه ایجاد امکان اشتغال برای خود به وجود بیاورند. اما جنس مخالف بدون تحصیلات حتی اگر در موقعیت طبقاتی فرودست باشد از امکانات تحصیلی، اقتصادی و اشتغالی بیشتر برخوردار خواهد بود؛

روز دوشنبه اول اسفند ۱۴۰۱ نشستی در مؤسسه رحمان در خصوص «جنبش زنان در ایران با نگاهی به اعتراضات کنونی» با حضور فاطمه صادقی، پژوهشگر و فعال حقوق زنان و نفیسه آزاد، جامعه شناس برگزار شد. در این شماره نشریه اراده ملت گزارشی از این نشست تقدیم شما می گردد.

چرا زنان ایرانی اعتراض می کنند؟ چه چیزی برای اعتراض وجود دارد؟ مگر غیر این است که بستر برای تحصیل آنان تا مدارج عالییه ادامه دارد و برخی از آنان نیز کار و فعالیت های اقتصادی دارند و از حق حضور در عرصه عمومی محروم نیستند و شرایط طالبانیسم هم بر آنان حاکم نیست، پس حرف حساب آنها چیست؟

خالی بودن سبدهای سرمایه ای زنان
نفیسه آزاد، در خصوص علت خشم و اعتراض زنان ایرانی گفت که زنان ایرانی همواره در حال مقاومت پیچیده و چندلایه در برابر نوعی قدرت هستند، اما این مقاومت چه ریشه ای دارد؟ او تحصیل را تنها





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۹

۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۱

سال های اخیر تنگ کردن دایره اعمال قدرت بر زنان تا حدی زیاد شد که در جریان اعتراضات اخیر، مهسا امینی که در هیچ کدام از بسترهای فرهنگی ما عمل غیراخلاقی مرتکب نشده بود و حجاب نامتعارفی نداشت، از این دایره به بیرون می افتد. ه این نگرش به تشدید تنش کمک می کند. در نهایت این سیاست ها تنها ابعاد کلان دولتی ندارند و موضوع فقط سیاست گذاری از بالا به پایین نیست بلکه وضعیت تبعیض آمیز زنان در جامعه ایران متحدان اجتماعی دارد.

در پایان نفیسه آزاد درباره آنچه زنان در زندگی روزمره تجربه می کنند، می گوید: «خاصیت خود تنظیم گری جامعه به دلیل مداخلات شدید سیاست گذار در موضوع زنان و نسبت های جنسیتی از بین رفته است. جامعه عاملیت و قابلیت خود تنظیم گری دارد و می تواند تنش های خود را رفع کند و تنها در این صورت است که وضعیت قانون نسبت به زنان می تواند عادلانه باشد. اما امروز جامعه درگیر چالش ها و قالب هایی است که خود عامل به وجود آورنده آن نبوده و به طور مداوم در دور باطل سیاست گذاری های معیوب درباره وضعیت زنان است. این در حالی است که آمارهای عینی از حرکت همواره زنان جامعه در مسیری مخالف سیاست گذاری ها حکایت دارند».

فاطمه صادقی، در تحلیل و ریشه یابی اعتراضات زنان این گونه بیان می دارند که زنان طبقه فرودست در تلاش برای مرئی شدن و گذر از زیست غیررسمی که آنها را به حاشیه می راند، هستند. حضور زنان به ویژه از طبقه فرودست در جامعه امروز برابر گذر از نامرئی بودن است. همچنین درباره خطای تحلیل وضعیت اجتماعی زنان در ایران تأکید می کند که این تلقی در مطالعات علوم اجتماعی ایران که زنان طبقه و گروه های خاصی هستند، خطاست. زیرا زنان در همه طبقات و گروه های اجتماعی مختلف، حضور دارند. به بیان دیگر تحلیل وضعیت زنان در علوم اجتماعی در ایران با خطایی روبه روست که زنان طبقه فرودست که از نظر دسترسی به امکانات، توانایی، نوع کنشگری اجتماعی و سیاسی با زن طبقه متوسط متفاوت اند را ذیل یک زیرمجموعه قرار می دهد. بعضی نیز وضعیت زن فرودست را فقط از جهت فرودستی او بررسی می کند که این هم گاهی منجر به اطلاق الگوهایی بر زنان می شود که برای مرد طبقه فرودست که اجازه دسترسی به امکانات و فعالیت های اقتصادی را دارد، صادق است. در پایان این پژوهشگر حوزه زنان تأکید می کند که ابعاد اجتماعی و جنسیتی مختلفی بر موقعیت حضور زنان در جامعه تأثیر گذار است که در تشریح جایگاه آنها در جامعه باید به آن توجه شود.

بنابراین در جامعه های که سبدهای سرمایه ای اقتصادی و اجتماعی زنان خالی است، تحصیلات می تواند مسیرهای تازه ای را برای زنان باز کند.

این جامعه شناس، مغالطه بر سر این که بیش از نیمی از جمعیت دانشگاه ها را زنان تشکیل می دهند گفت که این جمعیت فقط به حضور آنان در دوره کارشناسی محدود می شود. اگرچه ۱۵ درصد زنان تا اوایل دهه ۸۰ در آزمون های تحصیلات تکمیلی شرکت می کردند که در اواخر همین دهه آمار به بیش از ۴۰ درصد رسید. باین وجود اما سهم آنها از عضویت در هیئت علمی دانشگاه ها همان ۲۰ درصد باقی ماند؛ بنابراین سبد سرمایه های اقتصادی زنان خالی است و طبق آمار فقط ۲ درصد مالکیت در اقتصاد، سهم زنان و ۹۸ درصد در تملک مردان است.

آزاد در تکمیل صحبت هایش می گوید هر چند مسیر تحصیل برای زنان در ایران باز است اما طبق آمار غیررسمی، ۷۰ درصد زنان فارغ التحصیل بیکارند و یا شغل رسمی ندارند و فقط ۱۳ درصد آنها اشتغال رسمی دارند و از این میزان ۲ درصد به مرتبه مدیریتی دست یافته اند. همچنین با وجود اینکه سیاست های رسمی مشوق حضور اقتصادی زنان نیست، آنها در بازار غیررسمی حضور دارند و با فیلترینگ اینستاگرام به ناگهان آماری از بیکاری ۷۰ درصد زنان صاحب کسب و کار به گوش می رسد که از بازار رسمی اقتصاد به حاشیه رانده شده اند. بنابراین در شاخص اشتغال، بیکاری زنان ایرانی ۳ برابر میانگین جهانی و حتی کشورها و شهرهای هم عرض است. طبق همین آمار و پژوهش ها، با وجود اینکه زنان از همه امکاناتی که می توانند به آنها دسترسی داشته باشند استفاده می کنند، سهم آنها از درآمد اقتصادی زیر ۳۰ درصد است.

انتخاب به مثابه مقاومت

آزاد با اشاره به حقوق رسمی زنان در خانواده می گوید که زن در خانواده ایرانی، حقوق رسمی بسیار کمی دارد و جایگاه او نسبت به مرد، جایگاهی فرودست است. نداشتن حق طلاق مگر در شرایط خاصی، نداشتن ولایت بر فرزندان، نداشتن حق مسکن و اشتغال... همه در کنار هم جایگاه زن در خانواده ایرانی را تضعیف می کند. او با اشاره به این وضعیت و توضیح نرخ طلاق از هر ۳ ازدواج ۱ نفر می گوید که با وجود همه این شرایط، زن ایرانی دیگر در هر ازدواجی نمی ماند، مقاومت و انتخاب می کند. البته که بیشتر آسیب های طلاق به دلیل همان سبدهای سرمایه ای برای زنان است اما به هر حال تغییرات اجتماعی به نحوی پیش رفته که زن ایرانی انتخاب می کند.

در تشریح وضعیت زنان در فضای عمومی و ریشه یابی جریان اعتراضات نظر این جامعه شناس این است که شرایط برای زنان تا کنون به نحوی بوده که گویی به دنبال سلب عاملیت است. در





اشک بابت



علی خلیلی پور دارستانی

alikhaliipurdarestani@yahoo.com

۱
کمی
شاید...
تنهایی پیش تر آدم
تا
قانت را بهتر بنیم
اشک بابت
اما نم برید
می مانم
تا تو یایی
و اشک بابت در نیاید
وقتی که آدمی
به چشم بابت نگاه میکنم.

۲
از تو
هین
که بایستی و بدرقه کنی
اما
من
محاببت را می کاوم
و در درون دو چشت
عشی به بزرگی فردا می بینم.

۳
همیشه
هین بوده است
تا
آدم به خود بیایم
او رفته بود
می دانستم
... تو
هم
اما باور نگردیده ام.



سازمان آگهی

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را
به آدرس پایین ایمیل

Hgolami1367@gmail.com

و یا

به شماره زیر از طریق واتساپ ارسال نمائید

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵



نمایندگی خادمی

مدیر: ۱۱۰۰۶۰۰۰

بیمه‌دانا

با ما به خیر میگذرد

بیمه آتش سوزی / بیمه عمر، پس انداز / بیمه حوادث
بیمه بدنه اتومبیل / بیمه آتیه فرزندان / بیمه ثالث
بیمه خطرات مهندسی / بیمه مسئولیت کارفرما

مشاوره 24 ساعته رایگان

بهران بختیاران (مشاور توجیه) / ابتکار طیاران اسکالتری جنوبی، بن بست شلیس، پلاک 4 واحد 1

۰۹۱۲۲۲۰۵۱۶۲ * ۰۹۱۲۷۳۳۴۷۷۵ * ۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶

* تخفیف ویژه جهت اعضای حامی و با معرفی توسط اعضا *

خاطرات

www.khsmag.ir

۱۹ خاطرات ۱۴۰۱

فصلنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
سال پنجم - شماره ۱۹ - زمستان ۱۴۰۱
۲۴۴ صفحه - ۱۰۰,۰۰۰ تومان

معادله دو مجهولی بقای و آیت

همراه با:
مقالاتی درباره اعتراضات اخیر
خاطراتی از دکتر محمد مصدق
و
پرونده‌ای برای
خسرو گل‌سرخ

با آثار و گفتارهایی از
مصطفی ایزدی
محمدحسین بنی
اسدی
مسعود بهنود
احمد حکیمی‌پور
صبح زنگنه
عباس سلیمی‌نمین
احمد شعبانی
مهدی غنی
فریدون مجلسی
مهدی معتمدی مهر
...و



سپر بلای زندگی شما
برای همه مردم ایران



نماینده بام زر

کد: ۳۲۷۵



♦ بیمه اتومبیل (ثالث و بدنه) ♦ بیمه عمر و سرمایه گذاری
♦ بیمه آتش سوزی و حوادث ♦ بیمه مسئولیت و کارفرما

مشاوره ۲۴ ساعته رایگان

۰۹۱۸۸۵۰۶۳۰۰

۳۳۲۴۲۶۲۴

نقد و اقساط

استان همدان، نهارند، خیابان آزادهگان، روبه روی گوجه دکتر صالح

فروشگاه و نمایشگاه نوین چوب

معصومی



بخش MDF, ACT های گلاس، پلی گلاس، کینگ گلاس، تنوپان، صفحه و سه میل ...

طراحی و ساخت انواع کابینت و پارتیشن و ...

۰۸۱۳۳۲۶۷۷۰۰۶



۰۹۱۸۱۱۰۰۰۱۲، ۰۹۳۹۶۳۹۸۶۸۰



همدان: میدان امام حسین، بلوار الغدیر، بعد از کوچه خیر خواه

